انتظار از دیدگاه اهل بیت (علیهم السلام)




بسم الله الرحمن الرحیم

انتظار از دیدگاه اهل بیت علیهم السلام

نویسنده:

سکینه طاووسی

ناشر چاپی:

مسجد مقدس جمکران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

انتظار از دیدگاه روایات اهل بیت علیهم السلام

مشخصات کتاب

سرشناسه : طاووسی، سکینه

عنوان و نام پدیدآور : انتظار از دیدگاه اهل بیت علیهم السلام/ سکینه طاووسی.

مشخصات نشر : قم: مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۶.

مشخصات ظاهری : ۱۹۵ص.

شابک : ۱۳۰۰۰ ریال ۹۷۸-۹۶۴-۹۷۳-۱۱۶-۲ :

وضعیت فهرست نویسی : برون سپاری.

یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع : محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق -

موضوع : مهدویت-- انتظار

موضوع : مهدویت-- انتظار-- احادیث

شناسه افزوده : مسجد جمکران (قم)

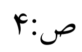
رده بندی کنگره : BP۲۲۴/۴/ط۲الف۸ ۱۳۸۶

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۴۶۲

شماره کتابشناسی ملی : ۱۵۰۹۲۷۲

ص:۱

اشاره



تقدیم

این ره توشه و سرمایه ناچیز را تقدیم می کنم به ساحت مقدّس سیّد و نبیّ مان محمّد مصطفی صلی الله علیه وآله خاتم پیامبران و مولای موحّدان، امیرالمؤمنین علی علیه السلام و پاره تن رسول اللَّه، سیّده زنان عالم علیها السلام وسیّد جوانان اهل بهشت، امام حسن و امام حسین علیهما السلام و به صاحب لوای کربلا، حضرت ابوالفضل، و ائمه بزرگوار از نسل امام حسین علیهم السلام به خصوص به درگه ولایتمدار ولی خدا، ذخیره الهی بر روی زمین آن نور خدا که هدایت کننده اهل هدایت است، منتظری که اصلاح کننده ناراستی هاست و آن جایگاه امیدی که بر هم کوبنده اساس ظلم است، به یوسف زهرا - که عشق، پناه و تمام انگیزه شیعه است - به حضرت حجت بن الحسن العسکری. روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمهم الفداء.

«یا أیها العزیز مسّنا و أهلنا الضرّ و جئنا ببضعه مزجاه فأوفِ لنا الکیل و تصدق علینا أنّ اللَّه یجزی المتصدّقین».

محض خاطر نازنین تو ای ولی خیرخواه و ای صاحب من، قلم را به پستی و بلندی های صحیفه انتظار دواندم تا با قدمی هر چند ناچیز، به آستان با صفای تو تقرّب جویم اگر چه یقین به خلوص خویش ندارم، امّا تو کَرَم نما و قبول فرما که چون ران ملخی است بهر سلیمان.

تقدیر و تشکر

حمـد و سـپاس خدای را که قلب مرا به انوار هدایت حضـرت مهدی - روحی فداه - منوّر فرموده و با عنایات خاصّ خویش بر من منّت نهاد تا بتوانم در عنفوان سنّ جوانی، چند صـباحی را با نام و یاد مولایم حضـرت صاحب العصـر و الزمان علیه السـلام سپری کنم و سـلام به محضر مولایم اباصالح المهدی - عجل اللّه تعالی فرجه الشریف - که ذرّه ای از اقیانوس بیکران «عشق و سوز انتظارش» را به من چشانـده و دریچه فهم به سـمت و سوی معارف مهـدوی را به روی من گشود و إن شاءاللّه مرا در مقام عمل قرار دهد تا نعمت بر من تمام شده و بیش از پیش شرمنده و شاکر الطاف وجود مقدّسش شوم.

و با تقدیر فراوان از زحمات بسیار مشفقانه مادر و پدر با تقوا و دلسوزم که با پاکی درون خویش و ارادت قلبی خود به ساحت مقدّس حضرات چهارده معصوم علیهم السلام محبّت به محضر اهل بیت علیهم السلام را در دل و جان من پروراندند.

و سپاس از تلاش و همکاری تمامی افرادی که در به نتیجه رسیدن این اثر، مرا همراهی کردند.

مقدمه

مهدویّت؛ وعده الهی و ادامه راه کربلا و نگاه سرخ حسین علیه السلام است.

مهدویّت؛ حقیقت سترگی است که جهان با وجود او بر مدار عشق می چرخد و خورشید به یُمن درخشش او، زمین و آسمان را نورباران می کند.

مهدویّت؛ امید و حیات، زیبایی و عشق، شور و نشاط است.

انتظار؛ دیده به راه دوختن است، لحظه شماری کردن برای دیدار کسی یا انجام واقعه ای است.

انتظار؛ به امید کسی یا چیزی ماندن است، نگران شخص عزیزی یا امر مهمّی بودن است.

انتظار؛ امیدواری، چشم به راهی، آمادگی است.

انتظار؛ ایمان به غیب، اقرار به «ولایت»، باور داشت حقّ حاکمیّت «قرآن» است.

انتظار؛ عصاره «یقین»، چکیده «تقوی و خلاصه «عمل صالح» است.

انتظار؛ چشم به راه همه کمالات بودن و التزام به خوبی هاست.

انتظار؛ تلاش برای یافتن، مقاومت برای رسیدن و جهاد برای ساختن است.

انتظار؛ روایت «اشتیاق» حدیث «جستجو» و قصه «وصل» و ذکر حضور در خیمه قائم آل محمّد - عجل اللّٰه تعالی فرجه الشریف - است.

انتظار؛ اقتدای به او، بیعت با او، سرسپاری به فرمان او و سرّ استقامت و جانبازی

در راه اوست.

انتظار؛ انتظار روز ظهور است و انتظار روز ظهور او، انتظار غلبه اسلام و قرآن است و انتظار غلبه اسلام و قرآن، انتظار تحقق وعده های الهی است.

انتظار؛ مجموعه اصول و معارف دین و تجلی ولایت ولی خدا - حضرت ولی عصرعلیه السلام است.

انتظار؛ سهم دیدگانی است که رو به آفتاب زیسته اند، سهم دل هایی است که شبانگاهان و چه بسا هر لحظه در وسعت نیایش، جانب آسمان ریشه دوانیده اند.

انتظار؛ کلمه ای ژرف و معنایی ژرف تر....

تفسیر دقیق و واقعی الفاظ و اصطلاحات اسلامی و درک صحیح آنها بر هر شیعه ای که بخواهد به روح والای تعالیم اسلام، حقیقت مکتب و برنامه های مادّی و معنوی آن آشنا شود، بسیار ضروری است؛ چرا که کمال انسان در گرو فهم صحیح و دریافت درست تمام جنبه های دین و مفاهیم آن می باشد.

عدم تعمّق و تبیین کارساز تعالیم متعالی اسلام، باعث واژگونه معرفی شدن حقایق شده و در نهایت به رکود، انحطاط و وقوف منجر خواهد گشت. از این نظر معرفی ارشادهای واقعی دین در هر رشته و ارتباط آن با تحرّک، فعالیّت، اخلاق و کمال، اهمیّت فوق العاده ای دارد، به خصوص امروزه که بیگانگان با تهاجمات فرهنگی خود و نیز تبلیغات غرض آلودشان در پی گمراه نمودن مردم و نسل جوان از شعائر الهی و انسانی هستند، پس بر اهل قلم واجب است که با ارائه آگاهی های لازم، نسبت به مفاهیم و مبانی دین، جوانان تشنه و جویای حقیقت را هر چه بیشتر سیراب کنند. چه بسا انحراف از درک آنها و غفلت از معرفی درست مفاهیم دین، باعث ضلالت این قشر و سایر افراد شود.

از جمله مفـاهیمی که درک معنـای صـحیح و دقیق آن به اعتقـادات انسـان مربوط می شود و در تبیین آنهـا بایـد توجّه فراوانی مبذول داشت؛ انتظار ظهور یا همان انتظار فرج است.

در این وادی مقدّس، سعی شده است علاوه بر اشاره به آیات نورانی کلام وحی و بهره گیری از آنها، به مهم ترین منبع تحقیق در بـاب مهـدویّت و انتظار، یعنی همان احادیث رسـیده از عترت طاهره علیهم السـلام رجوع کرده تا از آنها بهره فراوان ببریم؛ زیرا که احادیث انتظار، پرتوهای پر نوری است که بر جان و زندگی شیفتگان حضرت مهدی – عجل اللّه تعالی فرجه الشریف – تابیده و شعله های امیدی است که در قلب پاسداران عدالت افروخته و مسئولیت بزرگ منتظران را یادآور می شود.

بنـابراین، در این مجمـوعه قصـد داریم علاـوه بر بهره گیری فـوق، برداشت هـای نـاقص و نـادرستی را که در برخی از اذهـان، درباره مسأله انتظار وجود دارد را با مطالعه گفتار معصومین علیهم السـلام و منابع معتبر اسـلامی، اصلاح و رفع کرده و به تبیین چیستی انتظار بپردازیم.

ضرورت و اهمیّت آن

عقیـده به ظهور مصـلح جهـانی و ایجـاد آمـادگی در کـل عـالم و در یک عبارت «انتظار داشـتن» امر حیاتی و لازمی است که پیشوایان دینی آن را راهبردی مهم در دوران غیبت دانسـته و علاوه بر امر نمودن نسبت به آن، به وجوب انتظار هم اشاره کرده اند.

در حدیثی که از امام جوادعلیه السلام وارد شده است ایشان می فرمایند:

«إنّ القائم منّا هُوَ المهدی الَّذی یَجِبُ انْ یُنْتَظَرَ فی غیبته، قائم ما حضرت

مهدی است که واجب است در دوران غیبت او، انتظارش را بکشند.»(1)

سؤال اساسی و مهمّی که درباره انتظار، پیش می آید این است که سخن از آینده بشریّت چه سودی برای ما دارد؟ یا چرا این قدر درباره انتظار، سفارش شده است؟ به عبارت دیگر فلسفه یا ضرورت طرح این مبحث و عقیده داشتن به آن چیست؟

بعضی از افراد کج اندیش، معتقدند که ما امروزه با هزاران مشکل دست به گریبانیم و فکر و ذهنمان، فقط باید معطوف به پیروزی و غلبه بر این مشکلات باشد. با نظر این افراد، نظاره گر آینده بودن امری «نسیه» است و اثر سازنده ای در زندگی امروز ما ندارد.

این سخنان گفته های افرادی سطحی نگر است که به خاطر عدم دوراندیشی شان، امروز و فردا را از هم جدا می دانند و ریشه های حوادث امروز را در گذشته ندانسته و حوادث آینده را ریشه در امروز نمی دانند، امّا آنان که بینشی عمیق نسبت به حوادث و واقعیت های اطراف خود دارند بهتر دریافته اند که آینده را از امروز باید ساخت و توجّه به آینده درخشان و یا تاریک، انعکاس فوری در زندگی امروز و حتی در موضع گیری های افراد در برابر حوادث دارد. این افراد باور دارند که برای داشتن امروزی بهتر، باید گذشته و آینده را مورد بررسی قرار داد تا بتوان به وجوب انتظار و دلیل تأکید آن در لابلای سخنان بزرگواران دین پی برد و به زودی متوجه خواهیم شد که این انتظار بزرگ چه مقدار سازنده است.

سازنده بودن انتظار را در این امر می توان دانست که این مفهوم به امید گره

۱- ۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۲.

خورده است، از این رو شور و نشاط زندگی فردی و اجتماعی انسان، مرهون نعمت انتظار بوده و اگر زندگی انسان تهی از امید به آینده ای درخشان و خالی از «انتظار» باشد و خدای ناکرده در آن روح یأس و افسردگی حاکم باشد، زندگی ای بی هدف شده و در نهایت، انسان دلیلی بر تحرّک نمی یابد.

دلیل دیگری که می توان ذکر کرد این است که شناخت و ارزش انسان و حیات او به میزان انتظار او بر می گردد؛ هرچه، امر مورد انتظارش مقدس تر و عالی تر باشد، به تبع انتظارش نیز ارزشمندتر خواهد بود.

در نهایت، ارزش فرد منتظر، والاتر می باشد؛ زیرا که شخصیت و شاکله وجودی هر فرد از امیدها، آرزوها و انتظاراتش شکل می گیرد.

یک هنرمند، ورزشکار و یا نخبه علمی، منتظر کسب مدال افتخار است و یک محقق، منتظر است تا با نیروی خِرَد و اندیشه خویش، گره از مسایل علمی بگشاید و خدمتی به جامعه بشریّت ارائه دهد.

همچنین شیفتگان دوران ظهور حضرت مهدی، عاشقانه منتظر قدوم پربرکت امام عصر خویش و اتمام دوران غیبت اویند.

حال اگر این امید و انتظار، که عاملی جهت تأثیر و تأثّر و فعل و انفعالات است از بشر گرفته شود، دیگر ادامه حیات، معنا ندارد؛ زیرا که لذّت بخشی زندگی منوط به داشتن امید است و آنچه گفته شد، رمزی از ضروریات مبحث انتظار است.

پیشینه

امروزه «مهدویت» خود یکی از پرزاویه ترین موضوعات است و پرداختن به

همه جوانب آن در گنجایش یک کتاب نیست. به طور قطع می توان گفت از بین مباحث مربوط به فرهنگ مهدویّت، مبحث انتظار، واژه ای است که در مورد مفهوم آن برداشت های متفاوتی شده است و صاحب نظران، پیرامون آن بحث های فراوانی کرده اند؛ از جمله می شود به نظرات، گفته ها و نوشته های بزرگوارانی همچون امام خمینی قدس سره شهید مطهری رحمه الله و... اشاره کرد. با این حال، روایات اهل بیت علیهم السلام بهترین منبع و معرّف برای این مفهوم است هر چند نظر این بزرگواران نیز برگرفته از همین احادیث می باشد.

از جمله کتب حدیثی در این رابطه می توان به کتاب هایی چون؛ «بحارالانوار، جلدهای ۵۱، ۵۲، ۵۳» و «کمال الدین و تمام النعمه» و غیبت شیخ طوسی» و «غیبت نعمانی» و... اشاره نمود.

با توجه به کثرت و گستردگی منابع، تا آنجا که مقدور بود به منابع رجوع کرده و چه بسا در مواردی به مکتوبات دیگر مراجعه، ولی به دلیل عدم تناسب لازم و یا تکراری بودن مطالب از بیان آنها، صرف نظر شده است.

فصل اوّل مفهوم انتظار

اشاره

ص:۱۷

مفهوم انتظار

با مطالعه فرهنگ لغت های مختلف، معنای لغوی واژه «انتظار» که بر گرفته از سه حرف اصلی (نَ - ظَ - رَ) است، را این گونه یافتم:

انتظار؛ یعنی چشم به راه بودن،(۱) چشم داشت و توقع داشتن،(۲) نگهبانی و نوعی امید به آینده داشتن و درنگ در امور.(۳)

لازم به ذکر است که از این واژه به صورت مختلف، چهارده بار در قرآن آمده است. به یک شاهد قرآنی در این زمینه اشاره می کنیم:

«فَانتَظِرُوا إِنِّی مَعَکُمْ مِنْ الْمُنتَظِرِینَ»

پس منتظر باشید که من هم با شما از جمله منتظرانم.(۴)

طبق آنچه گفته شد معنی و حقیقت انتظار، بر حسب مفهوم لفظی آن «ضد یأس» است. یعنی «قطع امید کردن از امری به واسطه یقین به عدم وجود یا عدم وقوع آن» پس منظور از انتظار داشتن امری؛ این است که فرد یقین به وقوع آن داشته و همچنان چشم به راه و امیدوار به زمان وقوعش باشد.(۵)

۱- ۲. مفردات الفاظ قرآن، ج ۳، ص ۳۶۱.

۲- ۳. نثر طوبی، ص ۴۷۶.

۳- ۴. التحقیق فی کلمات القرآن، ج ۱۲ ص ۱۷۶.

۴- ۵. سوره اعراف، آیه ۷۱.

۵- ۶. شیوه های یاری قائم آل محمّد، ص ۱۴۵ - ۱۴۶.

مفهوم لغوی و اصطلاحی انتظار

انتظار، حقیقتی است که از ترکیب ایمان و اعتقاد به خدا و مبانی دین و نیز اشتیاق به ظهور موعود الهی شکل گرفته تا به کمک امدادهای الهی، حکومت قسط و عدل را در جهان گسترش داده و همه را تحت فرمان آیین یکتاپرستی درآورد؛ پس انتظار، به معنای امید به آینده ای سعادت آفرین است که همگان در آن، از مفاسد و ناحقّی ها نجات یابند و نیز به معنای چشم به راه بودن برای تحقق عدل و برقراری نظام عدل الهی است.(۱)

انتظار فرج در اسلام

انتظار فرج در اسلام به ویژه مذهب حقّه تشیّع، در برگیرنده ایمانی استوار به امامت و ولایت حضرت ولی عصر - عجّل اللّه تعالی فرجه الشریف - و امید به ظهور آن آخرین ذخیره و حجّت الهی و اتمام دوران ظلم ظالمان و آغاز پیروزی نهایی صالحان است که همه اعتقادات بنیادین اسلام؛ اعّم از توحید، نبوّت، امامت و تحقق وعده تخلف ناپذیر الهی را در خود به همراه دارد.

انتظار به بیانی دقیق تر؛ نوعی آمادگی است. آمادگی برای پاک شدن و پاک ماندن، آمادگی برای حرکتی مستمر با تلاش پی گیر به همراه خودسازی، دگرسازی و زمینه سازی به منظور شرکت در نهضت عظیم حضرت مهدی علیه السلام که آغاز آن ظهور مبارک حضرت ولی عصرعلیه السلام و برپایی حکومت عدل الهی است.(۲)

ص:۲۰

۱- ۷. ظهور حضرت مهدی علیه السلام از دیدگاه اسلام و مذاهب و ملل جهان، ص ۱۹۱.

۲- ۸. همان، ص ۱۹۱ - ۱۹۳.

صاحب کتاب شریف «مکیال المکارم» گلواژه انتظار را چنین تعریف نموده اند:

«معنای انتظار؛ عبارت است از یک حالت قلبی و روحی که از آن، آماده شـدن برای چیزی که در انتظارش هستی بر می آیـد. پس هر قـدر انتظار شدیـدتر باشـد آماده شدن هم بیشتر می شود. آیا نمی بینی وقتی که مسافری داشـته و منتظر آمدنش هستی هر چه زمان آمدنش نزدیک تر شود، آمادگی تو برای این امر بیشتر می شود.»(۱)

در بیان یاد شده، انتظار یک حالت قلبی نفسانی معرفی شده است. گر چه درباره حقیقت آن شرحی داده نشده امّا یکی از مهم ترین لوازم آن، آمـادگی برای پـذیرایی منتظَر مطرح شـده است. این آمـاده شـدن یـک حـالت قلبی است امّـا آثار خارجی هم دارد. کسی که منتظر سفر کرده خود است، هم خود و هم منزلش را برای آمدنش مرتّب و مهیّا می کند.

کسی هم که منتظر ظهور امام عصرعلیه السلام است خود را آماده می کند و آماده شدن به این معنی است که انسان همه ابعاد زندگانی خود را طبق میل و خواست امام قرار دهد.

بنـابراین، مقصـود از انتظـار، آمـادگی است که دو مرتبه دارد: نخست، انتظـار روحی و خوشـدل بودن برای تحقّق این امیـد در آینـده، یعنی آمـادگی قبول دعوت برای رسـیدن کسـی که انتظـار آمـدنش است. دوّم، انتظار عملی که اضافه بر انتظار روحی است، مثل آمادگی برای آمدن میهمان و پذیرایی از او که غذا باید آماده بوده و متناسب با مقام و شخصیت مهمان باشد.(۲)

اگر «انتظار» به معنای امیـد و انتظار ظهور است پس ضـد آن «یأس» به معنای ناامیدی، نقطه مقابل انتظار است و چون انتظار در بسیاری از مواقع به معنای «انتظار فرج» به کار رفته، ضد آن «یأس از امدادهای الهی» می باشد.

۱- ۹. مکیال المکارم، ج ۲، باب ۸، ص ۱۵۲.

۲- ۱۰. راه مهدی، ص ۸۶.

امیدوار بودن به دستگیری خدا در گرفتاری های مادّی، معنوی و حل مشکلات از طریق راه هایی فوق تصوّر آدمی، به قوی بودن اعتقاد توحیدی انسان بر می گردد؛ هر چه این امید به مدد غیبی الهی، افزون تر باشد، ناامیدی از رحمت الهی کمتر خواهد بود و انتظار فرج هم دقیقاً به این معناست که انسان در گرفتاری هایش هر قدر هم که سخت و شدید باشد نباید از رحمت الهی مأیوس باشد و همین انتظار است که بالاترین عبادت خداوند محسوب می شود.(۱)

منتظِر کیست؟

کسی که امیدوار به رحمت الهی و ناراحت و مأیوس از وضع موجود است، به ظهور امام عصرعلیه السلام یقین داشته و چشم به راه و آماده یاری اوست، چنین فردی منتظِر نامیده می شود.

ایجاد حالت انتظار در انسان و منتظر نامیده شدن او، مستلزم تحقّق مقدّماتی است که با فراهم شدن آنها انتظار حاصل شدنی است و فرد به عنوان منتظر حقیقی شناخته می شود. مهم ترین مقدّمات چهار عامل ذیل هستند:

اوّل: یقین به ظهور حضرت: هر قدر علم و یقین شخص به ظهور امام علیه السلام عمیق تر باشد، انتظارش نسبت به آن بیشتر است و با وجود شک در اصل وقوع و یا سست بودن عقیده نسبت به ظهور، انتظار هم به صفر نزدیک تر می شود؛ زیرا یقین قوی و محکم در مورد این مسأله ارتباطی مستقیم با اعتقاد فرد به وعده های قرآن و سنّت داشته و وجود عقیده راسخ بر شدّت انتظار می افزاید

۱- ۱۱. بحارالانوار، ج ۵۲، باب ۲۲، ص ۱۵۲، ح ۱۱: قال رسول اللّه صلی الله علیه وآله: «افضل العباده انتظار الفرج: برترین عبادت انتظار فرج است».

دوّم: نزدیک دانستن امر ظهور: یقین داشتن انسان به اصل ظهور کافی نیست؛ بلکه اگر وقوع آن را در آینده ای نزدیک ببیند، انتظار بیشتر شده و تا در احادیث اهل بیت علیهم السلام آمده امر ظهور را دور نپندارید، تا انتظار شدیدتر شود. اینکه امام صادق علیه السلام فرموده اند: «آن ها (کافران و ناباوران) ظهور امام را دور می بینند ولی ما آن را نزدیک می بینیم.»(1) برای تشدید حالت انتظار در مؤمنان است هر چند که زودتر دانستن امر ظهور با «استعجال» که امر مذموم شمرده شده متفاوت است.

سوم: دوست داشتن ظهور امام علیه السلام: فرد معتقد به ظهور امام، هر مقدار ظهور موعود را دوست داشته باشد، بر شدّت انتظارش افزوده شده و برای ظهور لحظه شماری می کند؛ زیرا که تصویر روشنی از زمان ظهور دارد.

چهارم: دوست داشتن مهدی موعودعلیه السلام: با وجود علاقه، محبّت و دلبستگی فراوان درون فرد معتقد نسبت به امام، انتظارش نسبت به ظهور آن حضرت شدیدتر خواهد بود.

عوامل یاد شده باعث ایجاد حالت انتظار در فرد بوده و نبود و یا کمبود این عوامل در ضعف انتظار مؤثر است و فرد مقیّد به انجام وظیفه انتظار، با تقویت این مقدّمات به عنوان یک منتظر واقعی محسوب می شود.

منتظَر کیست؟

کلمه منتظَر به فتح ظاء، اسم مفعول از باب «افتعال» به معنای انتظار کشیده شده است که دیگران در انتظار او به سر می برند. به عبارت دیگر، کسی که مورد انتظار شخص منتظِر است و انتظار لحظه ظهور ورودش کشیده می شود، منتظَر گفته می شود.

۱- ۱۲. همان، ج ۹۹، ب ۷، ص ۱۱۲، ح ۲: قال الصادق علیه السلام: «انهم یرونَه بعیداً و نرئه قریباً».

از زبان امام معصوم علیه السلام آن کسی که باید در انتظار آمدنش بود، چنین معرّفی شده است:

عبدالعظیم حسنی روایت می کند که بر مولای خود، امام محمّد تقی علیه السلام وارد شدم و گفتم: من می خواهم از قائم علیه السلام سؤال کنم که آیا او همان مهدی است یا کسی غیر از اوست؟ که امام علیه السلام فرمودند:

«إنّ القـائِمَ منّا هو المهـدی الَّذی یَجِبُ أن یُنتَظَر فی غَیْبَته و یُطاعَ فی ظهوره و هو الثالث من وُلـدی وَالَّذی بَعَثَ محمّـداً بالنبوه و خَصَّنا بالإمامَهِ إنه لَو لَمْ یبقَ من الـدنیا إلایوم واحـدٌ لَطَوَّلَ اللّهُ ذلک الیومَ حتی یخرُجَ فیه فیملا الارض قِسْـطاً و عـدلا کما ملئت ظلماً و جوراً.

قائم ما همان مهدی است، کسـی که واجب است در غیبتش انتظار او را بکشند و در ظهورش او را اطاعت کنند و او سوّمین از فرزنـدان من است و سوگنـد به کسـی که محمّد را به نبوّت مبعوث فرمود و ما را به امامت مخصوص گردانید، اگر از عمر دنیا جز یـک روز باقی نمانـده باشـد، خداونـد آن روز را به قـدری طولانی گردانـد تا در آن روز قیام کنـد و زمین را همچنان که آکنده از ظلم و جور شده باشد، پر از عدل و داد نماید.»(۱)

بنا بر حدیث یاد شده، در عصـر کنونی و دوران پر تکلیف غیبت، آن که باید مورد انتظار همگان بوده و انتظار او کشیده شود، حضرت مهدی علیه السلام است. حال این سؤال مطرح می شود که چرا حضرت مهدی علیه السلام را «منتظَر» گویند؟!

صقربن ابی دلف گوید: از امام جوادعلیه السلام پرسیدم که پس از حسن [امام حسن

۱- ۱۳. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ب ۳۶، ص ۷، ح ۱.

عسکری علیه السلام]چه کسی امام است؟ ایشان چنین فرمودند:

«إنَّ مِنْ بعدِالحسن إبنهُ القائمُ بالحَقِ المنتظَر»

فقلتُ لهُ یابن رسول اللّٰه لم سُمِّیَ القائم؟

قال: «لأنه یقومُ بعدَ موت ذکره و ارتداد اکثر القائلین بإمامَتِه»

فقلت له؟ ولم سمی المنتظر؟

قال: لأن لهُ غیبه یکثرُ أیامها و یطولُ أمدها فینتظرُ خروجهُ المخلصون و ینکره المرتابون و یستهزی بذکره الجاحدون و ینجوا فیها المُسَلَّمون:

«همانا پس از حسن، فرزندش قائم، به حقّ امام منتظر است.»

گفتم: ای فرزند رسول خدا! چرا او را قائم می گویند؟

فرمودند: «زیرا او پس از آنکه یادش از بین مردم برود و اکثر معتقدین به امامتش مرتد شوند قیام کند».

گفتم: چرا او را منتظَر گویند؟

فرمودند: «زیرا ایّام غیبتش زیاد شود و مدّتش طولانی گردد، مخلصان، در انتظار قیامش باشند و شکّاکان، انکارش کنند و منکران، یادش را استهزاء نمایند و تسلیم شوندگان در آن، نجات یابند.»(۱)

آری، رمز اینکه امام مهدی علیه السلام منتظر نامیده شده در کلام پاک امام معصوم علیه السلام به خوبی بیان شده است. و آن اینکه افرادی مخلصانه در انتظار قیام او و اتمام دوران غیبت طولانی اش هستند و هرگز دست از این عقیده پاک خود نسبت به امامت ایشان برنداشته و همچنان منتظر فرا رسیدن لحظه ظهورش بوده و نیز تسلیم شدگان امر اویند.

۱– ۱۴. همان، باب ۳۸، ص ۷۲، ح ۳.

انواع برداشت ها از انتظار

اینکه در معنای انتظار، حالت قلبی و یا چشم به راهی، گفته شده است، بسی جای تأمّل و درنگ دارد. و از این معنا دو نوع برداشت متفاوت می توان کرد. به عبارتی دیگر، دو نوع دیدگاه در مورد «انتظار» مطرح است:

دیدگاه اوّل: این حالت انتظار، انسان منتظر را به عُزلت و انزوا کشانده و باعث می شود تا دست روی دست گذاشته و وضعیت موجود را تحمّل کند و به امید آینده ای روشن، بدون کوچکترین تلاش و تحرّکی برای آماده نمودن زمینه آینده روشن، فقط انتظار بکشد که این نوع انتظار، «انتظاری ویرانگر و منفی» نامیده شده است و این نوع برداشت از انتظار، برداشتی انحرافی است که از نگرش و دیدگاه های افرادی نشأت می گیرد که چند گروهند:

پندار گروه اوّل: عدّه ای، انتظار فرج را در دعا کردن برای فرج و امر به معروف ها و نهی از منکرهای جزئی منحصر دانسته و بیش از این، وظیفه ای برای خود قائل نیستند.

پندار گروه دوّم: گروهی دیگر، حتی امر به معروف و نهی از منکرهایی را که جزء وظایف شرعی انسان است قبول نداشته و معتقدند در دوران غیبت، کاری از آنها بر نمی آید و تکلیفی بر عهده ندارند. آنها نظرشان این است که امام زمان علیه السلام وقتی ظهور کنند خودشان کارها را حل می کند.

پندار گروه سوم: برخی دیگر بر این باورند که جامعه باید به حال خود رها شده و به فساد، کاری نداشته باشیم تا زمینه ظهور - دنیای پر از ظلم - فراهم آید.

پندار گروه چهارم: عدّه ای دیگر انتظار را چنین تفسیر می کنند: نه تنها نباید

جلوی مفاسد و گناهان را گرفت بلکه باید به گناهان هم دامن زد تا زمینه ظهور حضرت حجت علیه السلام هر چه بیشتر فراهم آید.

پندار گروه پنجم: گروهی دیگر با تفسیر غلط روایات، هر حکومت اسلامی را که به هر شکل در زمان غیبت تشکیل شود، باطل و بر خلاف اسلام دانسته و آن را خلاف شرع می دانند.(۱)

دیدگاه دوّم: اینکه انتظار و چشم به راهی، سبب آمادگی و پویایی و حرکت وسیع گردد.

از یک طرف حیات حاضر و کنونی، ظرف تلاش و حرکت به سوی فردا و فرداهاست و از طرفی دیگر، این چنین پویایی، بدون عنصر انتظار ممکن نیست؛ زیرا احتمال معقول، بقا و پایداری و امید به تداوم حیات است که معنابخش زندگی کنونی و تأمین کننده نیروی لازم برای ادامه آن است.

در این نوع برداشت، انتظار، محرّک انسان بوده و گرایش دهنده او به جهت مناسب و سازگار با اصل حیات و اهداف او می باشد و این نوع انتظار به عنوان «انتظار مثبت» شناخته شده است.

طبق دو برداشت یاد شده، انتظار به دو نوع تقسیم می شود: انتظار منفی یا ویرانگر و انتظاری مثبت و سازنده که برای تبیین هر کدام شرح جداگانه ای لازم است.

۱– ۱۵. صحیفه امام خمینی قدس سره، ج ۲۱ ص ۱۳ – ۱۴، (سخنرانی امام در نیمه شعبان سال ۱۳۶۱ در مورد معرفی برداشت های مختلف از انتظار بوده است و اینکه بعضی ها به حدیث مذکور استدلال کرده اند و تفسیر نا بجایی از آن نموده اند، در کلام امام مورد نکوهش قرار گرفته.

انتظار ویرانگر

برخی از مردم، خود را مدّعی انتظار مهدی موعودعلیه السلام می دانند امّا نابخردانه و بدون برپا داشتن عَلَم در برابر ظلم ها و فسادهای زمانه خود، از هرگونه مقاومتی سرباز زده و همواره سکون و سکوت را برگزیده اند. این دسته از افراد با این شیوه نامناسب و نادرست خود، هم در گفتار و هم در عملِ خود، از جمله حامیان دشمن اند. خیلی طبیعی و مسلّم است که دشمن هم برای دستیابی به اهداف خود از چنین روشی بهره گرفته تا انتظار، با از دست دادن معنای واقعی و حقیقی خود به طور غیر مستقیم تحریف گردد.

بر این اساس، برداشت مفهومی ارتجاعی و بسته از انتظار که باعث سکون است نه تنها سبب انحراف تمام اعمال انسان می گردد بلکه به ایجاد زمینه برای استثمارگری و تسلّط دشمنان دین بر توده مسلمانان کمک می کند.(۱)

دیدگاه امام خمینی قدس سره و شهید مطهری قدس سره

بنیانگذار انقلاب اسلامی ایران - امام خمینی قدس سره - در سخنان خود، هدف دشمنان اسلام را برای قشر مسلمانان، به وضوح مشخص ساخته اند. ایشان می فرمایند:

«اینها از اوّل در ذهن شما مطالبی وارد کردند تا شما را از امور مملکتی منصرف کنند و آنها مشغول کار خودشان باشند و شما هم مشغول دعاگویی باشید. آنها هم، هر کاری که دلشان می خواهد، هر گونه هرزگی که می خواهند بکنند.»(۲)

۱- ۱۶. مهدی منتظر، ص ۳۶.

۲- ۱۷. صحیفه امام خمینی، ج ۱۸، ص ۲۰۲.

علّامه شهید مرتضی مطهری رحمه الله نیز در معرّفی و تبیین انتظار ویرانگر فرموده اند:

برداشت قشری از مردم، از مهدویّت و قیام و انقلاب مهدی موعودعلیه السلام این است که این موضوع، صرفاً ماهیت انفجاری دارد؛ فقط و فقط از گسترش و اشاعه و رواج ظلم ها، تبعیض ها، اختناق ها، حق کشی ها و تباهی ها ناشی می شود، نوعی سامان یافتن است که معلول پریشان شدن است. آن گاه که صلاح به نقطه صفر برسد، حق و حقیقت هیچ طرفداری نداشته باشد، باطل یکّه تاز میدان گردد، جز نیروی باطل نیرویی حکومت نکند و فرد صالحی در جهان یافت نشود، این انفجار رخ می دهد و دست غیب برای نجات حقیقت (نه اهل حقیقت؛ زیرا حقیقت طرفداری ندارد) از آستین بیرون می آید. علی هذا هر صلاحی محکوم است؛ زیرا هر صلاح، یک نقطه روشن است. تا در صحنه اجتماع نقطه روشنی هست دست غیبی ظاهر نمی شود. برعکس، هرگناه و فساد و هر ظلم و تبعیض و هرحق کشی و پلیدی ای به حکم اینکه مقدمه صلاح کلی است و انفجار را قریب الوقوع می کند رواست، زیرا «الغایات تبررالمبادی» (هدف ها وسیله های نامشروع را مشروع می کنند) پس بهترین کمک به تسریع در ظهور و بهترین شکل انتظار، ترویج و اشاعه فساد است.(۱)

این نوع برداشت منفی و غلط از مفهوم اصیل انتظار فرج و ظهور حضرت مهدی موعودعلیه السلام در واقع، عاملی مؤثّر برای تعطیلی و کنار گذاشتن احکام و قوانین ناب اسلامی است و به تعبیر استاد مطهری رحمه الله نوعی «اباحی گری» محسوب

۱- ۱۸. قیام و انقلاب مهدی از دیدگاه فلسفه تاریخ، ص ۵۴.

می شود(۱) و هرگز طبق موازین قرآنی نیست. امام رضاعلیه السلام در این زمینه می فرمایند:

اما یرضـی أحـدکم أن یکونَ فی بیته ینفِقُ علی عیاله ینتظر أمرنا فإن أدرکه کانَ کمَن شـهد مع رسول اللَّه بـدراً و ان لم یَدْرکْهُ کان کمن کان مع قائمنا فی فسطاطه هکذا و هکذا. و جمع بین سبابتیه - آیا شیعه ما رضایت نمی دهد که در خانه خود بنشیند و دارایی خود را برای اهل و عیال خود خرج کند و منتظر فرمان ما بماند.

اگر شیعه ما زنده بماند و حکومت ما را درک کند، همطراز کسانی است که در رکاب رسول اللَّه صلی الله علیه وآله به جنگ بدر، رفته اند و اگر در حال انتظار بمیرد، همطراز کسانی است که با قائم آل محمّدعلیهم السـلام قیام می کنند و در سراپرده او مانند این دو انگشت شهادت، در کنار هم می نشینند.(۲)

انتظـار ویرانگر که معلول و محصول بینشـی نـادرست دربـاره تحولاـت و انقلابـات تاریخی است؛ در واقع اسارت بخش و فلج کننده نیروهای مقاوم جامعه است و اگر دیدگاه فردی در مورد این اصل مقدّس بر این اساس شـکل گرفته باشد که ظلم را در عالم فراگیر کنیم تا مقدّمات ظهور فراهم گردد و به سـکوت در برابر ستم که نوعی همراهی در قیام است، بپردازیم، اینجاست که به هشدار امام رضاعلیه السلام در مورد اینکه خطر مدّعیان دروغین انتظار به مراتب از فتنه دجّال زیان بارتر و آسیب پذیرتر است، پی می بریم. امـام رضاعلیه السـلام در معرفی این گونه افراد می فرماینـد: «إنَّ مِمّن یَتَّخِـذُ مودَّتنا اهل البیت لَمَن هُو أشَـدُّ فتنهً علی شیعتنا من الدجّال».

۱- ۱۹. همان، ص ۵۵.

۲- ۲۰. گزیده کافی، ج ۳، کتاب الحج، ص ۲۵۷.

«برخی از کسانی که مودّت و دوستی ما اهل بیت را دستاویز ساخته اند، زیان و فتنه انگیزیشان بر شیعیان ما از دجّال بیشتر است.»(۱)

بحث درباره دجّال، مبحثی دامنه دار و گسترده است، امّا همین قدر باید دانست که دجّال شخصی فریبکار است که در آخرالزمان به منظور انحراف مردم از اصل توحید و حق و عدالت، به فعالیت ها و اقدامات مختلف دست زده، و امام مهدی علیه السلام توطئه های آنها را خنثی می نماید و سرانجام، مسلمانان را بر دجّال پیروز می گرداند و این آخرین مرحله جنگ اسلام و کفر است؛ زیرا رسول اکرم صلی الله علیه وآله فرموده اند: «والجِهاد ماض مذ بَعَثنی اللّه أنْ یقاتِل آخِرُ امّتی الدجّال، آخرین جهاد امّت من، جهاد با فتنه دجّال است.»(۲)

ریشه یابی انتظار ویرانگر

برداشت غلط از مفهوم راستین «انتظار» خطا و اشتباهی است که منشأ این اشتباه و انحرافِ برداشت، ریشه در عواملی نهفته دارد که این عوامل و راهکارهای رفع آن، بدین قرارند:

۱ - کوته فکری و عدم بصیرت به دین

در واقع آنهایی که در دین و احکام آن به تعمّق و تفقّه نپرداخته اند، ناآگاه از فلسفه وضع این قوانین و بی توجّه به هدف

۱- ۲۱. بحارالانوار، ج ۷۲، باب ۸۴، ح ۱۱، ص ۳۹۱. پرسیدند: ای فرزند رسول خدا! به چه مناسبت فتنه شان از دجّال بیشتر است؟ فرمودند: «زیرا با دشمنان ما مهر و مودّت می ورزند و نسبت به دوستان ما دشمنی و عدوات می نمایند، هرگاه چنین شد حق و باطل به هم می آمیزند و حقیقت مورد اشتباه قرار می گیرد. [شناخت آن دشوار می شود.] در نتیجه انسان با ایمان از شخص دو چهره باز شناخته نشود.

۲- ۲۲. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ص ۹۷.

والای شارع مقدّس از اجرای این احکام، وظایف خود را در چند بُعد جزئی از دین منحصر دانسته و معتقدند که وظیفه ما، فقط دعا کردن است و اگر پا را از آن فراتر نهند، فقط در حدّ امر به معروف ها و نهی از منکرهای جزئی اقدام می کنند.

امام خمینی قدس سره اسلام شناس والامقام و آگاه عصر ما که متدّینی راستین و نیز حقیقت جوی مکتب غنی اسلام بودند، در یکی از سخنرانی هایشان این گونه مسلمانان را به انجام وظیفه شان آگاه می کنند:

ارزش دارد که انسان در مقابل ظلم بایستد و مشتش را گره کند و توی دهنش بزنند و نگذارد که این قدر ظلم زیاد شود، این ارزش دارد. این طور نیست که حالا ـ که ما منتظر ظهور امام زمان هستیم پس دیگر بنشینیم در خانه هایمان، تسبیح در دست بگیریم و بگوئیم: «عجّل علی فرجه» یا کار شما باید تعجیل بشود، شما باید زمینه را فراهم کنید برای آمدن او و مسلمین را با هم مجتمع کنید همه با هم شوید.(۱)

در واقع امام خمینی قدس سره با پیشنهاد این راه حل، نه تنها سدی بزرگ در برابر کج اندیشی های افراد ایجاد کرده اند بلکه از انتشار این اندیشه غلط در بین مسلمین جلوگیری نموده اند و حتی خود ایشان به عنوان بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران مسئولیت رهبری مردم را به منظور تحقق هدف والای تحول و انقلاب اسلامی در شالوده نظام مملکت بر عهده داشته اند تا بدین صورت گامی چند در ایجاد زمینه برای ظهور و نیز اصلاح اجتماع برداشته شود.

۲ – انحرافات اخلاقی

عامل دیگری که در دریافت و تلقی نادرست مفهوم انتظار مؤثر است، انحرافات اخلاقی است. افرادی که معتقدند؛ حتّی امر به معروف

۱– ۲۳. صحیفه امام خمینی، ج ۱۸، ص ۱۹۵ – ۱۹۶.

و نهی از منکر نباید کرد و تکلیفی بر عهده شان نیست و امام خود هنگام ظهور کارها را حل می کند.

مقام معظم رهبری حضرت آیت اللّه العظمی خامنه ای «حفظه اللّه»، در ضمن یکی از سخنرانی هایشان به افشاء سوء استفاده نمودن استعمار از معنی انتظار پرداخته و با هشدارهای آگاهانه و کوبنده خود خطاب به مردم ایران چنین می فرمایند: در گذشته سوء استفاده هایی از قضیه انتظار شده است، برداشت منفی همان چیزی است که استکبار و استعمار در طول سال های متمادی کوشش می کردند تا به مردم تزریق کنند، برداشت منفی این است که به مردم بگویید به ما چه که در مقابل ظلم و فساد و کفر و شرارت بایستیم، ما منتظر خواهیم ماند تا امام زمان خودش بیاید و مشکل را حل کند، این برداشت منفی است؛ یعنی سلب مسئولیت نسبت به همه شرارت ها و بدی های موجود در جامعه.(۱)

وظیفه مهمّی که بر عهده علاقه مندان واقعی حضرت است - البته پس از اصلاح خود - تلاش فراوان در راه اصلاح دیگران و مبارزه با کجروی ها و فسادها و اهتمام به امر به معروف و نهی از منکر به منظور اصلاح اجتماع است، از این رو باید برای رفع سوء استفاده از مفهوم والای انتظار، به تمامی افراد جامعه هشدار داد که از وظیفه خطیر امر به معروف و نهی از منکر، هرگز غافل نشوند.

بنابراین، بر اساس احساس مسئولیت همگانی، باید در برابر فسادها و ناهنجاری ها ایستاد و سکوت را شکست و حتی در موقعیّت مناسب، پرخاش ک

۱- ۲۴. جان جانان، ص ۱۰۰.

رد و از سرزنش دیگران نهراسید. کسانی که خود را از صحنه اجتماع کنار کشیده و می گویند: ما به خیر و شر دیگران کار نداریم و تنها به این بسنده می کنند، که خود را دوستدار حضرت ولی عصرعلیه السلام می دانند، به وظایف خود در زمان غیبت عمل نکرده اند و جزو منتظران واقعی آن حضرت به حساب نمی آیند،(۱) هر چند روزی صدها مرتبه بگویند: «اللّهم عجّل لولیّک الفرج.»

در جایی که هدف تمام انبیاء و اولیاء و ائمه معصومین علیهم السلام اصلاح جامعه و مبارزه با فساد و ترک گناه بوده است، آیا می توان تصوّر کرد که انسانی خود را مسلمان و عاشق حضرت مهدی علیه السلام بداند و برای اصلاح جامعه تلاش نکند؟ برای هیچ مسلمانی پذیرفتنی نیست که گناه و انحراف و مخالفت با امام را ببیند و مهر خاموشی بر لب زده و گوشه عزلت بنشیند.

۳ - انحرافات سیاسی

یکی دیگر از عوامل اثر گذار در کج فهمی نسبت به مفهوم انتظار انحرافات سیاسی است؛ این نوع انحراف بیشتر مربوط به افرادی است که وجود دنیایی پر از ظلم و فساد را مقدمه ظهور و جزء جدا نشدنی زمینه قیام امام می دانند.

پیروان چنین نظریّه ای، جهان پر از ستم را به عنوان مقدمه فرج قبل از ظهور دانسته و معتقدند با آن نمی توان مبارزه کرد و علّت آن به توجیه نادرست روایاتی که از ظهور امام خبر می دهد، بر می گردد. البته دلیل دیگری که می توان برای آن ذکر کرد این است که آنها به روایاتی که شیعیان را به صبر و شکیبایی وا می دارد و از قیام

ص:۳۴

۱- ۲۵. در انتظار خورشید ولایت، ص ۱۳۶.

مسلحانه قبل از ظهور امام عصر، نهی کرده استدلال نموده اند بر این مبنا که: تلاش برای تشکیل حکومت اسلامی قبل از ظهور موعود امری بی ثمر و ناموفق است.(۱)

امام خمینی قدس سره، اندیشمند فهیم و قهرمان مبارزه با کج اندیشی ها، در ضمن بیانات آگاه کننده خویش – در این زمینه – چنین فرموده اند:

اگر روایتی بگوید که نباید نهی از منکر کرد، این را باید به دیوار زد. این گونه روایت قابل عمل نیست و این نفهم ها [توجیه کنندگان نادرست از مسئله انتظار]نمی دانند چه می گویند، این از مصیبت هایی است که به مسلمانان وارد شده است و سیاست های خارجی دامن به آن زده، برای چاپیدن اینها و برای از بین بردن عزت مسلمین و باورشان هم آمده است، خیلی ها شاید الان هم باور کنند حکومت نباید باشد و زمان حضرت صاحب باید بیاید، حکومت و هر حکومتی در غیر زمان حضرت باطل است؛ یعنی هرج و مرج بشود، عالم به هم بخورد تا حضرت بیاید، درستش کند. ما درستش می کنیم تا حضرت بیاید، ان شاء اللّه خداوند اصلاح کند اینها را.(۲)

اگر تنها راه چاره برای مقابله با انحرافات اخلاقی که به برداشت سوء انتظار منجر می شود، تقوا در مقابل هوا و هوس است، بهترین و کارسازترین راه برای مقابله با انحرافات سیاسی، داشتن علم و بصیرت در حوزه سیاست و اجتماع، برای تشخیص دوستان و دشمنان و روشن شدن عملکرد سیاست بازان است.

۴ – عدم نیاز به زمینه سازی ظهور

یکی دیگر از عواملی که در فهم غلط

ص:۳۵

۱– ۲۶. مهدی ستیزی و آسیب شناسی مهدویت، ص ۲۲.

۲– ۲۷. صحیفه امام خمینی، ج ۲۰، ص ۹۷.

مفهوم انتظـار، دخیـل است، عبارت است از توهّم اینکه امام زمان علیه السـلام کارها را به وسـیله اکراه یا اجبار یا فقط از طریق معجزه انجام داده، پس نیاز به مقدمات و ایجاد زمینه نیست.

این دیدگاه انحرافی، نتیجه غافل شدن از این امر است که برنامه قیام امام مهدی علیه السـلام مثل برنامه قیام همه انبیای الهی از راه بهره گیری از اسـباب طـبیعی انجـام شـده و هیـچ گـاه اعجـاز، تشـکیل دهنـده اسـاس آن نیسـت، معجزات در رونـد برنـامه اصـلاحی و رهبران آسـمانی – جز در موارد اسـتثنایی – دخـالت نخواهـد داشت. آیهـاللّه مکارم شـیرازی در کتاب خود چنین آورده انـد که: «معجزه اسـتثنایی است منطقی در نظـام جـاری طـبیعت؛ برای اثبـات حقّـانیت یـک آیین آسـمانی نه برای اداره همیشگی نظام جامعه. این کار تنها باید بر محور قوانین طبیعت صورت گیرد.»(۱)

به طور کلّی، ایجـاد نظـام جهانی بر مبنای عـدل، بایـد آن چنان وسـیع، گسترده و همگانی باشـد که قسـمت عمـده برنامه های اصـلاحی را با «خود آگاهی» و «خودیاری» مردم اجرا کند و زنده کردن روح «خود آگاهی» و «خود باوری» عمومی در سـطح جهان، نیازمنـد نیرومنـدترین مراکز فرهنگی و وسایل ارتباط جمعی و... است که هیچ کدام از اینها بدون پیشـرفته ترین وسایل صنعتی ممکن نیست.

بنابراین اگر قرار است همه کارها با «معجزه» تحقق پذیرد وجود چنین نظامی بدون وسایل پیشرفته صنعتی قابل تصور بوده ولی مگر اداره زندگی مردم جهان با معجزه ممکن است؟

۵ – عدم نیاز به اصلاح جامعه

توهّم اینکه چون غیر از امام معصوم علیه السلام هیچ

---

۱ – ۲۸. حکومت جهانی مهدی، آیت اللّه مکارم شیرازی، ص ۸۳ – ۸۲.

کس نمی توانـد همه تبـاهی هـا را به صورت کامـل رفع نمایـد و تمامی صـلاح ها را در همه ابعاد و زمینه ها حاکم سازد پس نباید دست به اصلاح زد.

نتیجه طبیعی این توهم، کوتـاهی نمودن در یـاری امـام زمـان علیه السـلام و حتّی کمک به مقاصـد دشـمنان می باشـد و چنین عـاملی ریشه در ناآگـاهی از وظـایف دینی افراد در عصـر غیبت و نیز درک نـادرست مفـاهیم عمیـق مـذهبی دارد و می تـوان گفت: اگر اصـلاح، به طور کامل مقدور و میسّر نیست، اصلاح آن مقداری که در حد توان است از تکلیف انسان ساقط نشده است.

۶ - ترویج و اشاعه فساد در جامعه

عـدّه ای با برداشت سوء خود از «معنای انتظار» بهترین کمک به تسـریع در ظهور و بهترین شـکل انتظار را ترویج و اشاعه فساد می دانند.

در پاسخ به چنین افرادی با این نوع نگرش چنین می توان گفت:

این دیـدگاه از نظر دین، اشـتباه است؛ همان طور که حکومت حضـرت مهـدی علیه السـلام ریشه کن کننده ظلم و جور و بر پا کننـده عـدل و نهی از قلـدری و قسـاوت است، راه پیـدایش این مقصود نیز بایـد چنین باشـد، از ظلم و جور دور و از قسـاوت، قلدری، دروغگویی و ریاکاری بر کنار باشد. قداست مجوز گناه نیست؛ گناه جز به گناه نمی افزاید و با ستم نمی شود عدل را به پا کرد و با این عقیده نمی توان دادگری نمود.(۱)

۷ - عدم فهم صحیح روایات

یکی دیگر از عوامل عدم فهم صحیح از روایاتی که ظلم و جور آخرالزمان را طرح و این برداشت اشتباه را می کنند این است

۱- ۲۹. راه مهدی، ص ۸۷.

که به فساد و تباهی کاری نباید داشت و می بایست موضع بی طرفی رادر قبال آن برگزید و یا حتی دیگران را به گناه فرا خواند.

برای رفع شبهه یاد شده - وجود ظلم فراگیر - ذکر این نکته ضروری است که: لازم نیست همگان ظالم یا فاسد شوند. نگاهی کوتاه و گذرا به جهان نشان می دهد که ظلم عالم را فرا گرفته است؛ عدّه ای ظالمند و بسیاری از افراد هم مظلوم. علاوه بر آن هیچ منافاتی ندارد که در کنار این ظلم و جور، دوستان و چشم به راهان آن حضرت، با زمینه سازی مثبت و آینده ساز، در اندیشه مقدمه چینی برای انقلاب جهانی او باشند. بنابراین باز هم ظلم و فساد به صورت نسبی در جهان شیوع دارد.

شیخ صدوق رحمه الله حدیثی از امام صادق علیه السلام نقل کرده اند که ایشان می فرمایند:

عن الصادق علیه السلام: «إنّ هذا الأمرواللَّه لایأتیکم حتی یشقی من شقی و یسعد من سعد.»(1) «به خدا سوگند، این امر (فرج) بر شما در نیاید تا آنکه شقی، بدبخت و سعید نیکبخت گردد.» [هر کدام به نهایت کار خود برسند].

سخن در این است که گروه شقاوتمندان و سعادتمندان، هر کدام به نهایت کار خود برسند نه اینکه سعادتمندی در کار نباشد و فقط اشقیاء به منتها درجه شقاوت برسند. از سویی دیگر بدیهی است که آیات و روایات، ما را به مبارزه با ظلم و ستم فرا خوانده اند، پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه وآله فرموده اند:

قال رسول اللَّه صلی الله علیه وآله: «یکونُ فی آخرالزمان قوم یعملون المعاصی و یقولون: إنّ اللَّه قد قدَّرها علیهم الرّادّ علیهم کشاهِرِ سیفه فی سبیل اللَّه، در آخرالزمان،

۱- ۳۰. علل الشرایع، ج ۲، ب ۳۳، ص ۲۲، ح ۳۲.

گروهی معصیت می کنند و می گویند: خدا سبب آن شده [کنایه از جبر]کسی که اینها را رد کند مثل کسی است که در راه خدا شمشیر کشیده است.»(۱)

عامل دیگری که در دستیابی به مفهوم سکون و سکوت از اصل مقدّس انتظار، نقش دارد؛ جدایی دین از مسایل سیاسی است. سیاست بازان که به دنبال سکون و رکود جوامع اسلامی هستند، با عدم فهم صحیح و وارونه معنا کردن روایاتی همچون «بطلان هر عَلَمی قبل از ظهور»(۲) زمینه سازان دیدگاهی هستند که: «هر اقدامی به منظور تشکیل حکومت در عصر غیبت خلاف شرع است.»

برای رفع این عامل خطرناک و به منظور ارائه پاسخ به تمامی کسانی که طرفدار چنین نظریه ای هستند و نیز در مورد بطلان هر عَلَمی قبل از ظهور، گفتنی است که این روایات از روش برخورد فقها با سایر روایات مستثنا نیستند، پس باید آنها را بر قرآن، روایات و عقل عرضه کرد تا درستی یا نادرستی آنها معلوم گردد؛ حتی در روایات آمده اگر روایتی مخالف صریح آیات قرآن بود، باید کنار نهاده شود؛زیرا که جعلی است.

به هر حال آنچه آیات، روایات و عقل به آن رهنمون می شوند، بطلان همه قیامها، فعالیت ها و جریان های قبل از ظهور نیست؛ بلکه منظور، قیام عَلَمی است که به نام حضرت مهدی علیه السلام می باشد بدین معنا که؛ هر کس عَلَم بلند کند به نام

۱- ۳۱. بحارالانوار، ج ۵، ب ۱، ص ۴۶، ج ۷۵.

۲- ۳۲. بحارالانوار، ج ۵۲، ب ۲۲، ص ۱۴۳: عن ابی عبداللّٰه علیه السلام: کلُّ رایه تُرفَعُ قبل قیام القائم فصاحبها الطاغوت یعبد من دون اللّٰه عزو جل: هر پرچمی که قبل از قیام قائم برافراشته شود، صاحب آن طاغوت است که بنده غیر خداست.» (منظور پرچمی است که به نام امام افراشته گردد. شرح بیشتر این حدیث در متن کتاب موجود است.

مهـدی علیه السـلام و به عنوان مهـدویت، قیام نمایـد. باطل است نه هر قیامی، چنان که قیام زیـد و امثال آن در تاریخ اسـلام و روایات اهل بیت علیهم السـلام به طور کامل مورد تأیید واقع شده اند.(۱) به عنوان نمونه در روایتی امام محمّدباقرعلیه السـلام کشتگان مبارز قبل از ظهور را شهید می نامند. ایشان می فرمایند:

عن البـاقرعلیه السـلام: «فمـات منکم میت قبل أن یخرج قائمنا کان شـهیداً»؛ «پس هرکس از شـما قبل از اینکه قائم ظهور کنـد، بمیرد شهید است.»(۲)

علاوه بر ارائه پاسـخهایی به منظور رفع شبهه ها در مورد انتظار، راهکارهای دیگری نیز برای رفع این سوء تفاهم ها وجود دارد که عبارتنـد از: پیروی از علماء راستین که مصداق نوّاب عام امام زمان هسـتند، به حاشـیه راندن تفکرات متحجّر و جمودگرا و همچنین تلاش و روشنگری علماء و اندیشمندان در حوزه دینی و سیاسی و اجتماعی.

انتظار سازنده

نوع دیگری از انتظار که در واقع نگرش صـحیح نسـبت به امر مقـدّس انتظار است؛ انتظار سازنده یا همان انتظار مثبت است که تعهدآور، مسئولیت آفرین، نیرو بخش و به حرکت در آورنده می باشد.(۳)

بـا کمی دقت در می یـابیم که مفهوم راستین و واقعی انتظار عبارت است از: حرکت و تلاش سازش ناپـذیر در جهت مبارزه با ظلم و ظالم به منظور زمینه سازی حکومت جهانی اسلام و ظهور حضرت مهدی علیه السلام.

این مفهوم راستین دارای سه معنای تدریجی است که عبارتند از:

ص:۴۰

۱- ۳۳. مهدی ستیزی و آسیب شناسی مهدویت، ص ۲۴.

۲- ۳۴. بحارالانوار، ج ۵۲، ب ۲۲، ص ۱۲۳، ح ۵.

۳- ۳۵. قیام و انقلاب مهدی از دیدگاه فلسفه تاریخ، ص ۱۵.

۱ - فرج و گشایش که همچون نقطه روشنی است که انسان با انتظار به آن سو حرکت می کند، پس حرکت باید به سوی نقطه معینی باشد؛ یعنی به آن سویی که از طرف خدا ترسیم شده است. پس انتظار فرج، روشنی بخش دل ها با نور امید است؛ امید به رفع ظلم و تلاش در جهت ریشه کن نمودن آن، نه سکون و سکوت در برابر ستمگری های موجود در جامعه.

در حقیقت انتظار فرج، درمان کننده مشکل یأس است و شیعیان همیشه مخالف ستم بوده و ذکر همیشگی شان در هنگام مقاومت ها «یا حجه بن الحسن و یا مهدی» است به عنوان نمونه؛ زمانی که رژیم صهیونیستی برای ماندن در جنوب لبنان آمده بود تا به اشاعه فساد و تجاوز به ناموس ها بپردازد، شیعیان به امام مهدی علیه السلام روی آورده و اسلحه ها را به سوی متجاوزان نشانه گرفته و سرانجام پیروز شدند. پس علّتی که وادار کننده همیشگی شیعه برای ستیز با دشمنان است، انتظار فرج می باشد و اگر شیعه انتظار فرج را به طور کامل درک کند هیچ گاه، مظلومی باقی نمی ماند؛ زیرا شیعیان در این صورت، ظلم را نپذیرفته و خداوند آنها را پیروز می گرداند.(۱)

۲ - در مفهوم دوّم انتظار فرج سازنده، توجّه ما به سوی مرکز فرماندهی و ولایت الهی؛ یعنی امام مهدی علیه السلام است. این امر در رهبری معنوی؛ یعنی مرجعیت بازتاب یافته و اینکه رهبر مذهبی مسلمانان به ویژه شیعیان باید از بین پارساترین

۱- ۳۶. امام زمان آرزوی بشریت، ص ۱۰۲.

و نزدیکترین افراد به ارزش هـای الهی انتخـاب شود به این دلیـل است که افرادی مثـل علاّـمه انصاری، سـید طباطبایی، آیهاللّه سیدابوالحسن اصـفهانی و...به عنوان رهبران شـیعه، رو به سوی قله والاتری داشـته اند که آن قله امام مهدی علیه السلام است و ما این قله بلند و متکامل را«انتظار فرج» می نامیم. چون انتظار فرج به معنای واقعی و اصیل خود، ما را وادار به حرکت به سمت قله های روشن و اُفق های دور دست می کند.

۳ – مفهوم عمیق تر انتظار فرج این است که ما چون دوسـتدار امامیم بایـد آن طور که مورد پسـند امام است زنـدگی کنیم و با یافتن الگویی مناسب – که جسـتجوی الگوی مطلوب از جمله اصـیل ترین صـفات بشر است – می توانیم نفس خود را به نمونه کوچکی از آن الگوی برتر، دگرگون سـاخته و این الگوی منـاسب که ارزش هـای والا در او تجسم یافته، امام مهـدی (روحی فـداه) است؛ از این رو در انتظـار ظهـور او بـوده و سـعی می کنیم، بـا تهـذیب نفس و سـایر آمـادگی هـا، اعمـال خود را مورد رضایت امام قرار دهیم و این معنای والا و حقیقی انتظار فرج است.

سازندگی انتظار سازنده

پس برداشـت واقعی انتظـار، فراهـم آوردن زمینه هـای ظهـور از طریـق ظلم سـتیزی به مقـدار تـوان و نیز آمـادگی برای ظهـور حکومت است که نشانگر سازنـدگی انتظار می باشـد. در این نگرش فرد بایـد عالم را برای آمـدن حضـرت مهیّا کند نه تنها به انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر بپردازد بلکه به دنبال تشـکیل حکومت صالح و حفظ و حراست از کیان اسـلامی نیز باشد. امام خمینی قدس سره در این زمینه می فرمایند:

البته پر کردن دنیـا از عـدالت، این را مـا نمی تـوانیم بکنیم، اگر می توانسـتیم می کردیم...اگر مـا بتـوانیم جلوی ظلم را بگیریم تکلیفمان است ضرورت اسلام

ص:۴۲

و قرآن است... بایـد چنین کنیم.... فراهم کنیم کـار را. فراهم کردن اسـباب این است که کـار را نزدیک کنیم. کاری کنیم که عالم مهیا شود برای آمدن حضرت.(۱)

آری! این است مفهوم مکتبی نهضت انتظـار که شـیعه تـا زمـان ظهور بایـد همچنـان مردمانی انقلابی، اهل نهضت و مقاومت و دفاع در برابر زورگویان باشند و همه اینها مربوط به درک مفهوم صحیح انتظار است.

انتظار سازنده در کلام وحی

آن عـدّه از آیات قرآن که ریشه این اندیشه است در مقابل برداشت منفی انتظار می باشد؛ بدین معنا که ظهور حضـرت مهدی علیه السلام حلقه ای از حلقه های مبارزه اهل حق و اهل باطل است که منجر به پیروزی نهایی اهل حق می گردد.

سهیم بودن فرد در این سعادت و نیز طی کردن عصـر غیبت و دوران انتظـار، طبق رضایت الهی، وابسـته به این است که فرد به طور عملی در گروه اهل حق باشد.

از جمله آیاتی که به این موضوع اشاره دارد، آیه زیر است:

«وَعَـدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْـتَخْلِفَنَّهُم فِى الْأَرْضِ كَمَا اسْـتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِى ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْناً يَعْبُدُونَنِى لَا يُشْرِكُونَ بِى شَيْئاً»؛

خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، وعده داده که حتماً آنان را در این سرزمین جانشین (خود) قرار دهد. همان گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند، جانشین خود قرار داده و آن دینی را که برایشان پسندیده است، به

۱- ۳۷. صحیفه امام خمینی، ج ۲۰، ص ۹۶ – ۹۷.

سودشان مستقر کند و بیم شان را به ایمنی مبدّل گرداند. تا مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک نگردانند.(۱)

آنچه از ارتباط این آیه با انتظار فهمیده می شود، این است که: مهدی موعود مظهر نویدی است که به اهل ایمان و عمل صالح داده شـده است، نه فقـط مظهر پیروزی نهـایی اهـل ایمـان، که در کنار آن، اهل عمل صالـح یا شایسـته کاران آمـده است.(۲) (عملوا الصالحات)

بنابراین، انتظار از عمل - طبق نوید قرآن به مؤمنان اهل عمل صالح - هرگز جدا نیست.

انتظار در روایات

مقدمه

انتظار در فرهنگ متعالی اسـلام، به ویژه در مکتب گرانسـنگ تشیّع از جایگاه ویژه ای برخوردار است و در مباحث مهدویّت، درخشندگی خاصی دارد. مجموعه روایاتی که از «انتظار» سخن گفته اند، به دو دسته کلی تقسیم می شود.

دسـته نخست: روایاتی است که به انتظار فرج و گشایش، به صورت عام و کلی اشاره کرده است، گر چه مصـداق کامل و تام آن «فرج عمومی» در سطح جهان با ظهور حضرت مهدی علیه السلام نیز هست ولی هر گشایشی را شامل می شود.

دسته دوّم: روایاتی که در خصوص فرج قائم آل محمّدعلیه السلام و ظهور آخرین مصلح جهانی و موعود است.(۳)

۱- ۳۸. سوره نور، آیه ۵۵.

۲- ۳۹. قیام و انقلاب مهدی از دیدگاه فلسفه تاریخ، صص ۵۵ - ۵۷.

۳- ۴۰. فرهنگنامه مهدویّت، ص ۵۶ - ۵۸.

در روایات دسته اوّل، از انتظار با تعبیرات متفاوتی یاد شده است و روایات دسته دوّم، بیشتر به وظایف انسان منتظر، اشاره دارد. امّا به هر حال آنچه در این مبحث مد نظر ماست، پرداختن به مفهوم واقعی انتظار و معرفی شدن آن از دیدگاه روایات است.

اکنون این پرسش مطرح می شود که: از بین دو نوع انتظار (ویران گر – سازنده) کدام مورد مقصود پیشوایان دینی است؟

اگر به متون روایی، نگاهی اجمالی داشته باشیم، در می یابیم که خیلی صریح و واضح با ارائه تصویری مناسب از انتظار، خط بطلان روی برداشت نخست (انتظار ویرانگر) کشیده حتی برای اینکه هرگز معنای غلط آن در اذهان مخاطبان خطور نکند، انتظار را «عمل» معرفی کرده اند نه حالت و این یک قاعده منطقی است که فردی که توانایی تحمل وضعیت فعلی و موجود را ندارد منتظر گشایش بوده و با عمل، خود را برای آن آماده می کند و بیکار نمی نشیند.

بنابراین، برداشت های ناقص و نادرستی که درباره مسأله انتظار در برخی از اذهان وجود دارد تنها با مطالعه گفتار معصومین علیهم السلام و منابع معتبر اسلامی اصلاح می شود و آن وقت بر این گونه افراد که پنداشته اند، انتظار به معنای خاموشی، گوشه نشینی و سکوت است معلوم خواهد گشت که چنین نمی باشد زیرا کسی که منتظر است بی تفاوت و بی خیال نیست. حضرت یعقوب منتظر حضرت یوسف بود امّا بیکار ننشست و به فرزندانش گفت: «ای پسران من بروید، از یوسف و برادرش جستجو کنید و از رحمت خدا نومید مباشید.»(۱)

۱- ۴۱. سوره یوسف، آیه ۸۷.

پس انتظـار، نه احتراز و گوشه نشـینی و نه نفی اعتراض به طاغوت هاست؛ زیرا اینها حالت روحی و روانی محض هسـتند بلکه انتظار، عمل و اقدام، حرکت و تکاپوست که در روایات هم بدان اشاره شده است.

الف – انتظار فرج: برترین عمل

آنچه از گفته هـا و توصیه هـای رهبران اسـلام یعنی امامان معصوم علیهم السـلام در زمینه انتظار وجود دارد، نشان دهنـده بعد عملی و گشودن دست عمل به دنبال جنبه ذهنی آن است. اسلام می خواهد که انتظار، جنبه عملی به خود بگیرد و انسان منتظر علاـوه بر حالت درونی انتظار و چشم به راهی لحظه به لحظه، از عمل و اقـدام غافل نمانـد و حتی در روایتی که از رسول اکرم صلی الله علیه وآله نقل شده، انتظار به عنوان عمل و حتی برترین عمل معرفی گشته است. رسول مکرّم اسلام چنین فرموده اند:

«أفضل اعمال أمتی انتظار الفرج من اللَّه عزّو جل»؛

«برترین عمل امّت من، انتظار فرج از جانب خدای بلند مرتبه است».(۱)

روایت معروف دیگری که از پیامبر عظیم الشان اسلام نقل شده این است که:

«افضل الاعمال أحمزها»؛ «برترین اعمال سخت ترین آنهاست».(۲)

نتیجه ای که از این دو حـدیث به دست می آیـد آن است که انتظار تنها انگیزه و حالت درونی نیست بلکه عمل محسوب شده و حتی تعبیر «برترین اعمـال در مورد آن به کـار رفته و ارتبـاط تنگاتنـگ آن بـا حـدیث دوّم نشان می دهـد که انتظار از جمله دشوارترین تکالیف شرعی بوده و برتری آن در سخت بودن انجام آن و بُعد

۱- ۴۲. بحارالانوار، ج ۵۲، ب ۱۲، ص ۱۲۲، ح ۲ و در کمال الدین، ج ۲، ص ۵۴۵.

۲- ۴۳. بحارالانوار، ج ۶۷، ب ۵۳، ص ۱۹۰، ح ۲.

عملی یعنی وظایف منتظران نهفته است و به همین دلیل به عنوان، برترین عمل مؤمن هم از آن یاد شده است.

تعبیر ارزشمند دیگری که در کلام معصومین علیهم السلام در مورد انتظار به کار رفته، برترین عمل مؤمن است که از بیان امام علی علیه السلام روایت شده است:

«افضلُ عملِ المؤمن انتظارُ الفرج». «بهترین کار مؤمن انتظار فرج است.»(۱)

برای درک صحیح مفهوم این عمل پر فضیلت (افضل عمل)، دانستن خاستگاه این عمل ضروری است. که به ذکر حدیثی از رسول گرامی اسلام، استناد می کنیم:

«نیَّةُ المؤمن خیرٌ من عمله، نیّت مؤمن از عمل او بهتر است.»(۲)

در حدیث مذکور، نیّت، برتر از عمل شمرده شده و قصد ذهنی مقبول است که دو شرط اساسی را داشته باشد یکی اینکه: به منظور کسب رضایت الهی باشد و دیگری که شرط برتر و مهم تری است آن است که قصد ذهنی صرف نباشد بلکه منجر به عمل شود که اخلاص و رضایت الهی و قصد تقرّب در آن موج بزند. زیرا نیّت انسان همّت او را ساخته و هم توفیقات و امدادهای الهی را به اندازه همّتش شامل حال او می کند چنانچه در حدیثی آمده که امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرموده اند:

«عَلی قَدرِ النیّهِ تکونُ مِنَ اللَّه العَطِیه عطایای الهی به اندازه نیّت شامل حال فرد می شود».(۳) یعنی هر که نیّتش عالی تر باشد، عطایای الهی در حق او بیشتر و هر قدر نیّت فرد پست باشد، توفیق الهی کمتر خواهد بود. از طرفی دیگر شخصیّت هر فرد متناسب با نیّت ها و همّت هایش شکل می گیرد.

ص:۴۷

۱- ۴۴. تحف العقول، ص ۱۷۹.
۲- ۴۵. اصول کافی ج ۲، کتاب الایمان و الکفر، باب النیه، ص ۸۴، ح ۲.
۳- ۴۶. غررالحکم و دررالحکم، ج ۳، ص ۳۱۶، ح ۶۱۹۳.

بنابراین، برای درک رابطه آرزوها و همّت فرد، می توان به شاکله افراد اشاره کرد. در واقع شاکله هر انسانی با آرزوهای او اثر متقابلی در یکدیگر دارند. قرآن کریم می فرماید: «کلٌّ یَعْمَلُ عَلی شاکِلتِه: هر کس بر اساس ساختار (روانی - بدنی) خود عمل می کند.»(۱)

منظور از شاکله، همان شخصیت روحی فرد و نیّت انسان است که اعمال انسان برخاسته از آن می باشد.(۲) پس شکل گیری شخصیت هر انسانی، متناسب با نیت های اوست و چون آرزوهای افراد بر اساس شاکله و شخصیت روحی آنها است و از طرفی آرزوها در نیّت و نیّت در همّت مؤثر است بنابراین شاکله هر فرد متناسب با نیّات و همّت های اوست.

با توجه به مقدمات و عبارات گفته شده در می یابیم که رابطه متقابلی بین شخص منتظر و آرزوهایی که به جهت انتظار امام عصرعلیه السلام مطرح است وجود داشته و این گونه می توان پی به عظمت انتظار ببریم.

اگر از مؤمنی که برای ظهور مولایش لحظه شماری می کند و انتظار می کشد، بزرگترین آرزویش پرسیده شود، به طور قطع و مسلّم، اوّلین چیزی که مطرح می کند، این است که خدا توفیق درک ظهور را به او عطا کند. کسی که سوز انتظار حضرت بقیهاللّه الاعظم (روحی فداه) قلبش را تحت تأثیر قرار داده، آرزوی او مربوط به خود یا نزدیکانش نیست زیرا او محبوبی از امام نزدیکتر ندارد و از این رو بزرگترین آرزویش مربوط به برترین معشوقش است.

۱- ۴۷. سوره اسراء، آیه ۸۴.

۲- ۴۸. تفسیر المیزان، ج ۱۳، ص ۳۲۳.

هر چه قـدر انتظـار بیشتر باشـد این حـالت در او شـدّت بیشتری یـافته تا آنجا که آرزوی یاری امام و پیوسـتن به ایشان همچون روحی در کالبد اعمالش جریان پیدا می کند. از همین روست که انتظار فرج پر فضیلت ترین عمل شمرده شده است. و این امر تمـام آرزوهای فرد را در بر گرفته و همین حالت روحی و آمادگی از بالاترین کمالات مؤمن در عصـر غیبت است؛ زیرا که با یاد و عشق امامش زنده است و همه اعمالش به این سو و جهت هدایت می یابد.(۱)

ب – دین بر پایه انتظار

برای درک هر چه بیشتر عظمت انتظار، ذکر این مطلب ضروری به نظر می رسد که انتظار در برخی روایات نه در ردیف فروع دین بلکه در شمار اصول و قواعد اساسی دین قرار گرفته است و همین امر بیانگر عظمت انتظار امام زمان علیه السلام است.

در حدیثی ابوبصـیر از حضرت صادق علیه السلام نقل می کند که ایشان روزی چنین فرمودند: «ألا أخبِرُکم بما لایقبل اللَّه عزّو جّل من العباد عملاً إلا به»؛ «آیا شما را خبر ندهم به آنچه خدای عزّو جّل هیچ عملی را از بندگان جز به سبب آن نمی پذیرد.»

ابوبصیر عرض می کند: بله بفرمایید. آن گاه حضرت چنین توضیح می دهند:

«شَـهادهُ أن لا إله إلا اللَّهُ و أنَّ محمّـداً عبـدُهُ و رسولُهُ وَ الِاقرار بِما أمراللَّه وَالولایَهُ لَنا والبَراءَهُ من أعدائنا، – یعنی الائمه خاصّه – والتسلیم لهم والورع والاجتهادُ والطّمَأنینه وَالانتظارُ للقائم علیه السلام.

گـواهی دادن به توحیـد پروردگـار و اینکه حضـرت محمّدصـلی الله علیه وآله بنـده و فرسـتاده اوست و اقرار به آنچه خـداوند دستور فرموده و ولایت ما و بیزاری جستن از دشمنان

۱– ۴۹. سلوک منتظران، ص ۲۶۴ – ۲۶۸.

ما«ائمه علیهم السلام» است. و تسلیم شدن نسبت به ایشان و ورع و کوشش [در راه عمل به شرع]و طمأنینه و در انتظار حضرت قائم بودن.(۱)

هر عمل دینی برای آنکه عبادتی مقبول در پیشگاه خدای متعال تلقی شود، باید شرایطی داشته باشد که بخش عمده آن به شخص عمل کننده مرتبط است. و اینها همان اموری است که به عنوان دین صحیح و مطابق خواست خداوند است. پس قبل از انجام هر عملی باید دینی که شرط پذیرفته شدن همه اعمال است بشناسیم و انتظار، یکی از این شرایط است.

انتظار، در کنار شهادت به توحید (شهاده أن لا اله الا اللّه) و ایمان به پیامبر (و أن محمّداً عبده و رسوله) و اقرار به آنچه امر فرموده (شاید منظور دستورات الهی در قرآن است) و اقرار به ولایت (وَالوِلایه لنا) آمده که نشانه اساسی بودن اصل انتظار است.

دین اسلام بدون انتظار قائم علیه السلام ناقص مانده چنانچه اگر ولایت امام علی نمی بود ناقص مانده بود، پس همان طور که اعلام ولایت امیرالمؤمنین علی علیه السلام باعث تکمیل دین و اتمام نعمت الهی و رضایت خدا نسبت به اسلام است؛ انتظار حضرت مهدی، نیز موجب کمال دین است زیرا که خدا دین بی ولایت را نمی پذیرد، چنان که ولایت بی انتظار، را نمی پذیرد و این خود به این معناست که خدا دین بی انتظار را نمی پذیرد و به همین دلیل امام صادق علیه السلام همه آن اصول را تحت قبولی اعمال مطرح کرده اند.

۱- ۵۰. بحارالانوار، ج ۵۲، سوم، ب ۲۲، ص ۱۴۰، ح ۵۰. و غیبت نعمانی، ب ۱۱، ص ۲۹۲، ح ۱۶.

امام باقرعلیه السلام نیز از مضمونی شبیه به آنچه ذکر شده عنوان کرده و می فرمایند: «الدّین الذی یقبلُ اللَّهُ فیه العمل: دین بر اساس آن (اصول) عمل بندگانش را می پذیرد».

آن گاه اصول آن را چنین برشمرده اند: «شهادهُ أن لا اله الا اللَّه وحدهُ لاشریک له و أنَّ محمّداً عبده و رسوله و تُقرُّبها جاء من عندالله والولا-یه لنا اهل البیت والبراءهُ من عَدُوّنا والتسلیم لِأمرِنا والورعِ والتواضع وَإنتظار قائمنا فإن لنا دوله إن شاءاللَّه جاء بها»(۱)

در مجموع می توان چند نکته در خور تأمل در حدیثی که انتظار هم ردیف اصول دین آمده یافت:

۱ - انتظار یکی از پایه های اساسی دین مورد قبول خداوند را تشکیل می دهد.

۲ - قرار گرفتن انتظار حضرت مهدی علیه السلام در کنار شهادت به توحید و نبوّت و ولایت، حاکی از شدّت اهمیّت و اعتبار آن در نزد خداوند است.

۳ - خدا بر اساس مجموعه اصول مذکور است که اعمال بندگان را می پذیرد. پس اگر نقصی از ناحیه هر یک از اصول پیش آید مقتضی برای قبولی اعمال حاصل نخواهد گشت و بر اساس همین نکته است که می توان گفت: هیچ عملی را از بنده غیر منتظر نمی پذیرد.

۴ - آمدن دو اصل پرهیزکاری و سخت کوشی (ورع و اجتهاد) هم ردیف با انتظار قائم علیه السلام علاوه بر تصریح به جدایی ناپذیر بودن «انتظار و ورع» و «انتظار

۱- ۵۱. اصول الکافی، ج ۲؛ کتاب الایمان والکفر، باب دعائم الاسلام، ص ۲۲، ح ۱۲. الامالی ص ۱۷۹، ح ۲۹۹.

و اجتهاد» به کامل نبودن دین بدون آن دو نیز دلالت دارد، همان طور که به عدم قبول انتظار بدون آن دو اشاره می کند.(۱)

اینکه در نهایت حکومت روی زمین به دست امام زمان علیه السلام خواهد رسید حاکی از حکمت انتظار، است که دولت پایدار جهانی اهل بیت علیه السلام به دست امام عصرعلیه السلام و به اراده خدا عملی خواهد گشت و در آن همه اهداف پیامبران تعالیم قرآن و اهل بیت تحقق خواهد یافت و همه اینها نشان از عظمت انتظار فرج دارد که شایسته است مسلمان موحد چشم انتظار آن باشد. زیرا انتظار از اصول اساسی دینش به شمار می آید.

ج – انتظار فرج؛ محبوب ترین عمل

در روایات امامان معصوم علیهم السلام انتظار نه تنها عمل و حتی برترین عمل بلکه به عنوان محبوب ترین عمل نیز شمرده شده است. حدیث زیر به همین موضوع اشاره می کند: «سئل عن علی علیه السلام رجل أیُّ الأعمال أحَبّ إلی اللَّه عزّوجلّ قالَ علی علیه السلام انتظار الفرج:

مردی از امام علی علیه السلام پرسید: محبوب ترین عمل نزد خدای بلند مرتبه کدام است؟ امام علی علیه السلام فرمودند: «انتظار فرج».(۲)

در حدیث یاد شده محبوب ترین عمل تعبیر فخیم دیگری است که در مورد انتظار امام زمان علیه السلام به کار برده شده است. گر چه به ظاهر در ترجمه این حدیث شریف، فرقی بین دو تعبیر «الی اللَّه» و «عنداللَّه» نیست، یعنی در هر صورت می توان آن را «در نزد خدا» معنی کرد، امّا بعید نیست که واژه «الی» که در اصل به معنای - به سوی و به جهت و به اطراف استعمال می شود، در اینجا نیز حاکی از عنایتی خاص

۱- ۵۲. انتظار بهار و باران، ص ۲۳.

۲- ۵۳. بحارالانوار، ب ۲۲، ص ۱۲۲، ح ۳.

است که با حکمت و دقتی که در فرمایش معصومین علیهم السـلام نهفته است می تواند نشان دهنده حرکتی با سـمت و سویی الهی باشد.

این حدیث نه تنها از کلام امام علی علیه السـلام نقل شده بلکه از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه وآله نیز منقول است ایشان می فرمایند: «احب الاعمال إلی اللَّه عزّوجلّ انتظار الفرج؛ محبوب ترین عمل نزد خدای بلند مرتبه انتظار فرج است».(۱)

به عبارت دیگر وقتی پیامبر خدا که زبان صدق خداوندی است و امیرالمؤمنین علی علیه السـلام که امیر بیان است هر دوی این بزرگوار به جـای «احب الاعمال عنـداللَّه» عبارت «أحب الاعمال الی اللَّه» را در مورد انتظار به کار می گیرنـد، گویا به حرکت آفرینی انتظار، نظر دارند. و در جهت معرفی نمودن انتظار به عنوان عامل پویایی و رشد الی اللَّه و پشتوانه حرکت به سوی خدا بوده اند.

بنـابراین «انتظار فرج» حرکت و تلاش است و با بی هـدفی و سـکون و تن آسایی سازگاری نـدارد. از طرف دیگر، انتظار چون حرکت و عملی در راستای اراده خدا و در جهت عملی شدن وعده های او صورت می گیرد عملی عبادی و محبوب خداست. و دلیـل دیگری که برای محبوبیت آن می توان یـافت این است که چون انتظـار در تحقق احکـام الهی و آرمـان های توحیـدی نقش تعیین کننده تری از سایر اعمال دارد، بیشتر از آنها مورد بحث خداوند قرار می گیرد.(۲)

برای تبیین نقش انتظار فرج در تحقق آرمان های توحیـدی لازم است این نکته اساسی مدّ نظر قرار گیرد که: فرج به معنی رفع گرفتاری است و انتظار فرج یعنی امید

۱- ۵۴. بحارالانوار، ج ۵۲، ب ۲۲، ص ۳۲، ح ۵۳.

۲- ۵۵. انتظار بهار و باران ص ۳۸.

به رحمت خداونـد در گرفتاری ها و هر قدر اعتقاد به توحید در انسان قوی تر باشد، انتظار فرج در او بیشتر و شدیدتر می شود به همان اندازه که یأس از رحمت خداوند مبغوض ذات مقدّسـش است، انتظار فرج محبوب اوست؛ زیرا یأس به شـرک منتهی شده که مبغوض ترین عمل نزد خداست. انتظار فرج - که ضد آن می باشد - محبوب ترین عمل نزد او به شمار می آید.(۱) و این همان رمز محبوبیت انتظار است.

د - انتظار فرج؛ عملی عبادی

انتظار فرج در دین مبین اسـلام، نه تنها به عنوان برترین و محبوبترین عمل شـمرده شده است بلکه از آن با عنوان دیگری به نام «عبادت» یاد شده است آنجا که رسول اکرم صلی الله علیه وآله فرموده اند: «انتظار الفرج عباده؛ انتظار فرج عبادت است».(۲)

در میـان همه خلاـیق امّتی والاتر از امّت حضـرت محمّدصـلی الله علیه وآله نمی توان یافت و از این رو است اعمال امّت پیامبر والاتر از اعمال همه امّت هاست.

در میان چنین اعمال والایی از امّت پیامبر والاتر از «انتظار فرج» نمی توان یافت، چون «انتظار فرج» انتظار قدرت اسلام و توحید است. انتظار «حاکمیت وحی و ولایت» است. انتظار اجرای حدود الهی و احکام قرآنی است.

از دیگر سو، انتظار فرج عمل است کار و تلاش و تکاپو است و عملی مقدّس تر و با فضـیلت تر و پسـندیده تر از مقدمه سازی برای قدرتمند شدن اسلام و به حاکمیت رسیدن توحید و وحی و ولایت و اجرای احکام و حدود الهی و قرآنی وجود ندارد.

۱- ۵۶. سلوک منتظران، ص ۴۵.

۲- ۵۷. بحارالانوار، ب ۲۳.

در کلام نورانی پیامبرصلی الله علیه وآله به همین بسنده نمی شود که «انتظار فرج» والاترین عمل به شمار رود. بلکه بالاترین درجه از با ارزش ترین عمل مومنین یعنی «عبادت» که نمایش خالصانه اطاعت و بندگی خداست به آن اختصاص می یابد.

«انتظار فرج» عبادت است؛ زیرا جلوه ای زیبا از گردنگذاری به فرمان الهی و مقاومت و گردن فرازی در برابر طاغوتیان است و قصد قربت می طلبد.(۱) از طرف دیگر انتظار فرج به این دلیل عبادت است که بسان دیگر عبادت ها از کیفیّت و ابعاد عملی برخوردار است که پیشوایان الهی ما در آثار خود آن را مورد توجه قرار داده و رعایت دقیق آن را وظیفه و تکلیف مردمان در عصر غیبت دانسته اند و بر همه منتظران لازم است که از وظایف شرعی خود غافل نشوند.(۲)

ه – انتظار فرج؛ بالاترین عبادت مؤمن

به منظور بیشتر معرفی نمودن گلواژه انتظار، تعبیر دیگری در لابلای کلام نورانی معصومین علیهم السلام به چشم می خورد و آن اینکه، انتظار، بالاترین عبادت مؤمن، شمرده شده است. و این تعبیر هم در کلام خدا و هم در بیان امیرالمؤمنان علی علیه السلام جاری شده است.

رسول اکرم صلی الله علیه وآله در این باره چنین فرموده اند: «افضل العباده انتظار الفرج؛ والاترین عبادت انتظار فرج است.»(۳)

امام علی علیه السلام نیز «انتظار فرج» را بالاترین عبادت مؤمن دانسته اند و می فرمایند:

۱– ۵۸. انتظار بهار و باران، ص ۴۱.

۲– ۵۹. آیین انتظار، ص ۱۲.

۳– ۶۰. بحارالانوار، ج ۵۲، ب ۲۲، ص ۱۲۵، ح ۱۱: قال رسول اللَّه صلی الله علیه وآله: «افضل العباده انتظار الفرج».

«افضل عباده المؤمن انتظار فرج اللَّه. برترین عبادت مؤمن انتظار فرج از جانب خداست.»(۱)

«فرج اللَّه» یعنی «فرج من اللَّه» گشایشی از جانب خداوند. بالاترین عبادت مؤمن انتظار فرج از جانب خداوند است. این عبادت یک عمل قلبی است که ارزش آن از همه عبادات بیشتر است. ممکن است انسان کارهای زیادی انجام دهد امّا روح و اساس تمام عبادات، توحید و اعتقاد قوی به خداست که در گرفتاری ها و سختی ها عمق آن روشن می شود.

میزان اعتقاد انسان به خدا - به عنوان تنها نقطه امید و پناه - در گرفتاریها، بیشتر مشخص شده در حالی که خود فرد هم نمی داند و از قوّت اعتقادش در هنگام گرفتاری های سخت مطلع می شود. انسانی که در گرفتاری های سخت زندگی هرگز صبر خود را از دست نمی دهد و رضایت قلبی خود را نسبت به قضای الهی حفظ کند آنگاه مؤمن واقعی است وقتی شخصی از امام صادق علیه السلام می پرسد: بأی شی ء یعلم المؤمن بأنَّه مؤمن، به چه چیزی معلوم می شود که شخص مؤمن است؟ حضرت در پاسخ فرمودند: «بالتسلیم للَّه والرضا فیما ورد علیه من سرورٍ او سخطٍ»؛

«به تسلیم خدا بودن و راضی بودن به آنچه برایش پیش می آید چه از شادی و ناراحتی».(۲) رضایت از قضای الهی در هنگام خوشی ها کار سختی نیست بلکه مهم تر از آن حفظ رضا در مواقع ناراحتی انسان است که این کار بسیار مشکل است.

۱- ۶۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ب ۲۲، ص ۱۳۱، ح ۳۳.
۲- ۶۲. اصول کافی ج ۲، کتاب الایمان والکفر، باب الرضا بالقضاء، ص ۶۳، ح ۱۲.

بالاـترین عبـادت الهی در مـذهب اهـل بیت علیهم السـلام صبر و رضا نسـبت به قضای الهی است. در این باره امام صادق علیه السلام فرموده اند:

«رأس طاعه اللّه الصبر والرضا عن اللّه فیما أحب العبد أوْ کَرِهَ»؛

اساس اطاعت خداوند صبر و خشنودی از خداست در آنچه بنده دوست می دارد یا ناپسند می شمارد.(۱)

حیـات معنوی و زنـدگی واقعی انسان به ایمان و بنـدگی کردن او در پیشـگاه خداونـد بسـتگی دارد هـدف از خلقت، بنـدگی خداست و روح بندگی - که حیات معنوی انسان به وجود آن وابسـته است. همانا صبر در گرفتاری ها و رضایت نسبت به خدا می باشد به خصوص در اموری که برای انسان مکروه و ناپسند است.

مؤمن موحّـِد با همه وجودش معتقـد به وجود گرفتاری در دست خدا و اراده اوست و او خود، بنده اش را به گرفتاری ها مبتلا کرده تا میزان بندگی او را بیازماید و معلوم شود چه قدر بنده است.

بهترین نشانه بنده خدا بودن این است که انسان در هر حالی فقط و فقط متکی به خدا و به او امیدوار باشد و نه خوشی ها او را از مسیر بندگی خدا خارج کند و نه ناخوشی ها، صبر و رضایت را از کف او بِرُباید.(۲)

بهترین راه بنـدگی خـدا به این است که انتظار فرج را در گرفتاری ها از دست نـدهیم بلکه با شدت گرفتاری ها انتظار فرج در ما بیشتر شود. روح بندگی و طاعات همین عبادت قلبی است که ریشه در اعتقاد عمیق و قوی به توحید پروردگار دارد.

بنابراین می توان تصدیق کرد که برترین و بالاترین عبادت مؤمن، انتظار فرجی

۱- ۶۳. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۶۰، ح ۱.

۲- ۶۴. سلوک منتظران، ص ۴۵ - ۴۷.

است که در گرفتاری ها از خدای متعال دارد و این عبادت قلبی روح همه عبادات دیگر می باشد.

دلیل دیگری که برای معرفی کردن انتظار به عنوان بالاترین عبادت مؤمن وجود دارد این است که رنج ها و گرفتاری های امام زمان علیه السلام در زمان غیب به خاطر خروج از تنگناها و خلاصی خود و شیعیانش از غم و غصه ها، بیشتر از هر کس دیگری است و چون ایشان دارای مقام و منزلت والا-یی نزد پروردگارند. اگر فردی، انتظار فرج ایشان را به خاطر خود ایشان داشته باشد بالاترین درجه عبادت را انجام داده است.(۱)

کسی که امامش را از خودش بیشتر دوست می دارد، بیش از آنکه انتظار فرج خود را داشته باشد، چشم انتظار فرج ایشان است و در گرفتاری های خودش از اینکه امامش به خاطر او ناراحت می شود بیشتر از اینکه خود به سختی افتاده رنج می برد.

بر همین اساس، دوستدار واقعی و عاشق صادق امام عصرعلیه السلام در گرفتاری های شخصییش هم بیشتر به خاطر مولای محبوبش ناراحت می شود تا برای خودش و یا سایر مؤمنانی که دارای مصیبت شده اند و از این جهت انتظار فرج و گشایش امامش از انتظار فرج دیگران برایش مهم تر است و همّ و غم خود را مصروف به این مطلب می داند. از طرفی دیگر فرج ایشان در حقیقت فرج همه عالمیان است ولی نیّت انتظار فرجش بالاترین و خالص ترین نیّت هاست.

چنین نیتی در انتظار فرج از نظر قصد قربت الهی، بالاترین نیت هاست زیرا که برخاسته از محبّت و عشق خالص نسبت به امام عصرعلیه السلام می باشد که آن هم برای خدا و جلب رضایت اوست.

ص:۵۸

۱- ۶۵. سلوک منتظران، ص ۱۴۳.

محبّت به امام علیه السلام از محبّت به خداوند جدا نیست بلکه لازمه قطعی و ضروری آن است. هر قدر محبّت به خدا خالص تر و بیشتر، محبّت به حجّت خدا و امام حیّ او هم خالص تر و شدیدتر است.

بنابراین بالا ـترین رتبه انتظار فرج امام علیه السلام از آن کسی است که بیشترین و خالص ترین محبّت ها را به ایشان داشته و این خود نشانه بالاترین درجات ایمان و بندگی خداست و عنایت خاص خدا و امام، بر زندگی فردی، اجتماعی آن شخص حکمفرما خواهد بود.

خداوند به منتظران آن عزیز، توفیق درک این رتبه عالی و وصل به امام را در عبادت و بندگی عطا فرماید.

و - انتظار فرج؛ بالاترین جهاد امّت پیامبر

در لابلای فرمایشات گوهربار معصومین علیهم السلام تعبیر ارزشمند دیگری که در مورد گلواژه انتظار یافت می شود عبارت «بالاترین جهاد امت» است که باعث نهفته شدن شکوهی شگرف در عمق این واژه گشته و منزلتی شگفت و حماسه و شور و شعور دیگری به آن بخشیده است که نبی مکرّم اسلام صلی الله علیه وآله فرموده اند: «افضل جهاد أمتی، انتظار الفرج»؛ بالاترین جهاد امّت من انتظار فرج است.»(۱)

در مباحث قبل به این موضوع اشاره شد که بنده برگزیده خدا، رسول خدا است که لقب مصطفی برازنده او و در شأن و مقامش می باشد. و برترین امّت نزد پروردگار، امّت او و والاترین اعمال، اعمال همین امّت است و انتظار فرج

۱- ۶۶. تحف العقول، ص ۶۳، ح ۲۵. و نیز بحارالانوار، ب ۶، ص ۱۴۱، ح ۲۶.

هم گلچینی از میان تمام اعمال آنهاست؛ زیرا در آن انتظار حاکمیت دین حق و توحید الهی و در یک کلام انتظار قدرت اسلام با تمام اصول و فروعش، گنجانده شده است.

اکنون انتظار نه فقط برترین، محبوب ترین عمل یا بالاترین عبادت بلکه برترین جهاد امّت پیامبر آن هم از کلام خود رسول که به تعبیر قرآن از روی هوا و هوس سخن نمی گوید(۱) معرفی شده است.

«جهد» در لغت به معنای سختی، طاقت، مشقت و «جهاد» به معنای جنگیدن با دشمنان در راه خدا، جنگ کردن در راه حق، جنگ دینی(۲) و...آمده است اگر این دشمن خارجی باشد جهاد اصغر و اگر داخلی باشد جهاد اکبر خواهد بود.

در اسلام، جهاد یکی از واجبات مسلّم است و هدف از آن جلب رضایت خداوند متعال می باشد و انجام جهاد به این دلیل است که ریشه فتنه و تباهی از زمین برچیده و دین حق جهانی شود.

اراده الهی بر این است که خیر به تمام مردم عالم برسد و اگر کسانی مانع وصول آن هستند در واقع به جنگ برخواسته اند که سرانجام جز ذلت و خواری و هلاکت نخواهند داشت و جهاد میدان عملی است برای باز شناختن مؤمنان حقیقی از کسانی که ایمان در عمق جان و دلشان راه نیافته و اینجاست که صف ایمان آورندگان از صف تسلیم شدگان بی عمل جدا خواهد شد.

هدف دین مبین اسلام، گسترش عدل و داد و فتح تمام جهان زیر سلطه و برافراشتن پرچم اسلام است و رسیدن به این ایده و هدف متعالی با سکون و آرامش و تسلیم و رفاه و... امکان پذیر نیست.

۱- ۶۷. سوره نجم، آیه ۳. «و از سر هوس سخن نمی گوید.»

۲- ۶۸. مفردات الفاظ قرآن، ج ۱، ص ۴۲۵.

اسلام ناب، همان اسلام نجات بخش بشریّت در حال سقوط، برای تحقق این هدف خواستار پیروان و منتظرانی است که لحظه ای توقّف و بی حرکتی را برنگزیده و با ایمان در دل و جان بر کف تا تحقق وعده الهی و پیروزی نهایی تلاش می کنند.

مسلمان دوراندیش و منتظر فهیم، هرگز ساکت ننشسته تا دشمن به وی حمله کند بلکه برای حفظ جان و دین خود سپر دفاعش را بیرون آورده و هر لحظه و هر کجا برای یورش به قلب دشمن و هر آنچه اهداف والا و ناب اسلامی اش را به چالش فرا می خواند، آماده است(۱) و این رمز برترین جهاد شمرده شدنِ انتظار فرج است؛ زیرا که جهاد بودن آن در دریافت، مفهوم صحیح، یعنی: تسلیم نشدن و مقاومت کردن نهفته است.

به راستی اگر در عصر دردناک غیبت، شیعه روح پرخروش جهادگرش را به دست فراموشی بسپارد و یا روح جهاد گر خود را با روح دفاع عوض کند، در منتظر بودن او باید شک نمود در حالی که منتظر واقعی و یک مسلمان آگاه هرگز نمی تواند فساد و تباهی را دیده و در یک نقطه بایستد.

گفتار این فراز را با آیه ای امید بخش و تلاش آفرین به پایان می رسانیم:

«إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُوْلَئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ» به راستی آنان که ایمان آورده و کسانی که هجرت کرده و در راه خدا جهاد نموده اند، آنان به رحمت خدا امیدوارند و خداوند آمرزنده مهربان است.(۲)

۱- ۶۹. جهاد جاودانه، ص ۸ - ۱۰.

۲- ۷۰. سوره بقره، آیه ۲۱۸.

آری امید و انتظار پیوسته، هجرت از همه پلیدی ها و جهاد است نه زمینه رخوت و سکون.

ما زنده به آنیم که آرام نگیریم

موجیم که آسودگی ما عدم ماست (۱)

ز - انتظار و شهادت

از بین روایات معصومین علیهم السلام حدیث ارزشمند دیگری به چشم می خورد که در آن، فرد منتظر، همچون سردار به خون تپیده در راه خداست و انتظار همچون شهادت معرفی شده، در این زمینه حضرت علی علیه السلام می فرمایند: «المنتظر لِأمرنا کالْمُتُشحِّطِ بِدَمِهِ فی سبیل اللَّه: منتظر امر ما بسان سردار به خون تپیده راه خداست.»(۲)

تشبیه در هر زبانی از یک نوع قاعده منطقی عام پیروی می کند که تکیه گاه آن منطق و استدلال است و تابع ذوقیاتِ محض و هنر مطلق نیست بلکه نوعی تصرف ذوقی بوده امّا با قانون مندی عقلی، نوعی کاربردی هنری است که دارای شیوه ای خردپذیر می باشد.

اگر دلاوران را به کوه و فریاد بلندشان را به رعد، همانند می کنند، اوْلی از نظر صلابت و یا پایمردی و دیگری از حیث مهابت و خروشندگی است.

اینجا اگر منتظران به خون تپیدگان راه خدا تشبیه شده اند، وجود نوعی یکسانی و همانندی است و امّا اینکه از چه جهتی؟

در این روایت نورانی، تنها وجه شباهت بین منتظر و سردار به خون تپیده راه خدا را نمی توان فقط اجر و پاداش در قیامت دانست؛ زیرا که این سخن اکتفا کردن

۱- ۷۱. حافظ.

۲- ۷۲. بحارالانوار، ج ۵۲، ب ۲۲، ص ۱۲۳، ح ۷.

به تحلیل های ساده اندیشانه عوام پرور و دریافت مضامین خنثی و غیر مسئولیت آور بخشی از تعالیم حیاتی اسلام است و نتیجه آن تخریب مفاهیم والای آن می باشد. در واقع اگر در این حدیث حماسه ساز، تنها به اجر و ارزش منتظران اشاره شده و نسبت به فهم انتظار، سخنی به میان نیامده باشد، در حقیقت راه تحریفی دیگر بر منحرفین گشوده شده است.

در این صورت آنان که انتظار را، دست روی دست گذاشتن و دیده به در دوختن شمرده اند و آنان که انتظار را تسلیم به وضعیت انحراف آلود جامعه و امید به وضعیت ایده آل و آن چنانی در آینده می دانند، چه مانعی دارند که اجر شهید به خون تپیده راه خدا را، برای منتظرانی از این قبیل اثبات کنند.

اینکه کلیه احکام اسلامی مجموعه ای هماهنگ را تشکیل می دهد و در هر زمینه ای نوعی قانون مندی واحد بر آن حکومت دارد، نشان می دهد که عظمت اجر و پاداش جز به تناسب میزان دشواری عمل و کثرت رنج در راه خدا نیست.(۱)

قابل قبول نیست کسی که به همه تعلّقاتش پشت کرده از همه لذت ها و خوشی ها دست شسته و جانبازی و مجاهدت های شبانه روزی داشته، با آن کسی که هر طور خواسته زندگی کرده و طبق میلش به لذّت و کامرانی پرداخته اجری برابر داشته باشد.

این فرمایش پر ارزش امام معصوم علیه السلام بیش از آنکه در صدد بیان عظمت اجر و پاداش منتظران در روز قیامت باشد به کیفیت انتظار اشاره دارد. و انتظار را نوعی مبارزه شمرده و سختی های راه پر نشیب و فراز انتظار را یادآور می سازد.

۱- ۷۳. انتظار بهار و باران، ص ۴۶.

منتظر را تلاشگری نستوه دانسته که در برابر هر انحرافی ایستاده و بـا الهـام از شـیوه و آیین مقتـدای مورد انتظـار خود در راه اصلاح خویشتن و جامعه اش به جهاد و مقاومت پرداخته و با کوشش خود شایستگی همانندی با مجاهدان در راه خدا را یافته و در این مسیر به چنان اوجی رسیده که نظیر شهیدان به خون خفته راه خدا می شود و این همان مفهوم واقعی انتظار است.

ح – انتظار فرج، بزرگ ترین فرج ها

همه تعابیری که درباره مفهوم والای انتظار بیان شده در یک حدیث شریف که از حضرت امام زین العابدین علیه السلام نقل شده است: «انتظار الفرج من أعظم الفرج: انتظار فرج از بزرگترین فرج هاست.(۱)

همین بیان از امام صادق علیه السلام نیز روایت شده است: «مَنْ عَرَفَ هذا الَامر فَقَدْ فرِّجِ عَنهُ بِانتِظارِه؛کسی که این امر (فرج و ظهور امام) را بشناسد، به سبب انتظار کشیدن آن، برایش فرج حاصل می شود.»(۲)

منظور از کلمه «امر» در بسیاری از احادیث اهل بیت علیهم السلام امر امامت و ظهور آن موعود است که با فرج امام عصرعلیه السلام تجلی کامل می یابد در حدیث اوّل تعبیر انتظار فرج و در حدیث دوّم، انتظار امر، هر دو دارای یک مصداق اند.

به هر حال طبق فرمایش امامان معصوم ما غیر از فرج امام زمان، که فرج نهایی همه اولیاء و انبیاء الهی و مؤمنان است هر شخص منتظری، همین انتظارش برای او

ص:۶۴

۱- ۷۴. بحارالانوار، ج ۵۲، ب ۲۲، ص ۱۲۲، ح ۴.

۲- ۷۵. اصول کافی ج ۱، کتاب الحجه، باب «أنَّهُ مَنْ عَرَفَ إمَامَه»، ص ۳۷۱، ح ۳. و نیز در: بحارالانوار، ج ۵۲، ب ۲۲، ص ۱۴۳، ح ۵۴. و همچنین در: غیبت نعمانی، ب ۲۵، ص ۴۷۱، ح ۳.

فرج می باشـد که می توان گفت پس از فرج امـام عصـر که بزرگترین فرج، برای همه مؤمنـان است بالاـترین فرج جزئی برای شخص منتظر همین انتظـار اوست. که اگر به مقصود خود رسـید و او را زیارت نموده و کلام جان بخش او را شـنید و در سایه حکومتش، حاکمیت عدل و توحید و انسانیّت را تجربه کرد کامیاب شده است.

از طرف دیگر اگر انتظار کشـید و به مقصود و معشوقش نرسـید و او را ندیده از دنیا رفت و نیز طعم عدالت موعود را نچشـیده وعـده حق را اجـابت کرد بـاز هم کامیـاب است زیرا که طبق همـان فرمـایش امـام، انتظار فرج خود از بالاترین مصادیق فرج و گشایش است.(۱)

پاسخ به یک پرسش در مورد فضیلت انتظار

با مشاهـده روایات وارد شـده ممکن است این سؤال مطرح شود که چرا انتظار، از این همه فضـیلت برخوردار است؟ در جواب موارد زیر را می توان برشمرد:

۱) انتظار حلقه اتّصال شیعه با امام معصوم

ولایت و امامت رکن اساسـی مکتب تشیّع است و اعتقاد به ضـرورت وجود حجّت الهی و امام معصوم در هر عصـر و زمان، از مهم ترین نقـاط تمـایز این مکتب از سایر مکاتب است از دیـدگاه شـیعه، پـذیرش ولایت معصومین علیهم السـلام به طور کلی تسلیم در برابر امام و حجّت عصر، سرآمد همه فضیلت ها و شرط اساسی قبولی طاعات و عبادات است.

۱- ۷۶. انتظار بهار و باران، ص ۱۰۰ – ۱۰۱.

با توجه به این نکات در می یابیم که:

انتظار در زمان غیبت و در عصـر عدم حضور ظاهری امام در جامعه به نوعی پذیرش ولایت امامت آخرین امام از سلسله امامان شیعه است و همین انتظار باعث می شود که ارتباط شـیعیان با امام خود حتی به صورت ارتباط قلبی و معنوی حفظ شود و آنها در همه اعصار از فیض وجود امامشان برخوردار باشند.(۱)

بنـابراین اگر انتظار را از مسـلمانان و یا از مکتب شـیعه بگیریم، تفاوت چنـدانی میان این مکتب و دیگر مکتب ها باقی نخواهد مانـد؛ البته انتظار به مفهوم درست آن، یعنی اعتقاد و ایمان داشـتن به ظهور و قیام عـدالت گستر دوازدهمین امام معصوم علیهم السـلام و زمینه سازی کردن برای ظهور منتظَر بزرگ در این صورت است که این همه ارزش و فضیلت بر مفهوم انتظار مترتب می شود.

۲) انتظار؛ معیار ارزش انسان ها

آرزوهـا و آمـال انسـان ها معیار خوبی برای سـنجش میزان رشـد و کمال و تعالی آنهاست آنجا که برخی می گوینـد: بگو چه آرزویی داری تا بگوییم «کیستی...»

آرزوهای بلنـد و متعالی و ارزشـمند، حکایت از کمال روح و رشد شخصـیت انسان ها و بلندای همت آنها می کند. به عکس آرزوهـای خُرد و حقیر نشـان از بی همّتی و رشـد نیافتگی افراد دارد؛ زیرا که آرزوها انسان را به حرکت وا می دارد و به طور طبیعی هر چه همت بلندتر و آرزو ارزشـمندتر باشد حرکت و تلاش انسان نیز از ارزشـمندی بیشتری برخوردار است. امام علی علیه السلام در همین زمینه می فرماید:

۱- ۷۷. فرهنگ انتظار، ص ۲۴.

«قَدْرُ الرَّجُلِ عَلی قَدْرِ همّته؛ ارزش مرد به اندازه همّت اوست.»[(۱)]

پس از این مقدمه ها می توان گفت: که چون انسان منتظر، برترین و ارزشمندترین آمال و آرزوهای ممکن را دارد و نیز آرزویش مربوط به ظهور حضرت مهدی علیه السلام که عزیزترین و محبوب ترین خلق نزد باری تعالی می باشد. به طور طبیعی از بهترین و والاترین ارزش ها نیز برخوردار است.

توضیح اینکه؛ آرزوهای نهانی انسان منتظر حاکمیت نهایی دین خدا و مذهب اهل بیت علیهم السلام بر سراسر جهان، استقرار حکومت صالحان و مستضعفان در سراسر گیتی، کوتاه شدن دست ظالمان و مستکبران از گوشه گوشه جهان، برقراری نظام قسط و عدالت بر پهنه زمین و گسترش امنیت و رفاه در جای جای این کره خاکی است. یعنی آرزوهایی که از ابتدای تاریخ تاکنون و در زمان هیچ پیامبری محقّق نشده است به طور قطع چنین آرزوی بلندی از ارزش و فضیلتی وصف ناپذیر برخوردار است. البته به شرط آنکه منتظر به تناسب آرزوی بلند خود از تلاش و کوشش و اقدامات لازم برای تحقق هر چه زودتر این آرزو کوتاهی نکند.

۳) انتظار، عامل سازندگی و پویایی

انتظار نقش مهمّی در اصلاح و سازندگی فرد و جامعه در زمان غیبت دارد اگر انسان منتظر به وظایفش عمل کند. به الگوی مطلوب انسان دیندار دست می یابد و از جایگاه و مرتبه والایی برخوردار می شود. علاوه بر این می توان گفت که برنامه اصلاح سازی، فقط یک برنامه فردی نیست بلکه یک برنامه عظیم و سنگینی است

۱- ۷۸. ترجمه نهج البلاغه، ص ۶۲۴، ح ۴۷.

که عناصر تحوّل در آن نقش دارند و مستلزم به کار بستن فعالیت های همگانی و هماهنگ است و در یک میدان وسیع مبارزه دسته جمعی، افراد موظّفند از حال همدیگر جویا شده و هر موضع آسیب پذیری را ترمیم کنند.

پس با انجام وظایف همگانی از قبیل امر به معروف و نهی از منکر و دعوت به خیر و نیکی ها، خیر خواهی در جامعه رشد کرده و این همان راهی است که انبیاء الهی در راه آن کوشیده اند به امید روزی که حق و عدل پیروز و لشکر شیاطین از بین بروند. در واقع همه اینها منوط به سازندگی انتظار است که این همه فضیلت و علوّ مرتبه را برای انسان منتظر در خود به همراه دارد.

ص:۶۸

فصل دوّم خاستگاه و قلمرو انتظار

اشاره

ص:۶۹

اشاره

انتظار و امید به آینده ای درخشان، مسأله ای جدید مربوط به قرن و هزاره ما نیست که با ظهور اسلام و تشیّع، رخ نموده باشد، بلکه سابقه ای دراز به قدمت تاریخ آفرینش انسان دارد و آن را در نزد همه اقوام، فرهنگ ها، مذهب ها، ادیان آسمانی و غیر آسمانی می توان به عیان دید. خوب است بدانیم سابقه اولیه انتظار به چه بر می گردد؟ به عبارت دیگر خاستگاه انتظار کجاست؟

بذر اصلی انتظار و عشق به این موضوع به اعماق فطرت انسان بر می گردد؛ یعنی انسان از دو راه عاطفه و خِرَد در برابر این مسأله قرار می گیرد و ندای ظهور این امر را از طریق دل و روان و نیز عقل و خردش می شنود به بیان دیگر می توان گفت: انتظار امری فطری است و مرکز معرفت فطری در وجود انسان؛ عقل و خِرَد و نیز دل و روان است که فطرت در قلمرو دل و روان را «فطرت احساس و گرایشی» و فطرت در قلمرو عقل و خرد را «فطرت ادراکی و عقلی» می نامند. گرایشات فطری دارای چند خصوصیت هستند:

۱ – فهم و ادراک درونی است که نیاز به دلیل ندارد و همه انسان ها بدون برهان می فهمند.

۲ – در همه افراد بشر وجود دارد.

۳ – در نزد همه اقوام، محیطها و جوامع به چشم می خورد.

۴ – در همه ادوار تاریخ وجود دارد.

۵ – قابل نفی و سلب کلی از انسان نیست.

ص:۷۱

۶ – عوامل خارجی در اصل وجود و عدم آن تأثیر ندارند ولی در فعلیت و عدم فعلیّت و شدّت و ضعف آن نقش دارند.

انتظار مقوله ای است که خدا در نهان و درون انسان قرار داده و از قدمت و فراگیر بودن آن در همه اقوام و ملل و دائمی بودن آن در وجود انسان، پی به فطری بودن آن می بریم.(۱)

پیشینه انتظار

تا آنجا که در حافظه تاریخ به یاد مانده است. انسان هرگز از اندیشه و رؤیای بهتر زیستن فارغ نبوده و همیشه نگاه او برای رسیدن به آینده ای بهتر و سامان یافته تر در انتظار به سر می برده است. از همین رو دانشمندان فراوانی به طراحی مدل شهرها و جوامع آرمانی و ایده آل پرداختند.(۲) که این امر و دلیل آن را در توجه به دو نکته مهم و ضروری، می توان جستجو کرد که عبارتند از:

۱ – روح آدمی که ابعاد چهارگانه ای دارد: عشق به آگاهی، عشق به نیکی، عشق به زیبایی و عشق به تکامل.

وجود همه ابعاد مذکور در اعماق سرشت انسان منوط به عوامل خاصی نیست بلکه این انگیزه ها و علایق، جزء ابعاد اصلی روح انسان و بافت و روان انسان است. از این رو اصیل و ریشه دار می باشد و چون فطرت انسان جاودانی، همیشگی

ص:۷۲

۱- ۷۹. خلاصه مقالات چهارمین گفتمان مهدویت، انتظار، ص ۱۹.

۲- ۸۰. از جمله اندیشمندانی که به طراحی مدل شهر طلایی و مدنیّت مشعشع و ایده آل پرداخته اند و حتی در آثار خود جامعه ایده آل را پیشنهاد داده اند عبارتند از: افلاطون، فارابی، توماس مور، فرانسیس بیگن و... که همه اینها حکایت از پیشینه انتظار دارد.

و متصل به خـدای باقی است. مربوط به زمان خاص یا افراد ویژه ای نبوده و همه افراد بشـر نیز از آن بهره مندنـد و نکته اصـلی اینجاست که آخرین نقطه اوج این علاقه ظهور یک مصلح جهانی است.(۱)

۲ - نکته دیگر اینکه خصایص جسـمی، روحی انسان یکپارچه و واحد با تمام هستی در پیشـرفت انسان به سمت اهداف والای او مؤثرنـد؛ همـان طور که خشم و ترس، سپری برای انسان به منظور حفظ او در برابر عوامل پیروزی است، پس عشق به تکامل و عـدالت، وسـیله ای بسـیار مؤثر جهت رسـیدن به هـدف والای انسان و مـددرسان او برای دستیابی به جهانی سـرشار از عـدل است.

این به هم پیوسـتگی و همـاهنگی احساسـات درون انسان با عالم بیرون، ما را به این نتیجه اساسـی و مهم رهنمون می سازد که وجود هر عشق و علاقه اصـیل در وجود انسان دال بر وجود معشوق یا هدف آن در جهان بیرون است. به طور مثال؛ تشـنگی و عشق به آب در درون انسـان حاکی بر وجود «آب» در جهان خارج است که دسـتگاه آفرینش نیاز به آن را در وجودمان نهاده است.(۲)

اگر عشق به زیبایی و دانایی در وجود انسان، نهفته است، نشانه وجود زیبایی ها و دانایی ها در عالم هستی است.

بـا توجه به موارد یـاد شـده در می یابیم که اگر انسان منتظر مصـلح بزرگ است که جهان را سـرشار از عـدالت و نیکی کنـد، نشانه وجود نقطه اوجی در تکامل جامعه انسانی و عملی بودن این عشق و انتظار در درون جان هر انسانی است.

ص:۷۳

۱- ۸۱. حکومت جهانی مهدی، ص ۸۶.

۲- ۸۲. مهدی انقلاب بزرگ، ص ۵۲ - ۵۴.

بنـابراین، عمومیت این اعتقـاد در نزد همه اقوام و مـذاهب، نشـانه فطری، اصـیل و واقعی بودن انتظـار است؛ زیرا ویژگی خاص مسایـل فطری، عمومیت آن بوده و همه اینهـا نشانه آن است که عواطف و سـرشت آدمی، ظهور مصـلح عـدالت گستر را نوید داده است و این رمز وجود انتظار در نزد همه اقوام، ادیان و... می باشد.

انتظار در نزد اقوام و ملل

مسـأله عقیـده به ظهور آمـدن مصـلحی جهـانی در آخرالزمـان، امری عمومی و همگـانی است و اختصاص به هیـچ قوم و ملّتی نـدارد. ریشه این اعتقـاد علاوه بر اشتیـاق درونی و فطری که هر کسـی خواهان عـدل و برقراری نظام صـلح در سرتاسـر جهان است، نویدهای الهی در طول تاریخ بشریت به انسان های آزادیخواه است.

سیری کوتـاه در افکـار و عقایـد ملـل مختلف جهان ماننـد: مصـر باسـتان، هنـد، چین، یونان، ایرانیان باسـتان، اهالی صربسـتان، برهماییـان، اقوام آمریکـای مرکزی، اروپـای مرکزی، اسـکاندیناوی و... بیانگر این حقیقت است که همه اقوام مختلف جهان با آن همه اختلاف عقاید و اندیشه های متضادی که با هم دارند، در انتظار مصلح جهانی اند.

این افکار و عقایـد با مضـمون های مختلف از آینده درخشان و ظهور مصـلحی خبر می دهد که در واقع ریشه در فطرت انسان ها داشـته ولی در مناطق دور دستی که تابش شـعاع حقیقت در آن کمتر بوده و در اثر گذر زمان از فروغ آن کاسته شده، فقط کلیـاتی از نویـدهای مصـلح جهانی در میان ملّت ها به جای مانـده است و نشانگر عمومی بودن عقیـده به ظهور مصـلح جهانی است.(۱)

ص:۷۴

۱- ۸۳. ظهور حضرت مهدی از دیدگاه اسلام و مذاهب و ملل جهان، ص ۴۳ - ۴۵.

انتظار در ادیان

در مـذاهب و ادیان و حتی در شـبه مـذاهب از مسأله انتظار بحث بسـیاری شده است و مژده ها و بشارت های فراوانی در مورد ظهور مصـلح در آخر الزمان، مطرح گشـته است. کتب مـذهبی که از این موضوع یاد کرده اند عبارتند از: قرآن، زبور، انجیل، تورات و اوستا نامه.

این مسـأله در ادیـان آن چنـان مورد بحث قرار گرفته که به نظر می رسـد نقطه مشترک همه ادیان و مـذاهب باشـد. طرفـداران مذهب یهود، مسـیحی، زردشتی و اسـلام، مسأله انتظار و ظهور حضـرت مهدی علیه السلام را تقریباً به یک گونه مورد بررسی قرار داده اند.

بنـابراین اعتقـاد بـه دوره آخرالزمـان و انتظـار ظهـور منجی، عقیـده ای اسـت که در آیین هـای آسـمانی یهـودیت و زردشـتی، مسـیحیت و مدّعیان نبوّت و به خصوص دین مقدّس اسلام، به عنوان یک اصل مسلّم قبول شده است که اکنون به شرح و بسط هر کدام می پردازیم:

۱ – انتظار در آیین یهود

یهودیان که خود را پیرو حضـرت موسای کلیم علیه السـلام می داننـد، منتظر مصـلح موعودنـد و در آثار دینی خود، همواره به موعـود اشـاره کرده و از ظهـور پیـامبر اکرم صـلی الله علیـه وآلـه و حـوادث مربـوط به مبعث، علائـم آخرالزمـان، رجعت و نیز اشاراتی در مورد شخصیت آخرالزمان بیان نموده اند.

به هر حال چون یهودیان به حضرت مسیح علیه السلام ایمان نیاوردند، به طبع، موعود آنان هنوز ظهور نکرده است.

ص:۷۵

طبق آثار مقدّس یهود، چهره سه موعود در آنها ترسیم شده: حضرت مسیح علیه السلام، حضرت محمّدصلی الله علیه وآله و حضرت مهدی علیه السلام.

با وجود این اشارات، قوم یهود به حضرت مسیح و حضرت محمّدصلی الله علیه وآله نگرویدند، از این رو باید نسبت به مسأله انتظار موعود حسّاس و نگران باشند و به دور از سادگی و غفلت، به انتظار و آمادگی بیشتر از همگان اهمیّت داده و از ظلم و تجاوز و انسان کُشی دست بکشند.(۱)

گر چه بشارت های مذکور، همگی درست است امّا آنها حق را نپذیرفتند: نه از زبان حضرت محمّدصلی الله علیه وآله و نه از زبان حضرت مسیح علیه السلام، حتی با وجود اینکه بشارت آمدن این دو پیامبر در کتب خود یهودیان آمده امّا آنها با قبول نکردنشان در نهایت نابود خواهند شد.

یهود چه بپذیرد و چه نپذیرد؛ پس از حضرت موسی علیه السلام، حضرت عیسی علیه السلام آمد و به نسخ دین موسی که سرشار از تحریف ها شده بود پرداخت و پس از حضرت عیسی علیه السلام، حضرت محمّدصلی الله علیه وآله ظهور کرد، هر چند که بشارت آن را حضرت عیسی داده بود و از آن زمان تاکنون، تنها دینی که مبتنی بر وحی و پیامبری است؛ دین مقدّس اسلام و کتاب قرآن بود که در میان خلق است. و بشارت انبیاء الهی در مورد مهدی موعودعلیه السلام صادق است.(۲)

۲ - انتظار در آیین مسیحیّت

در کتاب مقدّس مسیحیان - انجیل - بشارات فراوان و بیشتری در مورد موعود

۱- ۸۴. خورشید مغرب، ص ۵۵ - ۵۹.

۲- ۸۵. خورشید مغرب، ص ۵۷.

آخرالزمان آمده است و علت آن یکی قرب زمان است؛ زیرا با ظهور حضرت مسیح علیه السلام زمان در مقیاس کلی، به ظهور حضرت مهدی علیه السلام نزدیک تر شده است.

علت دیگر، تحریف کمتری است که در این آثار پدیـد آمده است، این امر نیز از جهتی به زمان مربوط می شود؛ زیرا از دوره نزول و صـدور آثار مقـدّس یهود، زمان بیشتری می گـذرد تا دوره نزول و صـدور آثار مقـدّس مسـیحیت به همین دلیل میزان تحریف ها در این دین کمتر است و بشارت در مورد ظهور مصلح در کتاب آنها بسیار می باشد.(۱)

هشدار حضـرت مسـیح علیه السـلام در این زمینه بدین گونه است « بیدار باشـید زیرا نمی دانید که صاحب خانه چه زمانی می آید، در شام یا بانگ خروس یا صبح، مبادا ناگهان آمده و شما را خفته یابد»(۲)

۳ – انتظار در آیین زرتشتی

انتظار از جمله اصول مسلّم زرتشتیان است که در کتاب اوسـتا، از موعود سـخن گفته اند در این دین، موعودهایی معرفی شده اند که آنان را «سوشـیانت» می نامند. این موعودها سه تن بوده که مهم ترین آنها، آخرین شان است و او «سوشـیانت پیروزگر» خوانده شده و این سوشیانت، همان موعود اصلی است.

در واقع زرتشتیان تاریخ جهان را به چهار دوره تقسـیم می کننـد و برای هر دوره مـدت سه هزار سال قائل گردیده اند و گفته اند که: «یشت زرتشت» در آغاز دوره آخرین ظهور فرمود، پس از او سه نجات دهنده دیگر پیاپی به فواصل هزار سال خواهند آمد.

ص:۷۷

۱– ۸۶. خورشید مغرب، ص ۵۷ – ۵۸.

۲– ۸۷. انجیل مرقس، باب سیزدهم.

نخستین ایشان، کسی بوده به نام «اوشتار» که درست هزار سال پس از زرتشت پدیدار گشته و دین ایشان «اوشتار ماه» نام داشت و دو هزار سال پس از زرتشت به جهان آمد و سرانجام آخرین موعود با نام «سوشیانت» است.(۱)

«جان بی ناس» در این زمینه می نویسد:

آخرین ایشان که سوشیانت نام دارد، در رأس هزاره سوّم که آخرالزمان است، در می رسد و روزگار با او پایان می پذیرد و چون سوشیانت یا مسیح موعود ظهور کند، آخرالزمان آغاز می شود و آن روز، نشو مردگان است و مردگان بر می خیزند و زمین و آسمان از موجودات خود تهی می گردد. پس انجمن عظیم برای داوری و حساب کردار بندگان فراهم می آید و درباره هر یک از ارواح گذشته فرمان یزدانی صادر خواهد شد.(۲)

۴ – انتظار در اسلام

اسلام که آخرین و کامل ترین دین آسمانی است به مسأله انتظار مهدی موعودعلیه السلام اهمّیت خاصی داده است. و آن را بیشتر از سایر ادیان تشریح کرده است.

اعتقاد به مهدی علیه السلام در سرتاسر آفاق زمانی و مکانی اسلام، تاریخ، فرهنگ و مبانی اعتقادی آن به خصوص در قرآن کریم و تفسیرهای مربوط به این کتاب الهی و نیز در اخبار و روایات همه فرق اسلام به عنوان اصلی اساسی و قطعی، مطرح شده است.

مسأله موعود که از روزگاران قدیم در کتاب های پیامبران پیشین مطرح شده در مواردی پیامبر بعدی بود که بشارت ظهورش توسط پیامبران پیشین داده شده

۱– ۸۸. خورشید مغرب، ص ۵۳.

۲– ۸۹. تاریخ جامع ادیان، ص ۴۷۶.

و پیـامبر اسـلام خود به عنوان «پیامبر آخرالزمان»، نجات دهنـده و شـفیع و یا خاتم پیامبران، موعود شـمرده شـده است. که همه اینها مربوط به ظهور اسلام و طلعت اقدس محمّدی است امّا در سرتاسر این بشارت های رسیده از پیامبران، همواره زمزمه ها و سخنانی درباره موعود آخرین و یا موعود آخرالزمان بیان شده است.

همه این بشـارت هـا نـاظر به قیام و حرکت جهانی مصـلح و عـدالت گستری است که در امتـداد جریان دین مبین اسـلام ظهور خواهد کرد و منظور از این موعود، همان موعود نهایی و منتظر آخرین است.

بنابراین، مسأله مهـدویت و انـدیشه ظهور حضـرت مهدی علیه السـلام و انتظار او در آخرالزمان یکی از مسایل حیاتی اسـلام و اعتقادات قطعی عموم مسـلمانان است که شـیعه و سـنّی در طی قرون و اعصار پیاپی همه بر این عقیده اتفاق نظر دارند. در این مبحث ابتدا، نظری به آیات قرآن و سپس این موضوع را طبق احادیث دنبال می کنیم.

آیات انتظار

در قرآن کریم - کتـاب مقـدّس مسـلمانان شـیعه و سـنی - دربـاره حوادث آخرالزمـان و تسـلّط خوبـان و صالحان بر کل عالم هستی، گـاه به تصـریح و گاه با اشاره سـخن به میان آمـده است که این امر نشانه ریشه دار بودن این مسأله در آیات فراوانی - حدود سیصد آیه - از کلام الهی است.

از بین آیات نورانی کلام وحی، به شـرح و تفسیر چند آیه که ارتباط بیشتر و نزدیک تری با مسأله مهدویت و انتظار دارند می پردازیم.

۱ - قُلْ كُلٌّ مُتَرَبِّصٌ فَتَرَبَّصُوا فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ أَصْحَابُ الصِّرَاطِ السَّوِيِّ وَمَنْ

اهْتَدَی؛ بگو: همه در انتظارند پس در انتظار باشید. زود باشد که بدانید یاران راه راست کیانند و چه کسی راه یافته است.»(۱)

شرح آیه: کلمه «تربص» به معنـای «انتظـار» است و «صـراط سوی» به معنای راه مسـتقیم است و جمله «کل متربص.....» معنایش این است که بگو، هر یک از ما و شـما منتظریم، ما منتظریم تا وعـده ای که خدا درباره شـما به ما داده که دین خود را بر کفر شما جلو می اندازد و نور خود را تمام می کند، فرا رسد، شـما هم منتظرید تا بلاها بر سـر ما هجوم آورد و شـما بتوانید دعوت حقّ ما را باطل کنیـد. هر یک از ما و شـما راه خود را به سوی هدف خود پیش گرفته، پیش می رود. پس شـما منتظر باشـید - ایـن جملـه تهدیـد است می فرمایـد: به زودی خواهیـد فهمیـد که کـدام یکی از مـا و شـما راه درست را پیمـوده و آن صـراط مسـتقیمی که انسان را به هـدفش می رسانـد طی کرده و کدام یک به مطلوب خود راه یافته که این جمله از اخبار غیبی است که فتح و پیروزی مسلمانان را پیشگویی می کند.(۲)

ارتباط آیه با موعود منتظر

در حـدیثی که از امام موسـی بن جعفرعلیه السـلام مربوط به تفسـیر این آیه مبارکه آمـده است ارتباط آیه مـذکور با حضـرت مهدی علیه السـلام بیان شده است. حدیث چنین است: «عن ابی الحسن موسی بن جعفرعلیه السلام قال: سألت ابی عن قول اللّٰه عزّوجلّ، «فَسَـِتَعْلَمُونَ مَنْ أَصْـِحَابُ الصِّرَاطِ السَّوِیِّ وَمَنِ اهْتَدَی». قال: «الصراط السوی» هوالقائم والهدی من اهتدی إلی طاعته و مثلها فی کتاب اللّٰه عزّوجّل

ص:۸۰

۱- ۹۰. سوره طه، آیه ۱۳۵.

۲- ۹۱. تفسیر المیزان، ج ۱۴، ص ۳۶۳ - ۳۶۴.

«و إنی لَغَفّارٌ لمن تاب و آمن و عَمِلَ صالحاً ثم اهتدی - قال: إلی ولایتنا»؛

امام موسی بن جعفرعلیه السلام فرموده اند: درباره این آیه شریفه از پدرم امام صادق علیه السلام پرسیدم: او فرمود: (صراط سوی = راه میانه) همان حضرت قائم علیه السلام است و هدایت مربوط به کسی است که به طاعت او راه یافته باشد و مانند همین است در کتاب خدای عزّوجلّ که می فرماید: به راستی من بر کسی که توبه کند و ایمان آورد و عمل صالح انجام دهد سپس هدایت شود، بسیار آمرزنده ام.»(۱) یعنی به سوی ولایت ما هدایت شود.»(۲)

علی بن ابراهیم قمی در کتاب خویش، حدیثی ذیل همین آیه شریفه نقل می کند. ایشان چنین می نویسد:

«و اما قوله: «قُلْ كُلٌّ مُتَرَبِّصٌ فَتَرَبَّصُوا» أی انتظروا أمراً (فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ أَصْحَابُ الصِّرَاطِالسَّوِيِّ وَمَنِ اهْتَدَى) قال ابوعبداللّٰه: نحن واللّٰه سبیل الذی أمراللّٰه بِأتبّاعه و نحن واللّٰه الصراط المستقیم و نحن واللّٰه الذین أمراللّٰه العباد بطاعتهم فمن شاءَ فلیأخذ من هنا و من شاء فلیأخذ من هناك لایجدون واللّٰه عنا محیصاً.

امّا بعد از قول خداوند «کُلٌّ مُتَرَبِّصٌ فَتَرَبَّصُوا؛ منتظر امری باشید، آمده است» به خدا قسم ما همان راهی هستیم که خداوند به پیروی از آن امر فرموده، به خدا قسم ما همان راه مستقیم هستیم، به خدا قسم کسانی هستیم که خداوند بندگانش را به اطاعت

۱- ۹۲. سوره طه، آیه ۸۲.

۲- ۹۳. تأویل الایات الظاهره، ج ۱، ص ۳۲۳، ح ۶؛ و نیز در: البرهان فی تفسیرالقرآن، ج ۳، ص ۵۱، ح ۱۰.

از آنان امر کرده پس هرکس بخواهد، از این جا بگیرد (از ما تبعیت کند) و هرکس که بخواهد از جای دیگر بگیرد، به خدا سوگند [در این صورت هیچ بهره ای از ما نخواهد برد.(1)

۲ - آیه دیگری که در آن از انتظار سخن گفته شده عبارت است از:

«وَيَقُولُونَ لَوْلَا أُنْزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَقُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ».

و می گویند: «چرا معجزه ای از جانب پروردگارش بر او نازل نمی شود، بگو غیب فقط به خدا اختصاص دارد. شما هم منتظر باشید من هم با شما از منتظرانم.»(2)

در این آیه قرآن به ذکر بهانه جویی های مشرکان، به هنگام سرباز زدن از ایمان و اسلام می پردازد و می گوید: مشرکان چنین می گویند: که چرا معجزه ای از ناحیه خدا بر پیامبر نازل نشده است البته با توجه به قراینی منظور آنها، هر گونه معجزه ای نبود. زیرا به طور قطع پیامبر علاوه بر قرآن، معجزات دیگری نیز داشته است و تاریخ اسلام گواه بر این حقیقت است، بلکه منظور آنها، این بوده که با پیشنهاد معجزه ای به میل خود هر چه زودتر آن را انجام دهد.

آنها چنین می پنداشتند که اعجاز امری اختیاری است که هر وقت و هر گونه اراده کند، می تواند انجام دهد و علاوه بر این موظف است از این نیروی خود در برابر هر مدّعی لجوج و بهانه جو استفاده کند و طبق میل او عمل نماید.

از این رو بلافاصله به پیامبر چنین دستور می دهد که به آنها بگو معجزه

ص:۸۲

۱- ۹۴. تفسیر القمی، ج ۲، ص ۶۷.

۲- ۹۵. سوره یونس، آیه ۲۰.

مخصوص خداونـد مربوط به جهـان غیب و مـاوراء طـبیعت است پس چیزی نیست که در اختیـار من باشـد و من بر طبق هوس های شما هر روز معجزه تازه ای انجام دهم و بعد هم با معذرت خواهی، از ایمان آوردن خودداری کنید.

در پایان آیه با بیانی تهدیـدآمیز به آنها می گوید: اکنون که شـما از لجاجت دست بر نمی دارید، در انتظار باشـید و من هم با شمـا در انتظـارم. شـما در انتظار مجازات الهی باشـید و من هم در انتظار پیروزی خود و یا اینکه شـما در انتظار چنین معجزاتی باشید و من هم در انتظار مجازات شما افراد لجوج هستم.

کلمه غیب، در جمله «إنَّمـا الغیب للَّه» ممکن است اشـاره به این باشـد که معجزه امری مربوط به عـالم غیب و خـارج از اختیـار است. و با اشاره به این مطلب است که مصالح امور و این که در چه موردی حکمت ایجاب نزول معجزه را می کند جزء اسرار غیب بوده و خداوند هر مورد را که صـلاح بداند و طالب معجزه را جویای حقیقت ببیند. معجزه را نازل می کند. زیرا که غیب و اسرار نهان مخصوص ذات پاک اوست.(۱)

ارتباط آیه با مهدی منتظَر

به منظور دریـافت مفهوم واقعی آیه و درک ارتباط آن با «حضـرت مهـدی علیه السـلام» به ذکر حـدیثی از بیان صادقانه رئیس مذهب شیعه امام جعفر صادق علیه السلام که در تفسیر این آیه شریفه فرموده شده اشاره می کنیم:

عن یحیی بن القاسم قال: سألتُ الصادق علیه السلام من قول اللَّه عزّوجلّ: (الم

ص:۸۳

۱- ۹۶. تفسیر نمونه، ج ۸، ص ۲۵۴ - ۲۵۵.

ذَ لِـٰکَ الْکِتَبُ لَا رَیْبَ فِیهِ هُـدًی لِّلْمُتَّقِینَ الَّذِینَ یُؤْمِنُونَ بِالْغَیْبِ وَیُقِیمُونَ الصَّلَوهَ وَ مِمَّا رَزَقْنَهُمْ یُنفِقُونَ) فقال: المتقون شیعه علی والغیب هوالحجه القائم الغائب و شاهد ذلک: قول اللّه عزّوجلّ: «وَیَقُولُونَ لَوْلَا أُنْزِلَ عَلَیْهِ آیَهٌ مِنْ رَبِّهِ فَقُلْ إِنَّمَا الْغَیْبُ لِلَّهِ ِ فَانْتَظِرُوا إِنِّی مَعَکُمْ مِنْ الْمُنْتَظِرِینَ».

«یحیی بن قاسم گویـد: از امام صادق علیه السـلام درباره فرموده خـدای عزّوجل: «الم، این است کتابی که در حقانیت آن هیچ تردیدی نیست و مایه هدایت تقوا پیشگان است.»(۱) پرسیدم امام فرمود: «متقین در این آیه، شیعیان علی هستند و غیب همان حجّت قائم است و شاهـد بر این مـدّعا فرموده خـدای متعال است. در این آیه که می فرمایـد: «... و کافران گویند: چرا آیت و نشانه ای از پروردگارش بر او نازل نمی شود، پس بگو: همانا غیب مخصوص خداست پس منتظر باشید که من نیز از منتظرانم.»(۲)

از آنچه بیان شـد، معلوم می شود که اشاراتی به طور غیر مستقیم در قرآن کریم در مورد حضـرت مهـدی علیه السـلام آمـده است.

۳ - آیه دیگری که به مهـدی منتظَر و انسان منتظِر اشاره می کنـد و طبق حدیث امام معصوم علیه السـلام رازهایی در این زمینه به انسان های آگاه تعلیم داده شده است چنین است:

«یَوْمَ یَأْتِی بَعْضُ آیَاتِ رَبِّکَ لَا یَنفَعُ نَفْساً إِیمَانُهَا لَمْ تَکُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ کَسَبَتْ فِی إِیمَانِهَا خَیْراً قُلْ انتَظِرُوا إِنَّا مُنتَظِرُونَ»؛

آن روز که آیات و نشانه های پروردگارت تحقق پذیرد، کسی که قبلاً ایمان

۱- ۹۷. سوره بقره، آیه ۱ - ۲.

۲- ۹۸. تفسیر نور الثقلین، ج ۱، ص ۳۱، ح ۱۲.

نیاورده یا خیری در ایمان آوردن خود به دست نیاورده ایمان آوردنش سود نمی بخشد. بگو: «منتظر باشید که ما هم منتظریم.»(۱)

اتمام حجّت بر مشرکان و فرستاده شدن کتاب آسمانی یعنی قرآن، باعث شده، هیچ گونه بهانه ای برای توجیه مخالفت های آنها وجود نداشته باشد.

آیه مورد بحث به سر سختی افراد لجوج تا آن حد که مانع از اثر پذیری آنان در قبال برنامه روشن الهی است. اشاره می کند و بیان می دارد که گویا آنها در انتظار نابودی خویش یا از میان رفتن آخرین فرصت و یا امر محالی هستند و انتظار ندارند که فرشتگان مرگ، سراغشان بیایند یا اینکه پروردگارت به سراغ آنها بیاید و ایمان بیاورند. در حقیقت آنها در انتظار امر محالی هستند.

سپس می گوید: یا اینکه بعضی از آیات الهی که در آستانه رستاخیز واقع می شود و به دنبال آن درهای توبه بسته شود، انجام گیرد. آن روز ایمان آوردن افراد بی ایمان پذیرفته نخواهد شد؛ زیرا توبه و ایمان صورت اجباری و اضطراری به خود می گیرد.(۲)

در پایان آیه با لحنی تهدیدآمیز به افراد لجوج گفته شده که اکنون که شما چنین انتظاری را دارید، در انتظار خویش بمانید و ما هم در انتظار کیفر دردناک شما خواهیم بود.

ارتباطی که بین آیه مذکور و انتظار منتظران وجود دارد را از حدیثی که ابوبصیر از امام جعفر صادق علیه السلام نقل کرده است، درمی یابیم:

«قال جعفربن محمّدالصادق علیه السلام فی قول اللّه عزّوجلّ: «یَوْمَ یأتِیَ بَعْضُ آیاتِ رَبِّکَ لایَنْفَعُ نفساً ایمانُها لمْ تَکُنْ آمَنتْ من قَبْل أوْ کَسَبَتْ فی ایمانِها

ص:۸۵

۱- ۹۹. سوره انعام، آیه ۱۵۸.

۲- ۱۰۰. تفسیر نمونه، ج ۶، ص ۴۵ - ۴۷.

خیراً.» یعنی خروجُ القائم المنتظر مِنا ثُمَّ قالَ: یا اباَبَصیر: طوبی لِشیعَهِ قائمنا المنتظرین لِظُهوره فی غَیبَتِهِ والمُطیعینَ لَه فی ظُهوره.

اولئک اولیاء اللّه الذین لاخوفٌ عَلَیهِم ولاهم یَحْزَنون»؛

ابوبصیر می گوید: حضرت امام جعفر صادق علیه السلام درباره همین آیه شریفه فرمود: «منظور از آن روز در این آیه شریفه، روز خروج قائم علیه السلام آن انتظار کشیده شده از ماست.» سپس فرمود: «ای ابابصیر! خوشا به حال شیعیان قائم که در زمان غیبت او منتظر ظهورش باشند و در زمان ظهورش از او اطاعت نمایند که ایشان اولیای خدایند که هیچ ترسی برایشان نیست و حزن و اندوهی نخواهند داشت.» (۱)

در روایتی از امام جعفر صادق علیه السلام در تفسیر این آیه آمده است که ایشان فرموده اند: «الایاتُ هُم الأئمه والایه المنتظره القائم علیه السلام فیؤمئذٍ لاینفع نفساً ایمانها لَمْ تکُنْ آمَنَتْ من قبل قیامه بِالسّیف وَ إن آمَنَتْ بِمَنْ تَقَدَّمه مِنْ آبائه.

آیات در این آیه، ائمه علیهم السلام هستند و آن آیت مورد انتظار، قائم علیه السلام است. روزی که قائم علیه السلام با شمشیر قیام کند، ایمان آوردن آن کسان که از پیش به او ایمان نداشته اند، آنان را سودی نخواهد داشت، گر چه آنان به امامان پیش از او، ایمان داشته باشند.(۲)

۴ – آیه دیگری که با منتظر موعود مرتبط است آیه مشهور زیر است:

«بَقِیَّهُ اللَّهِ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنتُمْ مُؤْمِنِینَ»

باقیمانده خدا، (ذخیره الهی)، اگر مؤمن باشید. برای شما بهتر است.»(۳)

«بقیه» به معنی باقی مانده است و مراد از آن سودی است که به فروشنده

۱– ۱۰۱. کمال الدین، ج ۱، ص ۳۹، ح ۵۴. و نیز در: تفسیر نورالثقلین، ج ۲، ص ۲۰۹، ح ۹۴.

۲– ۱۰۲. العروی الحویزی، پیشین، ج ۱، ص ۷۸۱، ح ۳۵۶.

۳– ۱۰۳. سوره هود، آیه ۸۶.

می رسـد، یعنی آنچه پس از پایـان معـامله برای انسان باقی مانـد و آن را در راه حوائـج خود خرج می کنـد. پس مراد آیه این است که منظور سود و ثروتی است که از راه ظلم و اسـتثمار دیگران به دست می آید باعث بی نیازی شـما نیست، بلکه سرمایه حلالی که برای شما باقی می ماند - هر چند کم و اندک باشد - ایمان به خدا و دستورش برای شما بهتر است.

تعبیر «بقیه اللَّه» یا به خاطر آن است که سود حلال و انـدک چون به فرمان خـداست، «بقیه اللَّه» است و یا اینکه تحصـیل حلال باعث دوام نعمت های الهی و بقای برکات می شود و اشاره به پاداش های معنوی است که تا ابد باقی می ماند.(۱)

در روایات متعددی می خوانیم که «بقیهاللَّه» تفسیر به وجود مهدی موعود شده است که به چند نمونه از آن اشاره می کنیم:

۱ - مردی از امـام جعفر صـادق علیه السـلام دربـاره قـائم پرسـید که آیا او را می توان هنگام سـلام دادن، امیرالمؤمنین خطاب کرد؟ امام صادق علیه السـلام فرمودنـد: نه این اسـمی است که خدا به امیرالمومنین داده است. پرسـیدم: فدایت شوم، به هنگام سلام دادن به او چه بگوییم.

امام صادق علیه السـلام فرمود: همه بایـد بگویند: «السـلام علیك یا بقیهاللَّه» سـپس امام این آیه را تلاوت کرد: «بقیت اللَّه خیرٌ لکم إن کنتم مؤمنین.»(۲)

۲ - حدیثی در این زمینه از مولی الموحدین حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده

۱- ۱۰۴. تفسیر نمونه، ج ۹، ص ۲۰۴.

۲- ۱۰۵. تفسیر نورالثقلین، ج ۲، ص ۳۹۰، ح ۱۹۰: حدثنی اسحق بن ابراهیم عن ابی عبداللَّه قال: مسأله الرجل عن القائم یسلیم علیه بأمره المومنین؟ قال: لا ذاک اسم سـمی اللَّه به أمیرالمؤمنین علیه السلام قلت جعلت فداک کیف یسلم؟ قال یقولون السلام علیک یا بقیه اللَّه، ثم قرأ: «بقیهاللَّه خیرٌ لکم إن کنتم مومنین».

امام علی علیه السلام در کلام خویش منظور از بقیهاللَّه را به خوبی روشن نموده انـد ایشان می فرمایند: «بقیهاللَّه یعنی المهدی الذی یأتی عند انقضاء هذه النظره. فیملاءُ ألارض قسطاً و عدلاً کما ملئت ظلماً و جوراً: بقیهاللَّه یعنی مهدی که پس از گذشتن این دوره خواهد آمد و زمین را از قسط و عدل پر خواهد کرد، همان گونه که از ظلم و جور پر شده باشد.»(۱)

۳ – امام محمّدباقرعلیه السلام در حدیثی سخن از قائم علیه السلام به میان آورده اند، ایشان می فرمایند: «اوّل ماینطق به القائم علیه السلام حین خرج، هذه الایه: «بقیهُ اللَّه خیرلکم ان کنتم مومنین» ثم یقول أنا بقیهاللَّه و حجته و خلیفته علیکم فلاسلّم علیه یسلّم إلاـ قال: السلام علیک یا بقیهاللَّه فی أرضه ،هنگامی که قائم خروج کند، پس نخستین سخنی که می گوید، این آیه است: «بقیت اللَّه خیرلکم ان کنتم مؤمنین» سپس می گوید: من باقی مانده خدا و حجّت اویم و خلیفه خدا هستم در میان شما. آن گاه هر مسلمانی که سلام دهد. گوید: السلام علیک یا بقیه اللَّه فی أرضه...(۲)

۴ – همچنین در احادیث آمده است که حضرت امام محمّد باقرعلیه السلام فرموده اند: إنَّ العلم بکتاب اللَّه عزّوجلّ و سنّه نبیّه لینبتُ فی قلبِ مهدینا کَما ینبتُ الزَّرع عَلی أحسنِ نَباتِهِ، فَمَنْ بَقِیَ منکم حتّی یَراه فَلْیَقُل حین یراه السلام علیکم یا أهل بیت الرّحمهِ و النُّبُوه و معدن العلم و موضع الرساله السلام علیک یا بقیه اللَّه فی ارضه.»

علم به کتاب خدا و سنت پیامبر در قلب مهدی ما می روید چنان که بهترین و شاداب ترین گیاهان می رویند هر کس از شما باقی ماند و مهدی را ملاقات کند به

۱– ۱۰۶. همان، ج ۲، ص ۳۹۲، ح ۱۹۵.

۲– ۱۰۷. تفسیر الصافی، ج ۲، ص ۴۸۶.

او این گونه سلام بدهد «درود بر شما ای خاندان رحمت و نبوّت» و ای ذخیره گاه های علم و ای پایگاه های رسالت، درود بر تو ای ذخیره الهی ای بقیه اللّه.»(۱)

آیه پنجم، «وَ لَقَدْ کَتَبْنَا فِی الزَّبُورِ مِن بَعْدِ الذِّکْرِ أَنَّ الْأَرْضَ یَرِثُهَا عِبَادِیَ الصَّلِحُونَ به تحقیق در زبور، از پس ذکر (تورات) نوشته ایم که سرانجام زمین را بندگان شایسته ما به ارث خواهند برد.»(۲)

آیه یاد شده درباره استیلای خوبی و خوبان بر جهان و حکومت یافتن صالحان سخن می گوید.

۱ - در حدیثی از امام باقرعلیه السلام خوبان چنین معرفی شده اند:

«هُم اصحاب المهدی فی آخرالزمان، این بندگان شایسته که وارثان زمین هستند، اصحاب مهدی در آخرالزمان می باشند.»(۳)

۲ - حدیثی که شیعه و سنی از پیامبرصلی الله علیه وآله نقل کرده اند که بر فرمایش امام محمّدباقرعلیه السلام دلالت دارد. نبی مکرّم اسلام چنین می فرمایند:

«لَوْ لَمْ یبق من الدنیا إلا یوم واحدُ لطَوَّل اللّه ذلک الیوم حتی یبعث رجلًا صالحاً مِنْ أهل بیتی یملأالارض عدلاً و قسطاً کَما مُلِئت ظلماً و جوراً.»

اگر از عمر دنیا باقی نماند مگر یک روز خداوند همان یک روز را آن قدر دراز کند تا مردی صالح از اهل بیت من، برانگیزد و او جهان را همان گونه که از جور و ستم لبریز شده باشد، از داد و دادگری لبریز سازد.»(۴)

علی بن ابراهیم قمی در کتاب خویش در مورد این آیه چنین می نویسند:

۱- ۱۰۸. بحارالانوار، ص ۳۱۷، ح ۱۶.

۲- ۱۰۹. سوره انبیاء، آیه ۱۰۵.

۳- ۱۱۰. مجمع البیان، ج ۷،ص ۱۲.

۴- ۱۱۱. همان، ج ۷، ص ۱۲۰. و نیز: تفسیر نورالثقلین، ج ۳، ص ۴۶۴، ح ۱۹۳.

«وَ لَقَدْ كَتَبنا فی الزبور من بعد الذكر، همه كتاب های آسمانی ذكر نامیده می شود. (وَ أنَّ الارض یرثُها عبادی الصالحون). یعنی قائم و اصحاب او.»(۱)

انتظار ظهور مهدی علیه السلام در روایات پیامبراكرم و اهل بیت علیهم السلام

حضرت مهدی علیه السلام موعود همه ادیان آسمانی و محبوب همه انبیاء و اولیاء الهی است ظهور ظفر آفرین و پر سرورش را همگان بشارت داده و چشم انتظار قدوم مباركش می باشند كه این موضوع را از روایات و احادیث متواتری(۲) كه در این زمینه از پیامبر اكرم صلی الله علیه وآله و امامان معصوم علیهم السلام به دست رسیده، می توان دریافت.

بر این اساس، كثرت احادیث و روایات درباره حضرت مهدی علیه السلام، در كتاب ها و اسناد عالمان مذاهب اسلامی، به حدّی است كه كمتر به آن اندازه درباره

---

۱ - ۱۱۲. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۷۷: وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِی الزَّبور من بَعْدِ الذِّكْر، قال: الكتب كلها ذكر و أنَّ الأرضَ یَرِثُها عِبَادِیِ الْصَالِحُون، قال: القائم و اصحابه.

۲ - ۱۱۳. به منظور شرح اصطلاح حدیثی «متواتر» لازم است معنی لغوی «متواتر»را بدانیم: متواتر یعنی پی در پی آمده، اسم فاعل از مصدر «تواتر» از باب تفاعل ؛یعنی پی در پی آمدن. متواتر از اصطلاحات علم الحدیث است بدین معنا كه اگر خبر یا حدیثی به وسیله افراد زیادی، نقل شده كه معمولاً هم آهنگی و اتفاق آنان بر دروغ ممكن نیست، این قسم از خبر را متواتر گویند. بدین گونه می توان «تواتر» را حدیث ثابت و قطعی نامید كه در هر نسل روایی و حدیثی راویان بسیار داشته و در كتب بسیار روایت شده است و به وسیله محدثان و مشایخ روایت، سینه به سینه از نسلی به نسل دیگر رسیده است و ثبوت و صدور آن از پیامبراكرم و یا ائمه طاهرین علیهم السلام قطعی است. «ر.ك. كاظم مدیر شانه چی، علم الحدیث و درایه الحدیث، چ پنجم» {قم: دفتر انتشارات اسلامی، (۱۳۷۲} ص ۳۴ - ۳۵.

موضوعی دیگر، حدیث رسیده است و فراوانی و گوناگونی راویان آن در طُرق روایی اهل شیعه و سنت» به خوبی چشمگیر بوده تا آن حدّ که دانشمندان اهل حدیث به متواتر بودن احادیث مرتبط با «عقیده به حضرت مهدی علیه السلام و انتظار ظهور او» تصریح کرده اند.

انتظار از دیدگاه تشیّع

وجود عقیده به مصلح جهانی حضرت مهدی علیه السلام به خصوص در میان شیعیان از جمله اعتقادات بنیادی محسوب شده و در میان همه مذاهب اسلامی، شیعیان بیش از همه با این عقیده شناخته شده اند حتی برخی از افراد ناآگاه و معاند کوشیده اند تا این عقیده را از مذهب شیعه محصور کنند ولی، عقیده به ظهور حضرت مهدی علیه السلام هرگز مختص شیعه نبوده و نیست و اغلب فرق اسلامی در این عقیده با هم هماهنگ اند و مدافع آن نیز می باشند.

انتظار از اعتقادات بنیادی و تردید ناپذیر شیعه است؛ زیرا مهدی علیه السلام، فاطمی است؛ یعنی از فرزندان حضرت زهراعلیها السلام و فرزند یازدهمین امام شیعه - امام حسن عسکری علیه السلام و دوازدهمین وصی است. علاوه بر آن در روایات اسلامی چه در احادیث نبوی و چه در سخنان گرانبهای امامان معصوم علیهم السلام در مورد ظهور او و نیز وصف شخصیتش با اوصاف قُرَشی، هاشمی، فاطمی، علوی، حسنی، حسینی، سخن گفته شده و نوید ظهور مبارک آن حضرت، سال ها پیش از ولادت با سعادت او از زبان پاک آنان برای امّت اسلامی بازگو شده است. از نظر تشیّع، مسأله پر اهمیّت اعتقاد به ظهور حضرت مهدی و انتظار او در ردیف وقوع قیامت و تکذیب

و تصـدیقش در ردیف تکـذیب و تصدیق رسول اکرم صـلی الله علیه وآله است که در احادیث نقل شده از رسول خدا، به آن اشاره می کنیم.

بنابراین شـیعیان معتقدند که «مهدی موعود» سـرّی از اسـرار حق و رازی از رازهای نهفته خدا و آخرین برگزیده الهی است که پس از طی شدن دوران غیبت و عصر انتظار، ظهور می نماید و او حجه اللّه، خلیفه اللّه و بقیهاللّه است.

انتظار از دیدگاه اهل سنّت

مقدمه

عقیده به ظهور مبارک حضـرت مهدی علیه السـلام به قدری ریشه دار و با اهمّیت است که از دیدگاه اهل سنّت نیز مانند شیعه از جمله ضـروریّات دین مبین اسلام به شمار می رود. در این باره ما علاوه بر نقل حدیث از منابع شیعی، احادیثی نیز طبق منابع اهل سنّت نقل می کنیم.

۱ – پیامبر و انتظار ظهور

تجلّی و کاربرد گلواژه پر مفهوم «انتظار» در کلام رسول خدا، حکایت از عظمت این امر مقدّس دارد. ایشان می فرمایند:

«سَلوا اللّه من فضله فإنّ اللّه یُحِبُّ أن یُسْئَل. و اَفضَلُ العباده انتظار الفرج: فضل الهی را درخواست کنید زیرا که خداوند دوست می دارد که از او مسئلت کنند و بالاترین (پر فضیلت ترین) عبادت، انتظار فرج است.»(۱)

در این زمینه در حدیثی دیگر از نبی مکرّم اسلام صلی الله علیه وآله چنین آمده است:«أفضَلُ

۱- ۱۱۴. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۲، ح ۱۱.

أعمال أمتی انتظارُ الفَرَج: برترین عمل امّت من، انتظار فرج است.»(۱)

علاوه بر «افضل الاعمال» و «افضل العباده» نامیدن انتظار فرج، تعبیر «عباده» در مورد آن نیز به کار رفته است آنجا که می فرمایند: «انتظار الفرج عباده: انتظار فرج عبادت است.»(۲)

مراد از انتظار هرگز سکوت در برابر ظالمان و حاکمان ستم پیشه نیست بلکه به معنای آمادگی و تهیه مقدمات ظهور به منظور ظلم ستیزی است و با عمل و اقدامات لازم است که انتظار فرج، انتظار قدرت اسلام می باشد. علاوه بر احادیث یاد شده، قبلاً متذکّر شده ایم که از نظر تشیّع، عقیده به ظهور حضرت مهدی علیه السلام و انتظار ایشان در ردیف تصدیق رسول خدا و انکار او، انکار رسول خدا است. به یک نمونه حدیث از رسول خدا در این زمینه اشاره می کنیم:

«مَنْ أنکر القائم مِنْ وُلدی، فَقَدْ أنکَرَنی: هر کس که قائم از فرزندان مرا انکار کند، به راستی که مرا انکار کرده است.»(۳) در این باره علمای اهل سنّت، از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه وآله روایت کرده اند که آن حضرت فرمود:«مَنْ کَذَّبَ بالمَهدی، فَقَدْ کفر: هر کس مهدی را انکار کند، به راستی کافر است.»(۴)

به منظور بیان اهمیّت مسأله ظهور حضرت مهدی علیه السلام در بین کتب روایی اهل سنت، به یک حدیث دیگر اشاره می کنیم.

امام احمد بن حنبل، در کتاب «مسند» خود، از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله نقل می کند که

۱- ۱۱۵. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۲، ح ۲.
۲- ۱۱۶. بحارالانوار،ج ۵۲، ب ۲۲، ص ۱۲۲، ح ۳.
۳- ۱۱۷. بحارالانوار، ج ۵۱، ب ۱، ص ۷۳، ح ۲۰.
۴- ۱۱۸. تحفه الأحرزی، ج ۶، ب ۴۴، ص ۴۰۲، ح ۲۳۳۱.

فرمود: «أبشركم بالمهدی يبعث فی أمَّتی عَلَی اختِلاف من الناس و زلازل فَيملأ الأرض قسطاً و عدلاً كَما ملئت جوراً و ظلماً يرضی عنه ساكن السماء و ساكن الأرض يقسم المال صحاحاً فقال له الرجل: ماصحاحاً.

قال: بالسويهِ بين الناس.

قال: و يملأ اللَّه قلوب أمَّه محمّد غِنیً و يَسَـعهم عدله حتی يأمُرَ منادياً فَينادی فيقول: من لَه فی مالٍ حاجَهً. فما يقوم من الناس إلا واحد رجل فيقول انا، فيقول انت السدان. يعنی الخازن. فقل له: إنّ المهدی يأمرك أنْ تعطيَنی مالاً فيقول له: إحت حتّی إذا جَعَله فی حجره و أبرزهُ ندم فيقول كنت اجشع أمّه محمّد نفساً أو عجز غنی ما وسعهم.

فَيُرَدَّه فلايقبل منه.

فيقال: إنا لا ناخذ شيئاً أعطَيْناه.

شما را به ظهور مهدی عليه السلام بشارت می دهم، او در ميان امّت من برانگيخته می شود، ظهور او پس از اختلاف زياد و تزلزل و عدم امنيّت خواهد بود. پس از ظهور، زمين را پر از عدل و داد می كند، همان گونه كه از ظلم و جور پر شده است. ساكنان زمين و آسمان از او راضی می شوند و او اموال را به طور صحيح تقسيم می كند.

مردی پرسيد، معنی «به طور صحيح» چيست؟

سپس فرمود: خدا دل های پيروان محمّد را پر از بی نيازی می كند و عدالت مهدی، همه جا را فرا می گيرد تا آنجا كه دستور می دهد «كسی با صدای بلند اعلام كند: هر كس نياز مالی دارد برخيزد» هيچ كس اظهار نياز نمی كند جز يک نفر، امام دستور می دهد نزد خزينه دار برود و به او بگويد: مهدی به تو فرمان می دهد كه مالی

در اختیار من قرار دهی. او نزد خزینه دار می رود و می گوید: بگیر و دامن او را پر از پول می کند، چون مال در اختیار او قرار می گیرد پشیمان می شود که چرا آزمند و حریص شده است. لذا مال را بر می گرداند ولی خزینه دار نمی پذیرد و می گوید: ما آنچه را که بخشیدیم، پس نمی گیریم.»(۱)

۲ – امام علی علیه السلام و انتظار ظهور

در کلام مولی الموحدین حضرت علی علیه السلام از انتظار، چنین سخن به میان آمده است. حضرتش می فرمایند: «إنتَظِروا الفَرَج ولاتَیأسوا مِن روح اللّه فإنّ أحَبَّ الأعمالِ الی اللّه عزّوجلّ انتظار الفَرَج، «انتظار فرج داشته باشید و از لطف و رحمت خدا ناامید نباشید که محبوب ترین اعمال نزد پروردگار انتظار فرج است.»(۲)

در این حدیث مبارک، انتظار نه تنها عمل بلکه دوست داشتنی ترین عمل نزد پروردگار شمرده شده است و این بیان نورانی تحلیل درست از انتظار ظهور یعنی عملی بودن آن را نشان می دهد نه اینکه فقط به داشتن حالت قلبی انتظار، اکتفا شود. از این روست که چنین اجر والایی برای انسان منتظر در نظر گرفته شده است. این علوّ مرتبت را در حدیثی دیگر از امام علی علیه السلام می توان دریافت:

«المُنتَظِرُ لأمرنا کالمُتَشَحِّطِ بِدمه فی سبیل اللّه: منتظر امر ما، همچون سردار به خون تپیده در راه خداست.»(۳)

۳ – امام حسین علیه السلام و انتظار ظهور

عن حسین بن علی علیه السلام: «لَهُ غیبَةٌ یَرْتَدُّ فیها قومٌ و یُثَبِّتُ عَلَی الدّین آخَرون.

۱– ۱۱۹. سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۶۷، ح ۴۰۸۵.

۲– ۱۲۰. بحارالانوار، ج ۵۲، ب ۲۲، ص ۱۲۳، ح ۷.

۳– ۱۲۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ب ۲۲، ص ۱۲۳، ح ۷.

فَیُؤْذَنُ و یقـالُ لَهُم: مَتی هَـذْا لوَعْـد إنْ کُنْتُم صادقین؟ أما إنّ الصّابِرَ فی غَیبته علی الاذی و التکـذیب بِمَنْزِلَهِ المُجاهِـد بَیْنَ یَـدَی رسول اللّه.

حضـرت حسـین بن علی علیه السـلام – در زمینه عصر غیبت و منتظران دوران انتظار چنین می فرمایند: «برای او غیبتی است که گروهی از دین بر می گردنـد و گروهی ثابت قـدم می مانند به ثابت قدمان گفته می شود اگر راست می گویید چه زمانی این وعـده تحقق می پـذیرد؟ آگـاه باشـید که بردبـاران در عصـر غیبت در مقابل آزار و تکـذیب هماننـد مجاهـدان و جنگجویانی هستند که در حضور رسول خدا شمشیر زده اند.»(۱)

طبق حـدیث مـذکور، ویژگی اصـلی منتظران عصـر غیبت، ثبات قدم است و اجر بردباران عصـر غیبت در قبال ظلم های زمانه، برابر با مجاهدان عصـر رسول اللّه مطرح شده و این تعبیر، نشانه علوّ مقام افرادی است که در انتظار قدوم امام منتظَر خویش می باشند.

۴ – امام سجادعلیه السلام و انتظار ظهور

سخـن از «انتظـار و منتظران» در حـدیث چهـارمین امـام نیز آمـده است. عن علی بن الحسـین علیه السـلام: إنّ أهـل زمـانِ غَیبَتِهِ القـائلینَ بِإمـامَتِه، المُنتظرین لِظُهورِهِ أفضـلُ مِنْ أهـل کُـلِّ زمـانٍ لإنّ اللّه تبـارک و تعالی أعطاهُم مِنَ العُقولِ والأفهام وَالمعرفه، صـارَت بِـه الغَیبَهُ عِنْـدَهُم بِمَنزِلَه المُشاهَـدَهِ و جَعَلَهُم فی ذلـک الزَّمـانِ بِمَنزِلَهِ المُجاهِـدینَ بَیْنَ یَـدیِ رسـول اللّه بالسّـیف اولئک المُخْلصونَ حَقاً و شیعتُنا والدُّعاءِ إلَی اللّه سرّاً و جَهْراً و قال: انتظار الفرج مِن أَعْظَم الفَرَج.

ص:۹۶

۱– ۱۲۲. بحارالانوار، ج ۳۶، ص ۳۸۵، ح ۶.

امام سجادعلیه السلام می فرمایند: «آنان که در عصر غیبت زندگی می کنند و عقیده به امامت حضرت مهدی دارند و در انتظار ظهور آن حضرت به سر می برند از مردم هر عصر و روزگاری برتر و بالاترند. زیرا که خداوند به آنها عقل و درک و معرفت به اندازه ای عطا فرموده که عصر غیبت برای آنان مانند عصر حضور امام است. خداوند آنان را در آن زمان مانند مجاهدان صدر اسلام که با شمشیر در رکاب حضرت رسول می جگیدند قرار داده است. آنان در حقیقت برگزیدگان مخلص و شیعیان راستین ما و دعوت کنندگان مردم به سوی خدا در نهان و آشکار هستند و نیز فرمودند انتظار فرج از جمله بزرگترین فرج است.»(۱)

علوّ مقام منتظران عصر غیبت و بهره مندی آنان از عقل تا حدّی است که دوران غیبت، همچون عصر حضور ولی زمان است و اجر مجاهدان صدر اسلام را دارد و کلام امام معصوم علیه السلام بهترین مدّعاست.

۵ - امام باقرعلیه السلام و انتظار ظهور

عن الباقرعلیه السلام: «ما ضَرَّ مَنْ ماتَ منتظراً لأمْرِنا ألّا یموتَ فی وَسط فسطاط المهدی و عسکره»

«کسی که در حال انتظار فرج بمیرد و در میان خیمه حضرت مهدی و جمع لشکریان آن حضرت از دنیا نرود ضرری نکرده است.»(۲)

۱- ۱۲۳. بحارالانوار، ج ۳۶، ص ۳۸۷، ح ۱، و نیز در: طبرسی، احتجاج، ج ۲، ص ۱۵۲، ح ۱۸۸.

۲- ۱۲۴. اصول کافی ج ۱، ص ۳۷۲، ح ۶.

افتخار حضور در خیمه امام مهدی علیه السلام عنایتی است که فقط شامل حال منتظران واقعی امام می شود؛ امّا اگر قبل از این که به این افتخار دست یابد از دنیا برود ضرر نکرده است.

در حدیث دیگری از امام باقرعلیه السلام پاداش آنان که دارای سوز انتظارند، این گونه بیان شده است: «إعْلَموا أنَّ المنتظِرَ لِهذا الأمْرِ لَهُ مثلُ أجْرِ الصّائمِ: بدانید که منتظر ظهور حضرت مهدی پاداشی دارد همانند پاداش کسی که روزها،روزه دار و شبها متهجّد و شب زنده دار است.»(۱)

تساوی اجر انسان منتظر با روزه دار و شب زنده دار، حکایت از اجر فراوان فرد دلباخته امام عصرعلیه السلام دارد.

۶ - امام صادق علیه السلام و انتظار ظهور

تشبیه منتظران امام، به افرادی خاص، در کلام صادقانه امام صادق علیه السلام نشان مرتبت والای این افراد وارسته است:

«مَنْ ماتَ مِنکم وَ هُوَ مُنتَظِرٌ لِهذا الأمرِ کَمَنْ هُوَ مع القائمِ فی فسْطاطِهِ قالَ: ثُمَّ مکَث هنیئةً ثُمَّ قال: لا بَلْ کَمَنْ قارَعَ مَعَهُ بِسَیْفِهِ. ثُمَّ قالَ: لاواللَّه إلا کَمَنِ اسْتُشْهِدَ مَعَ رَسولِ اللَّه.

کسانی (از شما) که در انتظار حکومت قائم علیه السلام از دنیا بروند، مانند کسانی اند که در خیمه آن حضرت می باشند پس از لختی فرمود: بلکه چون کسانی هستند که در رکاب آن حضرت شمشیر زده باشند و پس از مکثی دیگر فرمود: نه به خدا قسم بلکه مثل کسانی هستند که در حضور پیامبر به شهادت رسیده اند.»(۲)

در حدیثی دیگر از امام علیه السلام چنین آمده است:

«إنّ مَنِ انتَظَر أمْرَنا وَ صَبَرَ عَلی مایَری مِنَ الأذی وَالخَوْف هُوَ غَداً فی

۱- ۱۲۵. همان، ج ۲، ص ۲۲۲.

۲- ۱۲۶. بحارالانوار، ج ۵۲، ب ۲۲، ص ۱۲۶، ح ۱۸.

زُمْرَتِنا: هر کس که منتظر باشد و در این راه بر مصائب و آزارها صبر نماید فردای قیامت در صف ما خواهد بود.»(۱)

طبق فرمایش امام صادق، هم ردیف بودن با امامان معصوم، مستلزم صبور بودن در برابر سختی های عصر غیبت است. در جای دیگری، منتظران، اولیاء الهی معرفی شده اند: «طوبی لشیعه قائمنا المنتظرین لظهوره فی غیبته والمطیعینَ لَهُ فِی ظُهُورِه اولئک اولیاء اللّه الذین لاخُوْفٌ عَلَیهم وَلاهُمْ یَحْزَنُونَ:

خوشا به حال شیعیان قائم علیه السلام که منتظر ظهور او در حال غیبت هستند و در هنگام ظهور از او اطاعت می کنند. اینان اند اولیاء خدا که خوف و حزنی ندارند.(۲)

۷ – امام کاظم علیه السلام و انتظار ظهور

عن الکاظم علیه السلام: طوبی لِشْیَعتِنا المُتَمَسِّکینَ بِحَبلنا فی غیبه قائمنا الثابتین علی موالاتنا والبرائهِ من أعدائنا. اولئک منّا و نحن منهم. و قد رضوا بنا أئمهً و رضینا بهم شیعه و طوبی لهم، هم واللّهِ مَعَنا فی دَرَجتِنا یومَ القیامه.

امام کاظم علیه السلام می فرمایند: «خوشا به حال شیعیان ما که در عصر غیبت قائم ما، به ریسمان دوستی ما چنگ می زنند و از دشمنان ما بیزاری می جویند. آنان از مایند و ما از آنان هستیم. آنان از ما به عنوان امامان خویش راضی هستند و ما نیز از آنان به عنوان شیعیان خود راضی می باشیم. خوشا به حال آنان، خوشا به حال آنان، به خدا سوگند آنان هم درجه ما در رستاخیز هستند.»(۳)

۱– ۱۲۷. بحارالانوار، ج ۵۲، ب ۲۲، ص ۱۵۰، ح ۷۶.
۲– ۱۲۸. همان.
۳– ۱۲۹. همان، ج ۵۱، ب ۷، ص ۱۵۱، ح ۶.

راضی بودن امامان معصوم از شیعیانی که دوستدار واقعی ائمه علیهم السلام و اهل دشمنی ورزیدن با دشمنان آل پیامبرند و نیز رضایت متقابل آنان از امامت چهارده معصوم، باعث رسیدن به چنین درجه ای شده است.

۸ – امام رضاعلیه السلام و انتظار ظهور

عن الرضاعلیه السلام: ما أحسَنَ الصَّبرُ وَ انتظارُ الفَرَج. أما سَمِعتُ قول اللّه تعالی: وَارْتَقِبوا إنّی مَعَکُم رَقیب. فَانْتَظِروا إنّی مَعَکم من المنتظرین، فَعَلْیکُمْ بِالصَّبر فَإنّه یَجی ءُ الفَرَجُ بَعْدَ الیأس فقد کان الّذین قبلکم أصْبَرَ مِنکُم.

امام رضاعلیه السلام می فرمایند: «چه قدر زیباست صبر و انتظار فرج، مگر سخن خدای تعالی را نشنیدید که می فرماید: وارْتَقَبُوا إنّی مَعَکُم رَقیب. فَانْتَظِروا إنّی معکم من المنتظرین، پس صبر پیشه کنید. فرج و گشایش پس از ناامیدی خواهد آمد و گذشتگان شما صبورتر از شما بودند.»(۱)

در حدیث یاد شده به همراهی صبر با انتظار فرج و نیز متّصف شدن انسان منتظر به صفت برجسته صبر - که رأس ایمان است - اشاره شده است به امید اینکه روزی گشایش نهایی حاصل شود؛ از این رو حتّی در روایت دیگری از امام رضاعلیه السلام انتظار فرج، جزئی از فرج و گشایش اصلی شمرده شده است. روایت چنین است:

«عن الحسن بن الجهم قال: سألت ابالحسن عن شی ء من الفرج؟ فقال: اَوَلسْتَ تعلم أنّ انتظار الفرج من الفرج؟ قلت: لاادری إلّا أنْ تعلِّمَنی؟ فقال: نعم، انتظار الفرج من الفرج»؛(۲) «حسن بن جهم گوید: از امام رضا درباره فرج

ص:۱۰۰

۱- ۱۳۰. همان، ج ۵۲، ب ۲۲، ص ۱۲۹، ح ۲۳.
۲- ۱۳۱. همان، ح ۵۲، ب ۲۲، ص ۱۲۹، ح ۲۹.

پرسیدم فرمودند: آیا نمی دانی که انتظار فرج، جزئی از فرج است؟ گفتم: نمی دانم مگر اینکه به من بیاموزی. پس فرمودند: انتظار فرج، جزئی از فرج است».

۹ – امام جوادعلیه السلام و انتظار ظهور

در کلام حضرت جواد الائمه علیه السلام، نیز از انتظار، منتظِر و منتظَر موعود سخن گفته شده است. حدیث چنین است: «إنَّ القائم مِنّا هُو المهدی الّذی یَجِبُ أنْ یُنتظَرَ فی غیبته و یُطاعَ فی ظهوره و هُوَ الثالثُ مِنْ وُلدی: قائم ما همان مهدی است که باید در زمان غیبت، انتظار او را داشت و در زمان حضور و ظهور از او اطاعت نمود، او سومین از فرزند من است.»(۱)

امام جوادعلیه السلام در این سخن گرانبهای خود، به ضرورت انتظار کشیدن برای امام غایب و وجوب آن، اشاره نموده اند. در واقع شیعه واقعی که به امامت چنین امام غایبی معتقد است باید برای تسریع در ظهور آن حضرت، لحظه شماری کرده و خود را در حالت آماده باش کامل قرار دهد.

در ادامه این حدیث از امام جوادعلیه السلام به مفهوم واقعی انتظار؛ یعنی عمل (نه حالت) اشاره فرموده و آن را با عنوان برترین اعمال فرد پیرو ائمه نام برده و نتیجه نهایی آن را متذکّر شده اند. در ادامه فرمودند:

«أفضلُ أعمال شیعتِنا انتظارُ الفرج. من عرف هذا الامر فقد فُرِج عنه بانتظاره»؛ «بهترین عمل شیعیان ما، انتظار فرج است هر کس که این مطلب را بداند با همین انتظاری که دارد برای او فرج حاصل می شود.»(۲)

۱- ۱۳۲. همان، ج ۵۲، ب ۹، ص ۱۵۶، ح ۱.

۲- ۱۳۳. همان.

۱۰ – امام هادی علیه السلام و انتظار ظهور

در زمینه انتظار فرج، تعلیم سازنده امام هادی علیه السلام، راهگشای همه منتظران است که به ذکر دو حدیث در این مورد اکتفا می کنیم:

امام هادی علیه السلام می فرمایند:: إذا غابَ صاحبکم عن دار الظالمین فَتَوقَّعوا الفرج.« هنگامی که صاحب شما از سرای ستمکاران غیبت کرد، در انتظار فرج باشید.»(۱)

در فرمایش دیگری از همین امام معصوم علیه السلام، سفارش به انتظار کشیدن مطرح شده است، «إذا رُفِعَ علمِکم مِنْ بین أظهُرِکُم فتوقعوا الفرج مِنْ تحتِ أقدامکم، چون امام شما از میان شما برداشته شد، از پیش پاهای خود منتظر فرج باشید.»(۲)

۱۱ – امام حسن عسکری علیه السلام و انتظار ظهور

واژه پر امید انتظار را می توان در کلام پدر بزرگوار مهدی منتظرعلیه السلام حضرت امام حسن عسکری علیه السلام یافت حضرتش می فرمایند: «عَلَیْکَ بالصَّبرِ وانتظار الفرج، فإنّ النّبی قال: أفضلُ أعمال اُمّتی انتظار الفرج، بر تو باد به صبر و انتظار فرج. زیرا که حضرت رسول فرمودند: برترین اعمال امّت من انتظار فرج است.»(۳)

۱۲ – امام مهدی علیه السلام و انتظار ظهور

به منظور تبرّک به حدیثی از حضرت مهدی علیه السلام که بی ارتباط هم با عصر غیبت و دوران انتظار نیست اشاره می کنیم. حضرتش چنین می فرمایند: «فإنّا یحیطُ

ص:۱۰۲

۱- ۱۳۴. همان، ج ۵۱، ب ۹، ص ۱۵۹، ح ۲.

۲- ۱۳۵. همان، ج ۵۱، ب ۳۷، ص ۷۶، ح ۴.

۳- ۱۳۶. همان، ج ۵۱، ب ۹، ص ۱۵۹، ح ۸.

عِلمُنـا بِأَنْبـائکم ولا ـیَعزُبُ عنّا شـی ءٌ مِنْ أخبارکم»؛ «ما از اخبار و اوضاع شـما کاملاً آگاهیم و هیـچ یک از آنها بر ما پوشـیده نیست.»(۱)

حـدیث مذکور، نشان از واقف بودن علم امام به احوال مسـلمانان و منتظران است و لازم به ذکر است که پیروان امام در عصـر غیبت در هیچ حالی از احوالات آنها و اوضاع (چه عبادات و یا گناهان)، رها نشده اند.

حـدیث دیگری که از حضـرت صـاحب الا ـمرعلیه السـلام، در قالب توقیع و امر ایشان، به دست رسـیده است، فرمایش زیر می باشد:

«وَاکثروا الدُّعاءَ بِتَعْجیلِ الفرج فَإنَّ ذلک فَرَجُکُم»؛ «برای تعجیل در فرج بسیار دعا کنید، همانا در آن گشایش کار شما هست».

طبق حدیث و سفارش مذکور، می توان تکلیف منتظر را علاوه بر تکالیف دیگر او، دعا کردن در عصر غیبت دانست.

ص:۱۰۳

۱- ۱۳۷. همان، ج ۵۳، ص ۱۷۵، ح ۷.

فصل سوم تکالیف منتظران

اشاره

ص:۱۰۵

تکالیف منتظران

همان طور که می دانیم انتظار، تجلّی کامل تربیت های مکتب اسلام است که هم شاخص منوّر ابعاد عقاید حقّه از قبیل توحید، عدل، نبوّت، امامت و معاد است و هم تربیت های مکتب در آن متبلور شده است.

انتظار جریانی در دوران عمیق غیبت است، این دوران همچون مدّتی است که معلم از کلاس خارج شده تا بنگرد که شاگردان، در غیاب او چه می کنند و نسبت به تکالیف سپرده شده چه عکس العملی دارند؟ حال شاگرد مکتب انبیاء الهی، هم این گونه است. او حاضر در کلاس دین الهی است و باید پیوسته مراقب خود باشد تا دست از پا خطا نکند و بداند که هم اکنون موقع خروج معلّم از کلاس است که ورودش از جمله احتمالات بوده و امکان دارد، او را در آن حال ببیند، پس منتظر، باید در هر موقعیتی، رضایت خاطر معلم یعنی همان منتظَر را فراهم کند.(۱)

پس از بیان این تمثیل لازم است که به آداب عصر غیبت و ذکر مقدمه ای در این زمینه بپردازیم. هنگامی که در تعالیم و تکالیف دین، با بینشی عمیق، صحیح و آگاهانه، غور و تفکّر می کنیم، به این نتیجه می رسیم که روزگار انتظار، روزگار رهایی، بی مسئولیّتی یا به عبارتی دیگر دوران بی تفاوتی نیست، بلکه دوران حسّاس تکلیف است، هم تکالیف فردی و هم تکالیف اجتماعی.

در این دوران مسلمانان و منتظران واقعی، باید پاسبان دین حقّه الهی و تعالیم

ص:۱۰۷

۱- ۱۳۸. خورشید مغرب، ص ۲۷۵.

و احکام والای آن باشند و اگر عصر بی تکلیفی بود، باید تکلیف از افراد ساقط می شد. در حالی که این گونه نیست، بلکه عصر تمسّک جستن به احکام الهی، باید به قوّت خود پا برجا باشد، به عبارتی دیگر این چنگ زدن، نباید منفک از عمل به دستورات دینی باشد. از این رو، حضور همه افراد چه در بُعد فردی و چه در بعد اجتماعی لازمه آن است همچنین همه جوانب دین به ویژه در بُعد فعال آن باید مورد آموزش همگان واقع شود.

بنابراین؛ عصر انتظار، عصر وظیفه و تکلیف است که طبق احادیث معصومین علیهم السلام انتظار در کنار منتظر آورده شده، از این رو، درمی یابیم که منتظران برای اثبات انتظار خود تکالیفی دارند که در این فصل به شرح چند تکلیف از وظایف خطیر و دشوار این منتظران می پردازیم.

هدف آن است که نوشته ای در دسترس محبان و مشتاقان آن حضرت و همه طالبان هدایت قرار گیرد که بتوانند به راحتی با وظایف خود در قبال حضرت حجت علیه السلام و حقوقی که آن حضرت بر آنها دارد، آشنا شده و دست یابند و آنها را سرمشق خود قرار دهند و عمل کنند.

در این عصر که دشمنان دین بیش از گذشته و با حربه های گوناگون خود به جنگ با دین و دینداری آمده اند، می بایست با تحقیق بیشتر در مباحث مربوط به امام زمان علیه السلام که خورشید معنویت و اصل همه معنویات است، خود را آماده مقابله با مکر آنان کنیم.

به همین جهت امیدواریم این فصل از کتاب بتواند به علّت پرداختن به مباحث مربوط به حضرت حجت علیه السلام آن هم یکی از مباحث خاص و عملی که همان بحث تکالیف مؤمنان در قبال آن حضرت است - و در تهذیب نفس و تحوّل انسان

و قُرب او به ذات اقدس الهی و نیز تقرُّب به محضر والای حضرت ولی عصرعلیه السلام بیشترین نقش و اثر را دارد - در راه رسیدن به این مقصود مثمر ثمر بوده و نقش ارزنده و مطلوبی داشته باشد و موجبات خرسندی آن والا مقام را فراهم آورد.

تکالیف ده گانه ای که در این فصل آورده شده است، همراه با روایات منقول از چهارده معصوم علیهم السلام ذکر شده که همگی مستند به کتب روایی است. علاقه مندان برای آشنایی بیشتر از سایر تکالیف کلی و جزئی که به علت پرهیز از طولانی شدن مباحث به آن نپرداخته ایم، به کتب نگاشته شده در این زمینه مراجعه کنند.(۱)

ان شاءاللّه که خداوند متعال ما را در ادای حقوق آن عزیز بزرگوار موفق گرداند و ما بتوانیم تکالیف خود را در قبال آن حضرت به درستی و کامل به جا آوریم و مورد توجه و مهر بیش از پیش آن حضرت قرار گیریم.

شناختن حجّت خدا، امام عصرعلیه السلام

مهم ترین و واجب ترین وظیفه هر شیعه منتظر، کسب معرفت نسبت به مقام و وجود مقدّس امام زمان علیه السلام است.

حضرت حجّت بن الحسن العسکری علیه السلام ذریّه رسول خدا، چهاردهمین معصوم، دوازدهمین امام، ولی حیّ امّت، واسطه فیض الهی، امان زمین و زمان و... است. این جایگاه رفیع و موقعیت ممتاز که دارای برکات وجودی بی شمار است، حقوقی را برای آن حضرت اثبات می کند که پیروان صدیق و مخلص برای تنظیم دقیق رابطه خود با مولا و رهبرشان بر اساس ادب دینی باید آن حقوق را شناخته

۱- ۱۳۹. برای آگاهی بیشتر نسبت به مباحث مربوط به تکالیف شیعیان در عصر غیبت به کتب زیر می توان مراجعه کرد: مکیال المکارم، و راه وصال.

و در پی آن وظایفی را که متوجه آنان می شود، به شایستگی انجام دهند.

چنـد مـورد از این حقـوق عبارتنـد از: حـق قرابت رسـول اللّه، حـق منعم بر متنعّم، حـق پـدری بر امّت، حـقّ معلّم بر متعلّم، حق سیادت بر بنده، حق رهبری و زعامت بر مردم و.....

ذکر اهمیّت معرفت امام

از بین حقوق یاد شده، حق شـناختن حجّت الهی مورد بحث ماست. این موضوع آن قدر اهمّیت دارد که از امام حسن عسکری علیه السـلام چنین روایت شـده است:«مَنْ مـاتَ ولَمْ یَعرف امـام زمـانه مـاتَ میتةً جـاهَلیّه»؛ هرکس بمیرد و امام زمان خویش را نشناسد به مرگ جاهلیت در گذشته است.»(۱)

این حـدیث، با تعابیر مختلفی که همگی به یک معنایند، در کتب اصـلی حدیث شـیعه و سـنی با توافق کامل نقل شده است. و متواتر بودن آن نشانه این است که دلالت صـریح بر ضـرورت شناخت امام واقعی توسط هر زن و مرد مسلمان دارد و به عاقبت تأسف بار مسلمانانی که از شناخت امام محروم بوده اند اشاره کرده که این سرانجام به هیچ عنوان قابل توجیه نیست.

منظور از امـام، همـان امـام معصوم به عنوان فرد کامـل انسانیّت است که اگر بر روی زمین نباشـد خداونـد شـناخته نمی شود و رابطه بین عالم معنا و ماده، قطع می گردد زیرا برکات عالم غیب ابتـدا بایـد بر قلب پاک امام بتابـد و سـپس به وسـیله او به دل انسان های مستعد برسد؛ زیرا او واسطه فیض و نزول برکات الهی است و به یُمن

۱- ۱۴۰. علل الشرایع، ب ۳۱، ص ۱۲۰، ح ۹.

وجود مبارک او عذاب الهی از مردم برداشته می شود.

حضرت صاحب الامرعلیه السلام در پاسخ اسحاق بن یعقوب که به وسیله محمّدبن عثمان - نایب دوّم حضرت - به این موضوع اشاره کرده و می فرمایند:

«إنّی أمانٌ لِأهلِ الأرضَ کَما أنَّ النُجومَ أمانٌ لِأهل السَّماء» «همانا من مایه امنیّت اهل زمین هستم، همان طور که ستارگان مایه امنیّت اهل آسمانند».(۱)

در اهمّیت معرفت به امام معصوم که واسطه فیض الهی است - حتّی در مفادّ دعاهایی که خواندن آنها در عصر غیبت بسیار تأکید شده است، مطالبی بیان شده که این امر ما را متوجه اهمّیت معرفت حجّت الهی می گرداند.

یکی از این ادعیه، دعای معروف و معتبری است که شیخ صدوق رحمه الله آن را از امام صادق علیه السلام نقل کرده اند که ایشان خطاب به زراره می فرمایند: «اگر آن زمان (عصر غیبت) را دریافتی به این دعا مداومت کن: «اللهم عَرِّفنی نفسک فإنَّک إنْ لَمْ تُعرِّفنی نفسک لَمْ أعرِف رسولَک اللهم عَرِّفنی رَسولَک فَإنَّکَ إنْ لم تُعرِّفنی رسولک لم أعرِفْ حُجَتک، اللهم عَرِّفنی حجَّتک فإنَّک إنْ لم تَعرِّفنی حُجَّتَک ضَلَلْتُ عَنْ دینی»

بارالها! خودت را به من بشناسان که اگر خودت را به من نشناسانی پیغمبرت را نخواهم شناخت. خدایا پیغمبرت را به من بشناسان که اگر پیغمبرت را نشناسانی حجّت تو را نخواهم شناخت. بارالها! حجّت خود را به من بشناسان که اگر حجّت خود

۱- ۱۴۱. مجمع البیان، ج ۲، ص ۵۴۵. بحارالانوار، ج ۷۸، ب ۳۰، ص ۳۸۰، ح ۱. ««إِنِّی أَمان لِأهلِ الْأَرضَ کَما أَنَّ النُجومَ أَمانُ لِأَهل السَّمآء».

را به من نشناسانی از دین خود گمراه می شوم.»(۱)

همان طور که از متن دعا (حدیث مذکور) بر می آید معلوم می گردد که در شناخت حجّت الهی البته نه شناخت سطحی بلکه شناخت عمیق و حقیقی که مبنای آن شناخت امام به عنوان مظهر شناخت حق تعالی است، چند مورد تأکید شده است:

اوّل: مقدمه شناخت حضرت حجت علیه السلام معرفت الهی (معرفه اللّه) و شناخت رسول خداصلی الله علیه وآله است، هر چه شناخت ما قرآنی تر؛ یعنی طبق باب معرفت خداوندی (وحی) باشد، بیشتر متوجه تطابق صفات حضرت حجت علیه السلام با صفات حضرت حق خواهیم شد؛ زیرا که اسماء الهی در او متجلّی شده است. در فرازی از زیارت آل یس - که توقیعی وارده از ناحیه مقدسه است - با این عبارت به محضر امام ابراز ارادت می کنیم.

«السلام علیك یا داعی اللّه و ربّانی آیاته.» «سلام بر تو ای دعوت کننده خلق به سوی خدا و مظهر آیات الهی».(۲)

دوّم: شناخت مقام حضرت حجّت باعث نجات از ضلالت و گمراهی است. برای شفافیت بحث لازم است بیان شود که شناخت امام درك اضطرار به او و آگاهی به حق ولایت اوست، امام از خود ما به ما آگاهتر است و آگاهی او شهودی و وجودی و محبّتش نیز رُبُوبی و محیط است نه غریزی و محدود که او آزاد از همه کشش های نفسانی بوده و از راه های آسمان نسبت به راه های زمین آگاه تر است.

۱- ۱۴۲. غیبت نعمانی، ب ۱، ص ۲۴۳، ح ۶ و نیز: علل الشرایع، ج ۲، ب ۲۳، ص ۱۸، ح ۲۴.

۲- ۱۴۳. بحارالانوار، ج ۵۴، ب ۳۱، ص ۱۷۱، ح ۵، و نیز:مجمع البیان، ج ۲، ص ۳۱۶، توقیعات عن الناحیه المقدسه.

تلفیق این آگاهی و آزادی، عصـمت شده و همین امر باعث پذیرش عشق، ولایت، سرپرستی و تسلیم در برابر او می باشد. امام محمّـدباقرعلیه السـلام در این باره می فرمایند: «إنَّما کُلِّفَ الناس ثلاثه، معرفه الأئمه والتسـلیم لهم فیهما والرّدّ إلیهم فیما اختلفوا فیه.»

«مردم به سه تکلیف مکلفنـد: معرفت امامـان، تسـلیم در برابر ایشـان و واگـذاری امور به آنهـا در مسائلی که اختلاف پیش می آید.»(۱)

ناآگـاهی از حقّ معرفت و ولایت امام و جهل در تشـخیص و مصـداق چنین امامی؛ یعنی حاکم عادل، آثار زیان باری همچون چشم پوشـی از همه دسـتاوردهای وحی ،مرگ جاهلیت و در نهایت، هلاکت و گمراهی است؛ زیرا که شناخت امام، عین دین و دیانت است و عدم شناخت او عین جاهلیت، یعنی زمانی که اسلام ظهور نکرده است می باشد.

مقصود از شناخت امام

حال بنگریم، منظور از معرفت مدّ نظر ائمه علیهم السلام چیست؟ در این باره مؤلف گرانقدر عالم فقید سید محمّدتقی موسوی اصفهانی، مراد از معرفت امام که مورد تأکید است را چنین توضیح می دهند:

بدون تردید مقصود از شـناختی که امامان ما که درودها و سـلام های خدا بر ایشان باد، تحصـیل آن را نسـبت به امام زمانمان، امر فرموده اند، مقصود شناختن حضرت

۱- ۱۴۴. وسایل الشیعه، ترجمه محمّد رازی، ج ۱۸ کتاب القضاء، ص ۴۵، ح ۳۳۲۰.

است چنان که هست به گونه ای که سبب سالم ماندن از شبهه های ملحدین و مایه نجاتمان از گمراه ساختن مفتریان گمراه کننده شود و چنین شناختی جز به دو امر حاصل نمی شود: یکی شناختن شخص امام علیه السلام به نام و نَسَب. دوّم: شناخت صفات و ویژگی های او، و آوردن این دو از اهمّ واجبات است.(۱)

امر دومی که در کلام فقید یاد شد در عصر غیبت، با اهمیت تر است، در واقع این نوع شناخت است که منشأ تحوّل و اثر در زندگی انسان منتظِر است؛ زیرا اگر فردی به حقیقت جایگاه امام در عالم بشریت و شدّت افتقار و اضطرار خود نسبت به او آگاه گردد، هرگز از یاد او غافل نخواهد گشت.

شناخت امام مهدی علیه السلام از معرفت دیگر ائمه هدی علیهم السلام جدا نیست و هر کس عارف به مقام و مرتبت ائمّه معصوم است و خود را در قبال آنها مسئول می داند به طور قطع، در مورد امام معصوم به عرفان و شناختی شایسته دست می یابد.

راه های کسب معرفت

۱ - مطالعه پیرامون حضرت

یکی از راه های کسب معرفت، مطالعه و تأمّل در کتب پیرامون حضرت است، و از آن جمله مطالعه در ادعیه و زیارات وارده است به ویژه خواندن زیارت جامعه کبیره؛ زیرا تدّبر در اوصاف ائمه معصومین علیهم السلام که در این دعای پر محتوا وارد شده است بر افزایش شناخت ما کمک می کند، همچنین می توانیم با دعاهای خود از خدا

۱- ۱۴۵. مکیال المکارم، ج ۲، ص ۱۶۹.

طلب معرفت کنیم؛ زیرا این نعمت عظیم الهی، تنها از طریق مطالعه به دست نمی آید، بلکه از عنایات خاصّه الهی هم هست که شامل حال هر کسی نمی شود.

بر منتظر واجب است که نسبت به امام خود معرفت کسب کرده و با استحکام مایه های فکری - روحی خود، علاوه بر شناخت در مورد شخصیت وجودی امام در مورد علایم ظهور هم شناسایی داشته باشد تا فریب مدّعیان دروغین مهدویت را نخورد؛ زیرا او منتظر مهدی موعود است نه مهدی موهوم.

۲- انتظار کشیدن

یکی دیگر از وظایف منتظران، انتظار کشیدن و یا به عبارتی دیگر، شوق دیدار است. و یک حالت و عمل قلبی درونی است که دارای اثرات بیرونی می باشد. منتظر واقعی امام بی قرار و لحظه شمار ورود منتظَر است. او در درون و باطن خود پیوسته به یاد او و همواره منتظر فرا رسیدن زمان ملاقات است. و اگر چنین اشتیاقی که از طریق معرفت به وجود می آید در انسان پدیدار شود او به خیلی از معارف الهی دست یافته است.

چگونه ممکن است انسان، مدّعی محبّ امام بوده امّا مشتاق دیدارش نباشد؟! شیفتگی منتظر و جوش و خروش او نشانگر کمال اشتیاق و انتظار امر فرج و نیز شوق وافر در اثر کثرت محبّت است و هر چه شدت عشق بیشتر، به طور مسلّم مفارقت او مشکل تر خواهد بود و با طولانی شدن زمان فراق، مبدّل به جزع و فزع خواهد شد که دعای ندبه، در برگیرنده مضامین بلندی نسبت به همین موضوع است.

ص:۱۱۵

دعای ندبه؛ درس شوق

دعای شریف ندبه معارف والایی مربوط به شوق مهدویت را در بردارد. این دعا را از این رو، «ندبه» گذاشته اند که گریه ای همراه با فریاد خواهی و استغاثه است.

عرب به مطلقِ گریه و ریزش اشک در اثر حزن، «بکاء» می گوید، امّا به گریه بلند، همراه با استغاثه «ندبه» می گوید.(۱)

دعای ندبه درس گریه، عشق، بی قراری و شیدایی و در یک کلام دوره معارف کامل الهی است درس آن حدیث امام صادق علیه السلام است که: «مشتاق نه به خوراکی میل دارد و نه از نوشیدنی ای لذّت می برد و میل به خواب و استراحت از او بر طرف می شود. نه به دوست و مصاحب اُنس می گیرد. نه در آبادی ای وطن می گزیند و نه در آسایشگاه و آرامگاهی می آرامد.»(۲) را به ما می آموزد.

انسان عاشق نه صرف گفتن لفظ، بلکه با سوز و گداز درونی خود، دادخواهی و استغاثه می کند و این چنین از دوری و فراق مولا ناله می کند:

«لیت شعری أین استَقَرتْ بِکَ النَّوی»؛

«ای کاش می دانستم، کجا و چه وقت دل ها به ظهور تو آرام خواهد یافت.»(۳)

«عزیزٌ عَلیَّ أنْ أرَی الخَلْقَ وَلا تُری ،

یا اینکه می گوید: «ای آقای من بر من سخت است که همه خلق را ببینم امّا تو را نبینم.»(۴)

ص:۱۱۶

۱- ۱۴۶. مفردات الفاظ قرآن، ج ۱، ص ۳۰۲.

۲- ۱۴۷. شرح مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه، ج ۲، باب شوق، ص ۵۲۹، عن الصادق علیه السلام: «المشتاق لایشتهی طعاماً و لایلتَذُّ شراباً ولا یستطیبُ رقاداً ولا یأنسُ حمیماً ولایأوی داراً ولایسکن عمراناً ولایقِرُّ قراراً».

۳- ۱۴۸. اقبال الاعمال، ج ۱ ص ۵۱۰، و نیز مفاتیح الجنان.

۴- ۱۴۹. همان، ص ۵۱۰.

این خود درسی است که امام صادق علیه السلام به ما می آموزد، یعنی اینکه نسبت به امام مهدی علیه السلام این گونه عاشق باشید؛ زیرا که این دعا از کلام آن معصوم به ما رسیده است.

عاشق امام در فرازی دیگر، از دعای ندبه این چنین بیان می دارد: «هَلْ مِن مُعین فأطیلَ مَعَهُ العویل والبکاء، هل من جزع فاساعد جزعه إذا خلا، هل قَذَیت عینٌ فساعَدَتها عینی عَلی القَذی .

«آیا ناله کننده ای هست تا به همراه او گریه و ناله را طول دهم؟ آیا جزع کننده ای هست هنگامی که تنهاست با او مساعدت کنم، آیا چشمی را خاری افتاده که چشم من در اشک با او همراهی کند.»(۱)

همه اینها نشان از به یاد محبوب بودن و ناراحتی از دوری اوست. پس دوستان و منتظران باید در فراق از امام خود محزون بوده و همّ و غمی برای دیدار داشته باشند که همه اینها دلیل بر اشتیاق و حقیقت انتظار فرد برای ظهور و فرج مولای خود است، از این رو خود را برای ظهور مهیّا می کند.

ذکر داستانی در مورد انتظار

فردی خدمت رسول اکرم صلی الله علیه وآله آمده و پرسید: «یا رسول اللّٰه! روز قیامت چه زمانی واقع خواهد شد» و چون این سؤال را در هنگام نماز پرسید. رسول اکرم صلی الله علیه وآله ابتدا تشریف برده و نماز خواندند و سپس فرمودند: «آن شخصی که این سؤال را پرسید، کجاست؟»

سؤال کننده آمد امّا پیامبر اکرم، این گونه جواب ندادند که علمش نزد خداست یا در چه زمانی، بلکه فرمودند: «برای قیامت چه آماده کرده ای؟»(۲)

۱- ۱۵۰. اقبال الاعمال، ص ۵۱۱.

۲- ۱۵۱. علل الشرایع، ب ۱۱۷، ص ۱۳۹، ح ۲،: عن انس بن مالک: جاء رجل من أهل البادیه تسأل البقی فقال یا رسول اللّٰه متی قیام الساعه فحضرت الصلاه فلما قضی الصلاه قال أین السائل عن الساعه. قال أنا قال: فما اعددت لَها.

مشـابه همین، شخصـی نزد امـام جعفر صادق علیه السـلام آمـد و سؤال نمود: «گشایش و فرج شـما اهل بیت علیهم السـلام چه زمانی است، امام علیه السلام فرمود: تو را به فرج چه کار؟ در حالی که از کسانی هستی که دنیا را می خواهی؟»(۱)

منظور آن است که دنیاطلبی با فرج سـنخیّت نـدارد، کسـی می پرسد فرج چه زمانی است که خود را برای آن مهیّا کرده باشـد در حالی که فردی که فرج را برای آبادی دنیایش و رفع مشکلات اقتصادی می خواهد، منتظر حقیقی نیست. و اصل مطلب در این موضوع خلاصه می شود که: آنها که از ولی تمنایی دارند در واقع او را نردبان و وسـیله خواسـته ها و هوسـهایشان کرده و واسـطه رسـیدن به آرزوهایشـان نموده انـد در حالی که سوختگان عشق امام و منتظران واقعی از معشوق خود به غیر از خود او تمنّایی ندارند.

ابعاد عاطفی انتظار منتظِر

گواه صـادق بر انتظـار، شوق و اشتیـاق است که از یـک سو در غم فراق و از دیگر سو در شوق وصال می باشـد. ابعاد عاطفی انتظـار، که در حقیقت نقطه اوج انتظـار و گرمی و حرارت آن می باشـد، اشتیـاق است. این عواطف و احساسـات در ابعـاد زیر تجلی می یابد:

۱ - محبّت

عشق و محبّت به امام که در حقیقت، سر ریز محبّت و شفقت امام به شیعیان

ص:۱۱۸

۱- ۱۵۲. اصول کافی ج ۱، کتاب الحجه، باب أنَّه من عرف امامه، ص ۳۷۱، ح ۳: عن ابی بصیر قال: قلت لِأبی عبداللَّه: جعلت فداک متی الفرج، فقال: یا ابابصیر و أنت ممَّن ترید الدنیا؟

است که در دعای ندبه آمده: «بِنفسی أنت من مُغیَّبٍ لم یَخْلُ منّا...:جانم فدای آن امام غایبی باشد که جایش در میان ما خالی نیست...»(1)

۲ - شور طلب

پس از ازدیاد محبّت، منتظر کسی است که به دنبال یار می گردد، نه آنکه گوشه ای بنشیند و صبر پیشه سازد. با شور و شوق همه جا را در طلب او جستجو می کند. کسی که گمشده ای دارد و مدّعی عشق و محبّت است، آیا از او پذیرفته است که هیچ گاه در طلب گمشده اش بر نیامده باشد و زمینه را برای ظهورش فراهم نکند.

۳ - چشم به راه

منتظر واقعی کسی است که برای رسیدن یار، لحظه شماری می کند یعنی واقعاً چشم به راه است، به او عشق می ورزد، با او سخن می گوید، او را طلب می کند و با چشم های نگران و رمق دیده به دور دست می نگرد، شاید او را ببیند و بیابد.

انتظار در ابعاد عاطفی آن یعنی اشتیاق، محبّت، شور طلب و چشم به راه بودن - تهیه مقدمات و آمادگی برای عصر ظهور منتظَر - همگی مستلزم نوعی توسل و رابطه قلبی با حضرت است.

بنابراین انتظار کشیدن یکی از خصال بسیار مهم در نیک شهر منتظران است که از مفهوم روان به مقوله عمل و اهل تلاش سوق یافته و طبق معنای واقعی آن انسان را در هر سه محور یاد شده پرورش می دهد.

۱- ۱۵۳. مفاتیح الجنان، ص ۸۸۰.

آراستگی به خوبی ها و پیراستگی از بدی ها

تکلیف دیگری که بر عهده یک منتظر راستین است، پیرایش و تهذیب نفس از خصایص ناپسند و زینت بخشیدن آن به اخلاق نیکوست.

در روایتی که از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده آمده که ایشان می فرمایند: «مَنْ سَرَّهُ أنْ یکونَ مِن أصحاب القائم فَلْیَنتظِر وَلْیَعمَلْ بِالْورع و محاسن الاخلاق و هُوَ منتظر فَإن ماتَ و قامَ القائم بَعدَهُ کَانَ لَهُ من الأجر مثل أجر من أدرَکَهُ فَجِّدوا وَانْتَظِروا هَنیئاً لَکم أیّتها العصابه المرحومه»؛

«هر کس از اینکه جزء یاران قائم علیه السلام باشد شاد و خوشحال می شود، باید منتظر باشد و با حال انتظار به پرهیزکاری و اخلاق نیکو رفتار کند، پس اگر (در چنین حالی) از دنیا برود و حضرت قائم علیه السلام پس از او ظهور فرمایند، پاداشی همچون پاداش کسانی که ایشان را درک کرده اند خواهد داشت، پس بکوشید و در انتظار باشید، گوارایتان باد ای گروه مورد رحمت قرار گرفته.»(۱)

عرب، به حریم زمین زراعی و کاشته شده «تقوا» می گوید و به چندین متر دورتر از مرز آن زمین که مراقبت کرده تا گوسفندی وارد آن نشود برای اینکه مبادا کم کم وارد اصل زمین گردد، «ورع» گوید: چوپانی که گوسفندان را در مرز می چراند باید ملتفت باشد که گوسفندان وارد زمین دیگران نشوند از این رو مراقب است، تا مانع ورود آنها شود. و به طور مسلّم می داند که به محض تکان دادن سر و کمی بی توجّهی، آنها وارد زمین دیگری شده، پس بهتر است که حیواناتش را در فاصله پنجاه

۱- ۱۵۴. غیبت نعمانی، ص ۲۹۲، ح ۱۶، و نیز در: بحارالانوار، ج ۵۲، ب ۲۲، ص ۱۴۰،ح ۵۰.

متری از زمین مردم که به آن قُرُق گاه گویند، نگه داشته تا با یک اشاره آنها را بر گرداند.(۱)

پس از بیان این تمثیل به این نتیجه می رسیم که در دین مبین اسلام یک منطقه ممنوعه داریم و یک منطقه قُرُق. منطقه ممنوع «گناه» است و منطقه قُرُق شده مکروهات و شبهات هستند. دوری از گناه، تقوا و دوری از مکروهات و شبهات را ورع گویند.(۲) برای حفظ خودمان باید به رعایت مستحبات که بازوی واجبات است، پرداخته و به ترک مکروهات، که به دوری از گناه و حرام کمک می کند، بپردازیم پس هر کس می خواهد از یاران امام مهدی علیه السلام باشد علاوه بر ترک گناه می بایست از شبهات هم دوری کند.

ترک شبهات عقلی، عرفی (نه برخاسته از وسوسه) بین انسان و امام زمان علیه السلام سنخیت و تشابه ایجاد می کند، البته مقامات حضرت بی نهایت است و این امر یک درجه از آن است، امام دریای وَرَع و تقواست و ما باید خود را همچون قطره به دریا پیوند دهیم؛ زیرا با این کار رفتار و مکتب امام را الگوی عملی خود قرار داده ایم و با امام خود، هم سنخی روحی - رفتاری خواهیم داشت.

نکته دیگری که در این حدیث یافت می شود آن است که فرموده اند: «وَلْیَعمَلْ بِالوَرَعِ»؛ یعنی اهل ورع، اهل عمل، حرکت و تلاش اند نه اهل در خانه نشستن و با جامعه کاری نداشتن. یاران امام ورع را در همه اعمال خود حتی در محل کارشان هم به همراه دارند.

ویژگی دیگر انسان منتظر - طبق این حدیث - داشتن محاسن اخلاق است؛ یعنی داشتن اخلاق کریمانه ای که فطرت بر خوبی آن، شهادت می دهد و مورد تمجید

۱- ۱۵۵. آماده باش یاران امام زمان علیه السلام ص ۷۲، ۷۳.

۲- ۱۵۶. غررالحکم و دررالکلم، ص ۱۵۴، ح ۲۱۶۱.

ائمّه معصوم علیهم السلام بوده است و همه اینها باید در منتظر امام زمان علیه السلام نمودار باشد؛ مثل سه صفتی که در این روایت شریف آمده است که امام جعفر صادق علیه السلام فرموده اند: «سیّدُ الأعمال ثلاثه: إنصافُ النّاس... و مواساتِك الأخ...و ذكراللّه عَلی كُلّ حال»؛ «سَرور خُلق های نیکو سه خصلت است: اهل انصاف بودن...، مواسات با برادران دینی و همواره به یاد خدا بودن.»(۱)

اوّلین سید اعمال، انصاف در همه موارد است، چه در گفتار، رفتار، معاملات، رو به رو شدن با مردم حتی در نگاه کردن در بین افراد اهل انصاف بودن.

دومین عمل؛ مواسات با برادران دینی است یعنی؛ رفع گرفتاری های آنان، کمک رساندن به آنها در همه امور.

سومین عمل برجسته، یاد خدا در خلوت و جلوت است؛ یاد باطنی و قلبی خدا در همه حال. اگر این سه خُلق بزرگ را در خود به وجود آوردیم. حتماً با امام مرتبط شده و نام ما در زمره یاران و منتظران او ثبت خواهد گشت.(۲) و در همدوشی و همراهی انتظار و ورع، خوش خلقی نیز به عنوان عاملی تعیین کننده در کسب افتخار یاوری قائم علیه السلام به شمار می آید.

امام زمان علیه السلام نیز با توجه به ناگهانی بودن امر ظهور، همه شیعیان را به انجام اعمال پسندیده و دوری از اعمال ناپسند در عصر غیبت فرا می خواند و می فرمایند: «فلیعمل كلُّ امْرِءٍ مْنكم بما یقرب بِه من محبّتنا وَلِیَتَجَنَّبُ مایدنیه من كِراهَتِنا و سخطنا فانَّ أمْرنا بغَتهً فُجاءه حین لاتنفعه توبه و لایُنجیه من عقابنا ندم علی حوبه».

۱- ۱۵۷. بحارالانوار، ج ۶۹، ب ۳۸، ص ۳۸۱، ح ۴۲.
۲- ۱۵۸. آماده باش یاران امام زمان، ص ۷۵.

«پس هر یک از شما باید آنچه را که موجب دوستی ما می شود پیشه خود سازد و از هر آنچه موجب خشم و ناخشنودی ما می گردد دوری گزیند؛ زیرا فرمان ما به یکباره و ناگهانی فرا می رسد و در آن زمان، توبه و بازگشت سودی ندارد و پشیمانی از گناه، کسی را از کیفر نجات نمی بخشد.»(۱)

انسان منتظر که نظر خود را از غیر منتظَر برداشته و عشق و مودّت امام را در قلب خود جایگزین نموده، همواره در پی کسب رضایت خاطر او و دوری نمودن از حالات و رفتارهایی است که باعث مکدّر و آزرده خاطر نمودن او می شود، و باید محبّت قلبیش را در عمل و رفتار خود جلوه داده تا مصداق یار واقعی امام و منتظر حقیقی او باشد.

اهمّیت تهذیب نفس در فرمایش امام زمان علیه السلام

موضوع تهذیب نفس و دوری از گناهان، به عنوان یکی از وظایف منتظران، آن قدر مهم است که در توقیع(۲) شریفی که از ناحیه مقدسه امام مهدی علیه السلام به مرحوم شیخ مفیدرحمه الله صادر شده بی توجّهی به این امر را، از جمله اسباب یا تنها سبب

۱- ۱۵۹. بحارالانوار، ج ۵۳، ب ۳۱، ص ۱۷۶، ح ۷. و نیز:مجمع البیان، ج ۲، ص ۵۵۹.

۲- ۱۶۰. توقیع در لغت به معنی نشانه گذاردن، امضاء کردن حاکم برنامه و فرمان را، جواب مختصری که کاتب در نوشته به پرسش ها می دهد. دست خط فرمانروا. در اصطلاح علم حدیث معنای پاسخ پرسش ها یا اطلاعیه هایی که به صورت کتبی از طرف امام برای آگاهی شیعیان فرستاده شده است چنانکه توضیحاتی از حضرت امام علی نقی و امام حسن عسکری علیهما السلام نقل شده است. امّا معمولاً توقیع به نامه های حضرت حجّت بن الحسن امام زمان علیه السلام گفته می شود که توسط ۴ تن از نایبان خاص ایشان به دست شیعیان می رسد. بر گرفته از لغت نامه دهخدا، ج ۵، ص ۶۲۶۵.

طولانی شدن غیبت بر شمرده شده است: «فَما یَحبِسنا عنهم إلا ما یَتَّصِلُ بنا ممّا نکرهُهُ ولا نؤثره منهم. پس تنها عاملی که ما را از آنان (شیعیان) پوشیده می دارد همانا اعمال ناخوشایندی است که از ایشان به ما می رسد و از آنان انتظار نمی رود.»(۱)

پس فردی که منتظر امام عدالت گستر است باید خود عادل باشد، عدل مقابل ظلم است و از آنجا که ارتکاب معصیت ظلم به نفس است فرد گناهکار برای هر گونه ظلم اجتماعی مستعد و دارای آمادگی روانی است؛ زیرا معمولاً ـ کسی که به حقوق خود احترام نمی گذارد، حقوق افراد دیگر هم برایش محترم نیست. اگر حس صیانت نفس، جلودار خوی تجاوزگری انسان نباشد، اهرم های کنترل تعدّی طلبی نسبت به دیگران کارساز نخواهد بود و چون عدالت فردی و عدالت اجتماعی با هم رابطه تنگاتنگ دارند و نیز عدل فردی مقدمه عدل اجتماعی است پس فردی که در میان قوای نفسانی خود ارکان حیات اخلاق را به وجود آورده آن گاه در عصر ظهور؛ یعنی عصر عدل ناب مطلق خود را با شرایط نوین فرهنگ توحیدی مهدوی هماهنگ می کند امّا در غیر این صورت نمی تواند فرهنگ عدالت محورِ دولت کریمه امام را تحمّل کند.(۲)

بنابراین، آنکه می خواهد در شمار منتظران واقعی باشد، باید عادل، پارسا و متخلّق به مکارم اخلاق گردد.

الف) آراستگی به دیانت

منتظر باید متدیّن بوده و در عصر غیبت با مراقبت های بیشتری به این امر اهتمام

۱- ۱۶۱. بحارالانوار، ج ۵۳، ب ۳۱، ص ۱۷۷، ح ۸. و نیز:مجمع البیان، ج ۲، ص ۶۳، ح ۳۶.
۲- ۱۶۲. در انتظار ققنوس، ص ۲۷۹.

ورزد و با دوری از انحرافات و لغزش ها خود را در خطّ صحیح تدیّن قرار دهد.

امام صادق علیه السلام در این زمینه فرموده اند: «إنَّ لِصاحبِ هذا الأمر غیبه فَلْیَتّق اللّه عَبدُ وَلْیَتمسک بِدینه»؛ همانا برای صاحب امر غیبتی طولانی است که در این دوران هر کس باید تقوا پیشه سازد و چنگ در دین خود زند.»(۱)

در عصر غیبت، علاوه بر رعایت تقوا - که هرگز منفک از عمل به احکام دین نیست - دینداری باید مدّ نظر منتظر قرار گیرد.

از امام موسی کاظم علیه السلام روایت شده است که ایشان می فرمایند:

طوبی لِشیعَتِنا المتمسکینَ بَحَبْلِنا فی غیبَهِ قِائمنا، الثابتین عَلی مُوالاتِنا وَالْبَراءَهِ مِنْ أعدائِنا اولئک منّا وَ نَحنُ منهم قَدْ رَضوا بِنا ائمهً وَ رَضینا بِهِم شیعَهً وَ طوبی لَهُم هُمْ واللّه مَعَنا فی دَرَجاتِنا یوم القِیامه.

خوشا به حال شیعیان ما که در زمان غیبت قائم مان به ریسمان ما چنگ می زنند و بر دوستی ما و دشمنی دشمنان ما ثابت می مانند، ایشان از ما و ما از ایشان هستیم آنان به امامت ما خشنود و ما به پیروی کردن آنان از ما خرسندیم. خوشا به احوالشان. به خدا سوگند آنان در روز قیامت در مرتبه ما و با ما خواهند بود.(۲)

این جایگاه رفیع و مقام بی بدیل که حتی فرشتگان هم به آن غبطه می خورند مربوط به منتظران واقعی است که چنگ در دین خدا و ولایت ائمّه معصوم علیهم السلام زده و در عصر غیبت بر صراط مستقیم ثابت قدم اند. بر این اساس می توان بیان کرد.

از آنجایی که دوستِ دوست، دوست است و دشمن دوست، دشمن و یا

۱- ۱۶۳. بحارالانوار، ج ۵۲، ب ۲۲، ص ۱۳۵، ح ۳۹.

۲- ۱۶۴. علل الشرایع، ج ۲، ب ۲۳، ص ۴۴، ح ۵.

دوست دشمن، دشمن است و دشمنِ دشمن، دوست انسان محسوب می شود، ولایت و دوستی با دوستان و موالیان امام زمان و عداوت و دشمنی نسبت به دشمنان و مخالفان او یک تکلیف است و یک شیعه منتظر باید دوست مولایش را دوست دارد اگر چه دوست خودش به حساب نیاید و باید از دشمن امامش بیزاری جوید گر چه دشمن خودش محسوب نگردد.

یک منتظر حقیقی باید، با بیگانه ترین اشخاص، احساس دوستی کند، آنجا که او را در خط امام خود سر نهاده به فرمان او می بیند و باید از آشناترین کسان خود، دوری جوید و احساس تنفر نماید. آن زمانی که آنها با امام خود در ستیزند؛ که اگر فردی این اصل مهم را رعایت کرد، افتخار رفاقت با پیامبر را درک می کند. چنان که خود آن بزرگوار فرموده اند:

طوبی لِمَنْ أدْرکَ قائم اهل بیتی و هو یأتِمُّ به فی غَیبَتِهِ قبل قیامه و یتولّی اولیائه و یُعادی أعدائه ذاک من رفقائی و ذوی مَوَدَّتی و أکرَمُ أمّتی عَلیَّ یوم القیامه، خوشا به حال آن کس که قائم اهل بیت علیه السلام را درک نماید در حالی که قبل از قیام او در زمان غیبتش پیرو او بوده و دوستانش را دوست داشته و با دشمنانش به دشمنی برخاسته باشد چنین شخصی از رفیقان و همراهان من و مورد محبّت و مودّت من است و روز قیامت در زمره گرامی ترین افراد من محشور می شود.(۱)

طبق آنچه در حدیث آمده می توان فهمید که رعایت اصل ولایت و برائت در اصل دینداری نهفته است و به آراستگی هر چه بیشتر نیکی ها در وجود انسان منتظِر می افزاید.

ص:۱۲۶

۱- ۱۶۵. بحارالانوار، ج ۵۱، ب ۱، ص ۷۲، ح ۱۴. و نیز در: علل الشرایع، ج ۱، ب ۲۵، ص ۵۳۵، ح ۲.

ب) آراستگی به بردباری و پایداری

انسان منتظر باید صبور، حلیم و با استقامت باشد؛ زیرا شبهه های تردید آفرین، مشکلات فراوان و فشارهای گوناگونی که از سوی مخالفین ولایت بر شیعیان چشم انتظار وارد می آید باعث می شود حیرت و بی پناهی آنها چنان طاقت فرسا و شکننده شود که در این حال برای منحرف نشدن، ناامید نگشتن و از انتظار دست برنداشتن، استقامتی همچون کوه و صبری همچون صبر ایّوب در وجود منتظر لازم و ضروری است.

لغزیدن و از راه منحرف گشتن، مأیوس شدن و از صف منتظران بیرون رفتن، از مبارزه دست کشیدن و به خیل بی تفاوتان پیوستن، بر ظهور دیده فرو بستن، سرنوشت محتوم غیر صابرین است.(۱)

بی جهت نیست که رسول خداصلی الله علیه وآله می فرمایند: «طوبی للصّابرین فی غیبته طوبی للمقیمین علی محبّتهم»؛ «خوشا به حال صبر کنندگان در دوران غیبت مهدی خوشا به حال پا بر جایان در مقام محبّت او.»(۲)

رسول اللَّه در جای دیگر، دست به دعا برداشته عرض کردند: «اللّهم لَقِّنی أخوانی»؛ پروردگارا برادرانم را به من بنمایان.» یکی از یاران پیامبر که در جمع حاضر بود گفت: «أمّا أخوانُک یا رسول اللَّه؟» آیا ما برادران شما نیستیم، ای رسول اللَّه! آن حضرت فرمود: «لا، إنکُم أصحابی و اخوانی قومُ فی آخِرِ الزمان آمنوا و لَمْ یَرَوْنی»، نه، شما اصحاب من هستید و برادران من قومی در آخرالزمان هستند که به من ندیده، ایمان آورند».

ص:۱۲۷

۱- ۱۶۶. انتظار بهار و باران، ص ۸۵ - ۸۶.

۲- ۱۶۷. ینابیع المودّه، ج ۳، ب ۷۶،ص ۲۵، ح ۲.

سپس سرّ این همه تکریم و تعلیم را در استقامت و صبر منتظران بیان فرموده انـد: «لَاحدهم اشدّ بقیه علی دینه من خرط القتاد فی اللَّیله الظُّلَماء أو کالْقَابض علی جمر الغضا اولئک مصابیح الدّجی ینجیهم اللَّه من کل فتنه غبراء مظلمه».

«سختی استقامت هر یک از آنان بر دین خود، بیشتر از سختی کسی است که در شبی ظلمانی بخواهد خاری را با دست خود از جا بکَنـد، یا کسی که بخواهد آتش سوزان چوب درخت را در کف دست نگه دارد، به راستی که آنان چراغ های هدایت در شب های ظلمانی اند.»(۱)

دینداری در عصر غیبت همچون نگهداشتن آتش در کف دست است و این امر مستلزم داشتن استقامتی است که کوچکترین لغزشی در آن راه نـدارد و چه زیبـا حضرت رسول صلی الله علیه وآله، اجر چنین مردمـانی را برشمرده آن گاه که خطاب به اصحابش چنین فرموده اند: «سیأتی قوم من بَعْدِکم الرجل الواحد منهم له أجر خمسین معکم.»

قالوا: یا رسول اللَّه نحن کنّا معک بِبَدْرٍ و احد و حنین و نزل فینا القرآن.

فقال: «انکم لَوْ تحمّلوا لِما حمّلوا لَمْ تَصْبِروا صَبرَهُم»؛

«پس از شما، کسانی می آیند که به هر یک از آنان اجر پنجاه نفر از شما را خواهند داد اصحاب پرسیدند: ای رسول خدا! ما در غزوات بـدر، احد، حنین با هم بودیم و درباره ما آیاتی از قرآن کریم نازل شده است، پس چرا به آنان، پنجاه برابر ما ثواب داده می شود؟

حضرت در پاسخ فرمودند: آنان در شرایطی بس دشوار خواهند بود که اگر شما

۱- ۱۶۸. بحارالانوار، ج ۵۲، ب ۲۲، ص ۱۲۴، ح ۸.

در آن شرایط به سر برید تحمل و استقامت آنان را نخواهید داشت.»(۱)

طبق احادیث یاد شده، حفظ ایمان چه ایمان اعتقادی و چه ایمان عملی در روزگار غیبت و آخرالزمان مشکل است. طولانی شدن عصر غیبت و افزون بر آن فراوانی فتنه های آخرالزمان ممکن است شبهه هایی در ذهن برخی ایجاد کند و یا شیاطین آشکار و پنهان به سست کردن پایه های اعتقادی افراد برخیزند، پس باید در برابر این شبهات مقاوم بود.

وظیفه حوزه های دینی در نگهبانی از ایمان

حوزه ها و مراکز دینی و علمی، همه باید در برابر تهاجمات و گرفتاری های عصر غیبت، پایداری کرده و به رفع آنها بپردازند. این همه تأکید که در احادیث در مورد حفظ ایتام آل محمّدصلی الله علیه وآله وارد شده قسمتی از آن، ناظر به بُعد اعتقادی معنوی و تربیتی اند و حفظ آنها، حفظ اعتقاد و تربیت دینی است که بر عهده پاسداران مرزهای دین؛ یعنی عالمان و حافظ دین می باشد.

اینجاست که نگهبانی از ایمان به نحو احسن انجام خواهد شد؛ زیرا حفظ و گسترش عقاید دینی و بینش صحیح (اعتقادی - عملی) که وسیله تشخیص حق و باطل از هم است، در روزگار نزدیک به ظهور، لازم تر بوده و آنان که دارای عقیده خالص و عمل صالح هستند، در لابلای حوادث پیش از ظهور گم نشده، ذرّه ای تردید و غفلت به خود راه نداده تا اینکه در عصر ظهور همین معتقدان ثابت قدم، جزء یاران امام خواهند بود.(۲)

فرد منتظر باید این گونه به حفظ دین و ایمان خود بپردازد تا ستایش امام

۱- ۱۶۹. همان، ب ۲۲، ص ۱۳۰، ح ۲۶.

۲- ۱۷۰. خورشید مغرب، ص ۲۷۸.

صادق علیه السلام در زمینه اعتقاد، اخلاص و خردمندی یاران امام مهدی صلی الله علیه وآله در مورد او نیز صادق باشد آنجا که در کلام صادقانه این امام معصوم علیه السلام دل مؤمن منتظر این گونه وصف شده است.

«رجالٌ کأنَّ قلوبهم زُبُرَ الحدید، لایشوبها شکٌّ فی ذاتِ اللّه أشَدُّ مِن الحَجَرِ لَو حَمَلوا علی الجبالِ لأَزَالوها لایقصِدون برایاتِهم بَلْدَةً إلا خَرَّبوها کأنَّ عَلی خیولهم العقبان یتمسّحون بِسَرْجِ الامام یطلبون بذَلک البرکه و یَحفّونَ به»؛ یاران مهدی، مردانی اند پولاد دل و همه وجودشان یقین به خدا است، سخت تر از صخره ها که اگر به کوه ها روی آورند، آنها را از جای بر کنند، درفش پیروزگر آنها به هر شهر و پایتختی روی نهد آنجا را به سقوط وادار سازد. گویی آن مردان، عقابان تیز چنگال اند که بر مرکبها، سوار شده اند. این شیر مردان پیروز و عقابان تیز چنگ برای تبرّك و فرخندگی دست خویش به زین اسب امام می کشند و بدین سان، تبرّک می طلبند.»(1)

بنابراین، استقامت، مقاومت، اعتقاد قوی و راسخ، وجود یقین، از جمله صفات و وظایف انسان منتظر است که زینت بخش جان و روح والای اوست.

پیوند یا تجدید عهد با مقام ولایت

یکی از وظایف مهمّی که هر شیعه منتظر بر عهده دارد، حفظ، تقویت و تعمیق پیوند عاطفی و تجدید عهد و پیمان خود با امام عصرعلیه السلام است.

تجدید بیعت با آن حضرت پس از هر نماز (فرایض پنج گانه)، در هر روز یا در هر جمعه به تقویت رابطه قلبی انسان منتظر با امام زمان علیه السلام کمک می کند، گاهی

۱- ۱۷۱. بحارالانوار، ج ۵۱، سوم، ب ۲۶، ص ۳۰۸، ح ۸۲.

اوقات بیعت به معنی هم عهدی و عقد بستن با یکدیگر به کار می رود.

بیعت کننده ملتزم شده که عهد محکمی با امام بسته او را با جان و مال خود یاری نموده و از یاری و نصرت او دریغ نکند و جان و مال خود را در راه او نثار نماید.

بیعت از طریق دو راه محقق می شود:

راه اوّل: تصمیم قلبی محکم بر اطاعت امر امام علیه السلام و یاری نمودن او با نثار جان و مال؛ یعنی بدون هیچ تعللی، آنچه را که بدان دل بسته، فدا کند.

راه دوم: ابراز کردن آنچه قصد نموده و دل بر آن نهاده به وسیله زبان است؛ زیرا بیعت و معاهده این گونه انجام می شود و اصل ایمان، التزام با دل و زبان به اطاعت فرمان پیغمبر و امام و تسلیم بودن در برابر آنها و یاری نمودنشان می باشد.(۱)

فرد منتظر باید در این دوران تکلیف خود را نسبت به امام بداند و بیش از پیش متوجه مسئولیت خود شود این موضوع در بسیاری از روایات مورد تأکید است که به ذکر یک نمونه از آن می پردازیم:

در روایتی که از امام صادق علیه السلام نقل شده آن حضرت در تفسیر کلام خدای متعال که می فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده اید صبر کنید و ایستادگی ورزید و مرزها را نگهبانی کنید و از خدا پروا نمایید، امید است که رستگار شوید.»(۲)

می فرمایند: «اصبروا علی اداء الفرائض و صابروا عدوکم و رابطو إمامکم المنتظر»؛ «بر انجام واجبات صبر کنید و با دشمنان خود پایداری نمایید و پیوند خود را با امام منتظرتان مستحکم نمایید».(۳)

۱- ۱۷۲. مکیال المکارم، ج ۲، ص ۳۲ - ۳۲۵.

۲- ۱۷۳. سوره آل عمران، آیه ۲۰۰.

۳- ۱۷۴. بحارالانوار، ج ۲۴، سوم، ب ۵۷، ص ۲۱۹، ح ۱۴ ونیز: غیبت نعمانی، ب ۱۱، ص ۲۹۰، ح ۱۱.

پس هر انسان منتظری باید با منتظَر خود، رابطه ای پایدار داشته و در عین حال از انجام تکالیف شرعی خود، باز نماند.

یکی از راه های ایجاد ارتباط دائمی شیعه با مقام عظمای ولایت آن است که هر روز به منظور تجدید عهد و میثاق دعای عهد بخوانند.

حدیثی از امام صادق علیه السلام در این زمینه نقل شده است که ایشان فرموده اند: «مَنْ دَعا إلی اللَّه أربعین صباحاً بِهذاالعَهد کان مِنْ أنصار قائمنا وَإن ماتَ قَبله أخرجه اللَّه تعالی مِنْ قبره و أعطاهُ بِکُلِّ ألفِ حسنه وَمَحا عنه ألف سیئه»؛ «هرکس چهل بامداد خدا را با این عهد بخواند. از یاوران قائم ماعلیه السلام خواهد بود پس اگر پیش از ظهور او از دنیا برود، خدای تعالی او را از قبرش خارج ساخته تا قائم را یاری دهد و خواه به شماره هر کلمه از آن هزار حسنه به او عطا کند و هزار بدی را از او برطرف می کند.»(۱)

بخشی از این دعا که به عهد با امام مربوط می شود عبارت است از:

«اللهم انی أُجَدد لَهُ فی صبیحهِ یومی هذا و ما عِشتُ مِنْ أیامی عهداً و عقداً و بَیعهً لهُ فی عُنقی لاأحولُ عنها ولا أزولُ أبداً. اللهم اجْعلنی مِنْ أنصاره و أعوانه والذّابّین عنه وَالمُسارعین فی قضاء حوائجه و الممتثلین لِأ وأَمره والمُحامین عنه والسّابقین إلی إرادته وَالْمُستَشهَدینَ بَیْن یدیه»؛ «بار خدایا من در بامداد این روز و تمام زندگیم، عهد و عقد و بیعتی را که از آن حضرت بر گردن من است با او تجدید می کنم که هرگز از آن عهد و بیعت برنگردم

ص:۱۳۲

۱- ۱۷۵. مهج الدعوات ص ۴۵۵. بحارالانوار، ج ۸۶، ب ۴۵، ص ۳۸، ح ۴۷.

و بر آن پایدار بمانم. خدایا مرا از یاران آن حضرت و مدافعان حریم مقدّس او و شتاب کنندگان به سوی او و اطاعت کنندگان از دستورات و نواهی او و از حمایت کنندگان از او و پیشی گیران در انجام اراده او و از شهیدان در رکاب او قرار ده.»(1)

این فراز از دعا نشانگر پیوند ناگسستنی با امام است و اینکه تا پای جان، انسان منتظر مخلصانه به اوامر و نواهی او عمل می کند و هرگز تن به معصیت و ذلت نخواهد داد.

اگر همه در جامعه با همدلی و همراهی دست یاری به سوی امام و مولای خود دراز کنند و بر عهد و پیمان خود با ولی خدا ثابت قدم بمانند دیری نخواهد پایید که فرج مولایشان را درک خواهند کرد. در توقیع تشریعی که از امام به دست رسیده چنین آمده است.

«وَلَو أنَّ اشیاعنا و فَّقَهم اللّه لطاعته علی اجتماع من القلوب فی الوفاء بالعهد علیهم لما تأخَّر عنهم الیُمن بلقائنا و لَتَعَجلَتْ لهم السعاده بمشاهدتنا علی حق المعرفه و صدقها منهم بنا»؛ «اگر شیعیان ما که خدا آنان را - در اطاعت خود - یاری دهد، در وفای پیمانی که از ایشان گرفته یکدل و مصمّم باشند، نعمت لقای ما از آنان به تأخیر نمی افتاد و سعادت و دیدار ما برای آنها با معرفت کامل و راستین نسبت به ما ،شامل حال آنان خواهد شد».(2)

چشم انتظاران و منتظران حقیقی حضرت صاحب الزمان علیه السلام علاوه بر دعای عهد، می توانند از راه های دیگر با امام ارتباطی قلبی معنوی داشته و بیشتر با آن حضرت مأنوس باشند از آن جمله دعای ندبه، دعای فرج، اهدای قرائت قرآن به

۱- ۱۷۶. همان، ص ۴۵۶.

۲- ۱۷۷. الخرائج والجرائح، ج ۲، ص ۹۰۳؛ بحارالانوار، ج ۵۳، ب ۳۱، ص ۱۷۷، ح ۸.

آن حضرت، زیارت آل یس، نماز امام زمان، زیارت روز جمعه، هدیه ثواب نماز به آن حضرت، استغاثه به آن امام، توسل و طلب شفاعت از خدا به وسیله آن حضرت، حضور در مسجد جمکران، مسجد سهله و... .

بصیرت و فهم دینی

منتظر باید تلقّی صحیحی از دین اسلام داشته باشد؛ زیرا که دین شناسی در عصر غیبت، بیشتر معنا یافته و انسان به علت کثرت نظریات در مورد دین پژوهی و افزایش روند برداشت های ناصواب از دین، باید اسلام ناب را از سر چشمه ها و منابع اصلی اش دریافت کند.

مطالعه در تاریخ ادیان گذشته نشان می دهد که پس از گذشت مدتی این ادیان از خلوص نخستین خود فاصله گرفته و دچار تأویل، تفسیر، حذف و اضافه، تحریف و... شده اند. گر چه هرگز تحریف لفظی در مورد قرآن وارد نشده است امّا تحریف معنوی همچون کج اندیشی ها، تفسیر به رأی ها، جعل حدیث، نفوذ فرهنگ های بیگانه، تک بعدی دیدن دین، مهجور شدن وحی از زندگی ها و... همگی باعث تهدید خلوص اسلام اند.

امام مهدی علیه السلام نه تنها یک رهبر عدالت گستر است بلکه یک مصلح بزرگ دینی است که بساط همه بدعت گذاران و دین فروشان را بر هم خواهد پیچید. همچون رسول خداصلی الله علیه وآله که در آغاز بعثت، مردم با بت های سنگی خود رو به روی رسول اللّه صلی الله علیه وآله ایستادند، در زمان ظهور امام علیه السلام هم عدّه ای با تمسک به آیات الهی، با حضرت مقابله می کنند حضرت نیز آنها را درهم خواهد کوبید.(۱)

۱- ۱۷۸. در انتظار ققنوس، ص ۲۸۴.

علت اینکه این مقدّس نمایان در برابر حضرت می ایستند به هوا پرستی و عدم تربیت و معرفت اسلامی آنها بر می گردد که در عصر امام علی علیه السلام با عنوان گروه مارقین، ناکثین، قاسطین و خوارج مطرح بودند.

این گروه افراد، در زمان حاکمیت امام زمان علیه السلام، بر حضرت تیغ می کشند؛ زیرا که نه فهم جامع و ژرفی از دین داشته و نه ادب دینی بر خورد با حجّت الهی را دارند.

امام با دو جبهه داخلی و خارجی وارد جنگ می شود در جبهه داخلی با منتظرانی که می پنداشته اند، امام موعود آن کسی است که آرزوهایشان را برآورده می کند و یا دین پذیرفته شده توسط خودشان را اجرا می کند و در جبهه خارجی با نظام استکبار جهانی مبارزه می کند.

پس بر منتظران واقعی، لازم است که با شناخت نظری - عملی خود به وظیفه خود عمل کنند؛ زیرا که شناخت صحیح عقاید و افکار، موضع گیری ها و اعمال در عصر غیبت از کوشش در عبادات افضل است.(۱)

دختر رشید هجری، شیعه معروف می گوید: به پدرم گفتم: ای پدر چه بسیار در عبادت خدا رنج می بری و کوشش می کنی؟ در پاسخ گفت:

دخترم پس از ما مردمی می آیند که بصیرت و شناخت آنها از دین از این رنج ها افضل است».(۲) بنابراین بصیرت و شناخت باعث استقامت و پایداری بیشتر و نیز پیروی همه جانبه از خط ممتد رهبری امام شده و این گونه انسان در حوزه ولایت خدا و امام وارد خواهد شد؛ زیرا که ائمّه معصوم علیهم السلام تأکید کرده اند که در روزگار غیبت به آداب و احکام مکتب دینی اسلام عمل کرده تا سرانجام پیشوای نهان گشته ظهور کند. امام جعفر صادق علیه السلام در این زمینه می فرمایند: «إذا کان ذلک (الزمان)

۱- ۱۷۹. همان، ص ۲۸۵.

۲- ۱۸۰. الاختصاص، ص ۷۸.

فتمسّـكوا بالامر الاول حتى يتبن لكم الاخر اذا اصبحت و أمسَـيْت يوما لاترى فيه اماماً من آل محمّـد فأحبّ من كنت تحب و أبغض من كنت تبغض ووال من كنت توالي وانتظروا الفرج صباحاً و مساءً...»؛ «هرگاه زمان غيبت فرا رسيد به دستورات امامان پيشين چنگ زنيد تا امام آخرين شما ظهور كند هرگاه روزى رسيد كه امامى از آل محمّدصلى الله عليه وآله در ميان خود نداشتيد همين امامانى را كه دوست مى داشتيد دوست بداريد و همان كسان (خط باطلى) كه دشمن مى داشتيد، دشمن بداريد، همواره در خط رهبرى و ولايت حقه جاى داشته باشيد و صبح و شام در حالت انتظار (آمادگى) به سر بريد.»(۱)

پس منتظر راستينى كه با اعتقاد، تقيّد و فهم صحيح از احكام و تعاليم دينى، لحظه به لحظه منتظر ظهور مصلح است شايسته ستايش و وصف زيباى امام زين العابدين عليه السلام خواهد بود، آنجا كه مى فرمايند: «إنّ اهل زمان غيبته، والقائلون بامامته، والمنتظرون لظهوره أفضل من أهل كل زمان لأنّ اللّٰه تعالى ذكره أعطا هم من العقول والافهام والمعرفه ما صارت به الغيبه عندهم بمنزله المشاهده و جعلهم فى ذلك الزمان بمنزله المجاهدين بين يدى رسول اللّٰه بالسّيف اولئك المخلصون حقاً و شيعتنا صدقاً والدّعاه الى دين اللّٰه سرّاً و جهراً»؛ «مردمانى كه در روزگار غيبت به سر مى برند و معتقدند و منتظر امام هستند از مردمان همه زمان ها افضل اند؛ زيرا كه خداى متعال به آنان خرد، فهم و معرفتى داده است كه غيبت امام براى آنان مانند حضور است (يعنى با اينكه در عصر غيبت به سر مى برند و امام را نمى بينند، از نظر ايمان، تقوى و پايدارى، گويى در زمان ظهور به سر مى برند و امام خود را مى بينند) خدا اين مردم را مانند سربازان

۱- ۱۸۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ب ۲۲، ص ۱۳۲، ح ۳۷.

پیکارگر اسلام قرار داده است، همانا که در رکاب پیامبر شمشیر می زدند و پیکار می کردند آنانند اخلاص پیشگان حقیقی و شیعیان واقعی که در نهان و عیان مردم را به دین خدا دعوت می کنند».(۱)

اصلاح طلبی یا امر به معروف و نهی از منکر

یکی دیگر از تکالیف فرد منتظِر گام برداشتن در جهت امر به معروف و نهی از منکر و نیز اصلاح جامعه است؛ زیرا که او منتظِر مصلح جهانی است پس باید مصلح باشد یعنی اهل مبارزه با هر گونه فساد سیاسی، اجتماعی، اخلاقی و... که این امر در قالب قانون امر به معروف و نهی از منکر مطرح شده است.

نتیجه مستقیم انجام این فریضه «اصلاح و اجرا کننده آن «مصلح» گفته می شود و آن قدر، امر به معروف و نهی از منکر که جزء فروع دین یک مسلمان است اهمّیت دارد که در آیات قرآن و احادیث ائمه معصومین علیه السلام از آن یاد شده است.

خداوند در قرآن کریم می فرمایند: «کُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنْ الْمُنكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ: شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شده اید، به کار نیکو فرمان می دهید و از کار ناپسند باز می دارید و به خدا ایمان دارید.»(۲)

امام باقرعلیه السلام فرموده اند: «إن الامر بالمعروف والنهی من المنکر سبیل الانبیاء و منهاجُ الصلحاء فریضه عظیمه بها تقام الفرائض و تأمن المذاهب و تَحِلُّ المکاسب و تردّ المظالم و تعمر الارض و ینتصف من الاعداء و یستقیم الامر: بی تردید امر به معروف و نهی از منکر راه انبیاء و طریقه صالحان

ص:۱۳۷

۱- ۱۸۲. همان، ب ۲۲، ص ۱۲۲، ح ۴.

۲- ۱۸۳. سوره آل عمران، آیه ۱۱۰.

است امر به معروف و نهی از منکر وظیفه خطیری است که سایر واجبات دینی به واسطه آن انجام می پذیرد، راه ها به وسیله آن امنیت می یابد و درآمدها بوسیله آن حلال و مشروع می گردند و مظالم دفع می گردد و زمین آباد می شود و از دشمنان انتقام گرفته می شود و امور سامان می یابد.»(1)

امر به معروف و نهی از منکر مانع از نزول عذاب الهی شده و از تسلط اشرار بر جامعه جلوگیری می کند، این اصل مهم در روزگار غیبت دارای دو خصوصیت است:

۱ – در سطح فردی

هر انقلابی پس از پیروزی به وجود نیروهای متخصص و قابل اعتماد نیاز دارد. منتظران باید در دوران انتظار عملیات بنیادین کادرسازی که تشکل های سیاسی هم این کار را می کنند را به منظور استفاده از نیروی عظیم انسانی، برای انقلاب جهانی در درون خود ایجاد کنند که مؤلّفه اصلی افراد این کادر پارسایی و آراستگی به مکارم اخلاق است و آنها داعیان به سوی خیر و مانعان ایجاد شرّ هستند.

۲ – در سطح حکومتی

منتظران موظفند با منکرات کلان حکومتی، برخوردی جدّی داشته باشند زیرا که اثرات منکرات دستگاه های رسمی به مراتب مخرّب تر است.

یکی از اساسی ترین رسالت های منجی موعودعلیه السلام برچیدن بساط ظلم و حق کشی، و هرگونه حاکمیّت غیر الهی است. به پا خواستن مستضعفان در رکاب امام و مواجهه شدن با دشمنان اسلام نیازمند پیش زمینه روانی مساعد است که اگر آنان عمری را در پذیرش سلطه جابران و حزب شیطان سپری کرده باشند، این ضعف

۱- ۱۸۴. فروع کافی، ج ۵، ص ۵۶، ح ۱.

روحی در برابر امواج خطرناك آنها را سست می کند از این رو، امر و نهی حاکمان و سردمداران دولت ها یکی از با ارزش ترین عمل فرد مسلمان است.(۱) در این باره پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله می فرمایند: «أفضلُ الجِهادِ کلمه عدل عند امام جائر؛ برترین جهاد، سخن عادلانه ای است که در برابر حاکم ستمگری بر زبان جاری شود.»(۲)

به نظر می رسد سخن عادلانه؛ یعنی گفتاری که بوی امر به معروف و نهی از منکر بدهد، به عنوان برترین جهاد، شمرده شده است که جزء تکالیف منتظر حقیقی که آرزومند ظهور مصلح عدالت گستر است می باشد. امام باقرعلیه السلام نیز در فرمایشی اجر آمران به معروف و ناهیان از منکر را چنین برشمرده اند که: «مَنْ مشی إلی سلطانٍ جائر فأمره بتقوی اللّه و وعظه و خَوَّفَهُ کانَ له مثل أجْر الثقلین مِنَ الجن والإنس و مثل أعمالهم: هر کس به سوی حاکم ستمگری رود و او را به تقوای الهی امر نموده و موعظه اش کند و بترساند خدا مانند اجر جن و انس و عبادات ایشان را به وی عطا کند.»(۳)

بنابراین، منتظران واقعی که زمینه سازان ظهور مصلح بزرگ اند، با اقتدا به امامشان که حضر...مهدی علیه السلام می باشد؛ یعنی کسی که صلحایی در اختیار دارد و بزرگترین مصلح به شمار می رود اقتدا کرده و مشی مبارزاتی او را علیه جبّاران پیشه خود ساخته اند، چرا که آنان مصداق حدیث پیامبرند که می فرمایند:

«طوبی لِمَنْ أدرک قائم اهل بیتی و هُوَ مقتد به قبل قیامه: خوشا به حال آن

۱- ۱۸۵. در انتظار ققنوس، ص ۲۸۶.

۲- ۱۸۶. اصول کافی ج ۵، ص ۶۰، ح ۱۶ و نیز: کنزالعمال، ج ۳ ص ۷۸، ح ۵۵۷۶.

۳- ۱۸۷. غیبت نعمانی، ص ۲۶۱، و نیز: بحارالانوار، ج ۷۵، ب ۸۲، ص ۳۷۵، ج ۳۰.

کس که قیام کننده اهل بیت من را درک کند و قبل از قیامش به او اقتدا نماید.»(۱)

شاخص مهم این اقتدا همین امر به معروف و نهی از منکر کردن و تلاش برای اقامه احکام الهی است.

آماده باشِ کامل

یکی دیگر از تکالیف واجب بر دوش انسان منتظر، کسب آمادگی است که به بیانی زیباتر می توان گفت؛ این امری طبیعی است که اگر انسان منتظر مهمان عزیزی است سعی می کند، فضا و مکان و استقبال کنندگان را در حدّ امکان با مقام فرد منتظر، کاملاً همانند و هماهنگ کند و از این رو به منظور زمینه سازی، برای حکومت مصلح جهانی چند نوع آمادگی لازم است.

۱ - آمادگی فکری

یعنی سطح افکار مردم جهان، آن چنان بالاـ رود که بدانند مسأله نژاد یا مناطق مختلف جغرافیایی، مسأله قابل توجهی در زندگی بشر نیست و تفاوت رنگها، زبانها، سرزمینها، نمی تواند بشر را از هم جدا سازد.

۲ - آمادگی اجتماعی

مردم جهان باید از ظلم و ستم نظامات موجود، خسته شده و تلخی این زندگی مادّی و تک بعدی را احساس کنند و حتی از اینکه ادامه این راه تک بعدی مشکلات افزون تری را ایجاد نماید مأیوس شده و همه هماهنگ با هم در رفع نابسامانی ها تلاش نموده تا آمادگی برای یک انقلاب همه جانبه بر اساس ارزش های واقعی، به وجود آید.(۲)

۳ - آمادگی علمی

بر خلاف آنچه بعضی می پندارند که رسیدن به مرحله

۱- ۱۸۸. بحارالانوار، ج ۵۲، ب ۲۲، ص ۱۲۹، ح ۲۵.
۲- ۱۸۹. حکومت جهانی مهدی، ص ۸۰ - ۸۳.

تکامل اجتماعی و رسیدن به جهانی آکنده از صلح و عدالت تنها با نابودی تکنولوژی جدید امکان پذیر است و باید گفت، وجود این صنایع پیشرفته نه تنها مزاحم یک حکومت عادلانه جهانی نیست، بلکه شاید بدون آن وصول به چنین هدفی محال باشد. برای ایجاد و کنترل یک نظام جهانی، یک سلسله وسایل مافوق مدرن لازم است نه اینکه باید معجزه ای بشود، معجزه استثنایی است منطقی، برای اثبات حقانیت یک آیین آسمانی نه برای اداره همیشگی نظام جامعه، بلکه این کار بر محور قوانین طبیعی صورت می گیرد.

۴ - آمادگی فردی

حکومت جهانی قبل از هر چیز نیازمند عناصر و افراد آماده و ارزشمند است تا بتواند، بار سنگین اصلاحات وسیع را به دوش بکشد. این امر در درجه اوّل به بالاترین سطح آگاهی و آمادگی روحی، فکری افراد برای اجرای برنامه عظیم، نیازمند است. منتظر واقعی هرگز درباره چنین برنامه مهمّی نقش تماشاگر را ندارد.

اگر از یک سو، آمادگی شرط حضور و ظهور باشد و از طرفی دیگر این آمادگی به دست خود انسان صورت گیرد، طبیعی است که انسان می تواند در تعجیل فرج و ظهور نقش داشته باشد.

۵ - آمادگی نظامی

یکی دیگر از آمادگی های بسیار مهم، آمادگی نظامی است؛ زیرا که منتظر قیام و انقلاب عظیم جهانی، بدون هیچ گونه آمادگی نظامی نمی تواند به کمک این انقلاب بشتابد.(۱)

منتظر برای حضور فعال در صف پیکارگران حضرت مهدی علیه السلام و قرار گرفتن در بین یاران رکابی امام عصرعلیه السلام لازم است دارای آمادگی نظامی و نیروی

۱- ۱۹۰. همان، ص ۸۲.

سلحشوری باشد، تا به نصرت فرمانده اش بشتابد.

تعلیم و دستوری تابنده از امام صادق علیه السلام در این زمینه برای افرادی که طالب حضور در رکاب حضرت مهدی علیه السلام هستند وارد شده که تکلیفی دیگر برای منتظران محسوب می شود امام جعفر صادق علیه السلام می فرمایند:

«لیعدن أحدُکم لخروج القائم ولو سهماً فإن اللّه تعالی إذا علم ذلک من نیته رجوت لان ینسی ء فی عمره حتی یدرکه [فیکون من أعوانه و أنصاره ؛ هر یک از شما، می بایست برای خروج امام قائم علیه السلام، اسلحه تهیه کند اگرچه یک نیزه، چون وقتی خدا ببیند کسی به نیّت یاری مهدی علیه السلام اسلحه تهیه کرده است امید است عمرش را طولانی کند تا ظهور او را درک نماید و از یاران مهدی علیه السلام باشد یا برای این آمادگی به ثواب درک حضور برسد».(۱)

پس باید شیعیان متوجّه این امر بوده و بدین وسیله آماده ظهور عدالت گستر و خوار سازنده مستکبران باشند و در هیچ زمانی این امر نباید مورد غفلت واقع شود و آن گونه که از حدیث بر می آید. یاران حضرت مهدی و پیروان صدّیق آن حضرت به تهیّه اسلحه، امر شده اند و این سفارش آن قدر مهم است که از بین سلاح های مافوق مدرن اگر در دسترس فرد نبود، از تهیه یک نیزه کوچک هم به منظور یاری امام دریغ نکنند؛ چون قصد یاری امام را دارند. پاداش همیاری به آنها داده خواهد شد یا اینکه برای این آمادگی، به پاداش درک حضور برسد. در روایت دیگری که مرحوم کلینی رحمه الله از امام موسی کاظم علیه السلام نقل کرده، چنین آمده است: «من ارتبط دابّه متوقّعاً به أمرنا و یغیظ به عدونا و هو منسوب إلینا أدرّاللّه

ص:۱۴۲

۱- ۱۹۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ب ۲۷، ص ۳۶۶ و نیز: غیبت نعمانی، ب ۲۱، ص ۴۵۵.

رزقه و شرح صدره و بلّغه امله و کان عونا علی حوائجه: هر کس اسبی را به انتظار امر ما، نگه دارد و به سبب آن دشمنان ما را خشمگین سازد، در حالی که او منسوب به ماست، خدا روزیش را فراخ گرداند و به او شرح صدر عطا کند و او را به آرزویش برساند و در رسیدن به خواسته هایش یاری کند.»(۱)

در حدیث فوق از نگه داشتن اسب به منظور یاری امام و برائت و دشمنی با دشمنان دین و به عنوان نمادی از تمهیدات نظامی یاد شده و چون قصد و اراده فرد در جهت خیر و مورد رضای ائمّه علیهم السلام است، در قبال آن پاداش الهی شامل حال او شده و خدا او را در دستیابی به خواسته ها یاری می کند و اینکه سخن از خواسته ها گفته شده، منظور همان خواسته های به حقّ فرد منتظر است که با این قصد و نیّت نیکو در نصرت دین الهی گام بر می دارد.

مرحوم کلینی رحمه الله از ابوعبداللَّه جعفی نقل می کند: حضرت امام باقرعلیه السلام به من فرمودند: «کم الرّباط عندکم؟ قلت، اربعون، قال: لکن رباطنا، رباط الدّهر و مَنِ ارتبط فینا دابّه کان لَه وزن ها و وزن وزن ها ماکانت عنده و من ارتبط فینا سلاحاً کان لَه وزنه ما کان عنده» منتهای زمان مرابطه [مرزداری]نزد شما چند روز است؟ عرضه داشتم: «چهل روز»

فرمودند: «ولی مرابطه ما، مرابطه ای است که همیشه هست و هر کس درباره ما اسبی را مهیّا کند به مقدار دو وزن آن تا مادامی که آن را نگه داشته، برایش ثواب خواهد بود و هر کس سلاحی را برای یاری ما نزد خود مهیّا سازد، مادامی که نزد او هست به مقدار وزن آن برایش ثواب خواهد بود.»(۲)

۱- ۱۹۲. اصول کافی ج ۶، ص ۵۳۵ ح ۱.

۲- ۱۹۳. روضه کافی، ج ۸، ص ۳۸۱، ح ۵۷۶.

مرحوم مجلسی رحمه الله در شرح کلام امام که فرموده اند «مرابطه ما مرابطه ای است که همیشه هست» گوید: «یجبُ علی الشیعه أن یربطوا أنفسهم علی طاعه الامام الحق و انتظار فرجه و تهیؤرا دائماً لِنُصرَته»؛ «یعنی بر شیعیان واجب است که خود را بر اطاعت امام بر حق و انتظار فرج اوآماده کرده و دائماً برای یاری نمودن او مهیّا باشند.»(۱) و در شرح فرمایش امام علیه السلام که فرموده اند: «به مقدار دو وزن آن...» گوید: «یعنی ثواب صدقه دادن، دو برابر وزن آن، طلا و نقره، هر روز برایش خواهد بود و احتمال دارد که از باب تشبیه معقول به محسوس باشد یعنی؛ برای او دو چندان وزن آن اسب، ثواب خواهد بود.(۲) در قرآن کریم نیز آمده است: «یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّکُمْ تُفْلِحُونَ»: «ای کسانی که ایمان آورده اید، ایستادگی ورزید و مرزها را نگهبانی کنید و از خدا پروا کنید امید است که رستگار شوید».(۳)

معنای مرابطه

از طریق آشنایی با معنای مرابطه و فضیلت آن، می توان هر چه بهتر به شناسایی معارف مربوط به مباحث مهدویّت و تکالیف عصر انتظار، پرداخت: معنای آن بدین قرار است.

«مرابطه از «ربط» به معنی «بستن» است و در اصطلاح فقهی یعنی اینکه؛ شخص

ص:۱۴۴

۱- ۱۹۴. روضه کافی، ص ۳۸۲: مجلسی فی کتابه.
۲- ۱۹۵. روضه کافی، ص ۳۸۲، هذا من قبیل تشبیه المعقول بالمحسوس أی له من الثواب کمثلی وزن الدابه».
۳- ۱۹۶. سوره آل عمران، آیه ۲۰۰.

مؤمن در یکی از مراکز نفوذ دشمن، اسب [مرکب]خود را نگه داشته، برای حفظ بلاد اسلام و جلوگیری از یورش کفّار، که اگر بر مسلمین هجوم کنند، آنها را دفع نماید.»(۱)

فضیلت مقام مرابطه کننده

در فضیلت مقام و مرتبت مرابطه کننده در حدیثی از امام صادق علیه السلام آمده است که: «رباط لیلهٍ فی سبیل اللّه خیر من صیام شهر و قیامه و إن مات جری علیه عملهُ الّذی کان یعمَلُهُ و أجری علیه رزقه:

یک شب مرابطه کردن [اسب مهیّا داشتن در راه خدا، از اینکه شخص یک ماه، روزها روزه باشد و شب ها به عبادت قیام کند، ثوابش بیشتر است، پس هرگاه بمیرد عملی که انجام می داده، بر او جریان خواهد یافت. و روزیش بر او جاری، خواهد شد.(۲)[شاید منظور، عالم برزخ باشد.]

بنابراین در می یابیم که یکی از وظایف حتمی منتظران، علاوه بر آمادگی قلبی، آماده باش نظامی است که در احادیث گوهر بار ائمّه معصومین علیهم السلام به این امر تصریح شده و علمای شیعه، فقیهان و محدّثان در ذیل احادیث پیرامون «مرابطه» بیاناتی مبذول داشته اند که به نظریات چند نفر از آنها - در حدّ گنجایش این کتاب - اشاره می کنیم.

نظر علمای شیعه پیرامون «مرابطه»

شیخ محمّد حسن نجفی، در شرح روایت مربوط به «مرابطه» این گونه نظر

۱- ۱۹۷. اصول کافی ج ۸، ص ۵۸۵.

۲- ۱۹۸. عوالی اللئالی العزیزیه، ج ۳، باب الجهاد، ص ۱۸۳، و نیز در، الجامع الصحیح، ج ۶ باب فضل الرباط فی سبیل اللّه، ص ۵۱، و در: جواهر الکلام، ج ۲۱، کتاب الجهاد، ص ۴۰.

داده اند: «مرابطه» در این روایت به معنای اراده انتظار فرج در تمام ساعات شبانه روز است همچنان که در بعضی از روایات نیز به این معنا، اشاره شده است نه مرابطه مصطلح در فقه.»(۱)

شاید بتوان گفت که کلام صاحب «جواهر» در نهایت به همان کلام علاّمه مجلسی بر می گردد که فرمود: «مرابطه در روایت مزبور به معنای آمادگی و مهیّا بودن برای یاری امام منتظر است. رمز اینکه شیعه باید، هر لحظه آماده یاری امام خود باشد این است که زمان ظهور برای ما مشخص نیست و هر وقت که اراده خدا تعلّق گیرد، ممکن است ظهور واقع شود.»(۲)

پس بر هر شیعه منتظر، واجب است که هر لحظه مهیّای ظهور باشد و نکته جالبی که باید مدّ نظر باشد، اینکه نحوه آمادگی برای ظهور بستگی به شرایط زمان و مکان دارد و اگر در بعضی از روایات سخن از اسب، نیزه، شمشیر و ... است، بدین معنا نیست که اینها موضوعیّت دارند بلکه ذکر اینها به عنوان تمثیل و لزوم آمادگی رزمی برای یاری امام است.

بنابراین تکلیف هر شیعه است که با فرا گرفتن فنون نظامی و رزمی و مسلّح نمودن خود به تسلیحات روز، آمادگی خود را برای مقابله با دشمنان آل محمّدصلی الله علیه وآله ابراز کند.

---

۱ - ۱۹۹. نجفی، همان، ج ۲۱، کتاب الجهاد، ص ۴۳. «و هو محمول علی اراده ترقب الفرج ساعه بعد ساعه کما جائت به النصوص لاالرباط المصطلح کما هوواضح.»

۲- ۲۰۰. بحارالانوار، ج ۵۸، ب ۱، ص ۲۶، الرباط: المواظبه علی الأمر و ملازمه ثغرالعدّو و کالمرابطه والمرابطه أن یربط کلٌّ من الفریقین خیولهم فی ثغره و کل مُعدّ لصاحبه فسمّی المقام فی الثغر رباطاً و عنه قوله تعالی «و صابروا و رابطوا».

الحمدللّه در کشور ما به خاطر وجود حاکمیت ولی فقیه جامع الشرایط و داشتن دولت و ملّتی شیعی، این وظیفه خطیر در درجه اوّل به عهده حکومت اسلامی است، که قوای مسلّح کشور آن چنان مجهّز و مهیّا باشد که هر آن با فرا رسیدن امام علیه السلام جزء لشکریان صاحب الزمان قرار گیرند.

ارتباط با مراجع تقلید و فقها

همه ما در عصر غیبت موظفیم که به احکام اسلام، عمل کنیم امّا باید بدانیم در زمان خاصّ خودمان، برای فرا گرفتن مستقیم احکام دین و دسترسی نداشتن به امام معصوم تکلیف ما چیست؟ آیا بی مسئولیت و بی تفاوت باشیم یا اینکه با احتیاط عمل کنیم؟

پاسخ به این پرسش مطرح شده، نشانگر وظیفه هر مسلمان به ویژه مشخص شدن تکلیف منتظران است که طبق فرمایش ائمّه معصوم علیهم السلام باید به فقیهان جامع الشرایط مراجعه کنیم.

امام حسن عسکری علیه السلام به نقل از امام صادق علیه السلام، وظیفه منتظران را در عصر غیبت، این چنین ترسیم کرده اند:

«امّا هر یک از فقها که نفس خود را بازدارند و دین خود را نگهدارند و هوای نفس خود را پس زنند و اوامر مولای خود را اطاعت کنند، بر مردم لازم است که از او پیروی کنند و تنها بعضی از فقهای شیعه اند که دارای این صفات اند نه همه آنها.»(۱)

۱- ۲۰۱. عاملی، پیشین، ج ۲۷، ب ۱۰، ص ۱۳۱، ح ۲۰: «و أما من کان من الفقهاء صائناً لنفسه، حافظاً لدینه، مخالفاً علی هواه، مطیعاً لامر مولاه، فِللعوام أن یقلدوه و ذلک لایکون لابعض فقهاء الشیعه لاکُلَّهم».

دین مبین اسلام آن قدر احکام خود را ظریفانه، دقیق و با منطق وضع کرده است که شیعیان را در روزگار غیبت امام معصوم هم رها ننموده، زیرا که با مشخص کردن راه کمال و تداوم آن، اطاعت از هر عالمی را جایز نمی داند بلکه آن عالم عاملی که به تربیت و تهذیب نفس خود پرداخته و در یک کلام عادل است را شایسته تبعیت دانسته است.

غیر از حدیث مذکور، وجود مقدّس امام عصرعلیه السلام، در یکی از توقیعات شریف خود در پاسخ به اسحاق بن یعقوب این چنین می فرمایند:

«و أمّا الحوادث الواقعهُ فارْجعوا فیها إلی رُواهِ حدیثنا فإنّهم حجّتی عَلیکم و أنا حجه اللّه علیهم، و امّا در رویدادهایی که در آینده پیش می آید به راویان حدیث مارجوع کنید زیرا آنها، حجّت بر شما هستند و من حجّت خدایم بر ایشان.»(۱)

البتّه اینکه ما باید به راویان احادیث اهل بیت علیهم السلام رجوع کنیم، منظور همان فقهای جامع الشرایط زمان غیبت هستند و بر هر شیعه منتظر، تکلیف است در این دوران که از دسترسی به امام معصوم، محروم است، مراجع عظام تقلید یعنی مجتهدان جامع الشرایط دینی و در رأس آنها ولی مطلقه فقیه را اطاعت کند.

نگوداشت یاد و نام امام عصرعلیه السلام

بر انسان مومن لازم است که به تکریم، تعظیم و یاد ائمّه علیهم السلام بپردازد، به ویژه امام مهدی علیه السلام که جایگاه و منزلت خاصی دارند، بنابراین لازم است که نسبت به

۱- ۲۰۲. علل الشرایع، ج ۲، ب ۴۵، ص ۲۳۸، ح ۴.

تعظیم و یاد ایشان نهایت تلاش و کوشش را به کار گیریم. علل این امر، عبارت است از:

۱ – امام مهدی علیه السلام، امام عصر ما و حجّت حیّ و حاضر و ناظر خدایند.

۲ – آن حضرت، وارث تمام فضایلی اند که در آل محمّدعلیهم السلام وجود دارد.

۳ – ایشان احیاگر مکتب اهل بیت علیهم السلام و احیا کننده دین در کلّ جهان اند.

۴ – حضرت مهدی علیه السلام دارای جایگاه ویژه ای در بین امامان علیهم السلام هستند تا آنجا که امام صادق علیه السلام در پاسخ به کسی که از ایشان می پرسند: آیا قائم علیه السلام متولد شده است؟ می فرمایند: «لا، ولو ادرکته لخدمتُهُ أیّام حیاتی: خیر، امّا اگر او را در می یافتم حتماً همه ایّام زندگی ام، به او خدمت می کردم.»(۱) به یاد حضرت بودن، که متعاقب بیعت و عهد با امام است، مصادیق مختلفی دارد که به چند مورد از آنها اشاره می کنیم:

۱ – تلاش برای محبوبیت امام

آن که اهل احسان نمودن است محبّتش واجب و نیکوست و سزاوار است او را محبوب کرد.

امام صادق علیه السلام فرموده اند: «رحم اللّه عبداً إجْتَرَّ مودّهالناس إلینا، فَحَدَّثهم بما یعرفون و ترک ماینکرون: خدا رحمت کند بنده ای را که مودت مردم را به سوی ما بکشاند و آنان را به معروف فراخواند و آنچه را منکرند، واگذارد.»(۲)

یاد کردن حضرت در جمع مردم، علاوه بر ایجاد رابطه عاطفی و ایجاد محبوبیت به افزایش رابطه های معنوی کمک می کند.

ص:۱۴۹

۱– ۲۰۳. بحارالانوار، ج ۵۱، ب ۶، ص ۱۴۸، ح ۲۲، و نیز:غیبت نعمانی، ب ۱۲، ص ۳۵۴، ح ۴۶.
۲– ۲۰۴. الامالی، ص ۱۵۹، ح ۷.

۲ - ذکر مناقب و فضایل حضرت

بر شمردن صفات عالی انسانی و کمالات والای امام در محفل مؤمنان، برای اهل زمین و آسمان فخر آور و برای ابلیس عذاب آور است. این مطلب را از فرمایش امام موسی بن جعفرعلیه السلام در می یابیم ایشان می فرمایند:

لیس شی انکی لابلیس و جنوده من زیاره الاخوان فی اللّه بعضهم لبعض. قال: و انّ المؤمنین یلتقیان فیذکران اللّه ثُمَّ یذکران فضلنا اهل البیت فلا یبقی علی وجه ابلیس مضغه لحم إلاّ تَخَدَّدَ حتّی أنّ روحه لتستغیث من شدّه ما یجدُ من الألم فتحسّ ملاکه السماء و خزّان الجنان فیلعنونه حتّی لایبقی ملک مقرب إلاّ لعنه فیقع خاسئاً حسیراً مدحوراً.

هیچ چیز بر ابلیس و لشکریانش دشوارتر نیست از اینکه برادران ایمانی با یکدیگر دیدار کنند و همانا دو مؤمن با یکدیگر دیدار می کنند، پس خدا را یاد کنند و سپس فضایل ما را یادآوری نمایند، در این حال گوشت سالمی بر صورت ابلیس باقی نمی ماند. تا جایی که روح پلیدش به التماس می افتد از فرط اینکه درد می کشد. پس فرشتگان آسمان و گنجوران بهشت متوجه می شوند، او را لعنت می کنند تا اینکه هیچ فرشته مقرّبی باقی نماند، مگر اینکه او را لعنت کند، پس زبون و با حسرت می افتد.(۱)

پس بر مؤمنان به ویژه بر منتظران حضرت، واجب است که خدا و ائمّه را نزد مردم یاد کرده و باعث توجّه خلق خدا به کرامات و عنایات ولی نعمت خود کنند؛ زیرا که این امر، به ابراز و اثبات عشق عاشقان ساحت مقدّس آن معصوم نزدیک تر است و حقّ آن حضرت بهتر ادا می شود.

۱- ۲۰۵. اصول کافی ج ۲، کتاب الایمان والکفر، ص ۹۸۸، ح ۷.

۳ - اندوهگین بودن از فراق یار

عـاشق منتظر امـام به خـاطر شـدّت محبّت و دوسـتی بـا آن ولی خـدا، در فراق او محزون بوده و تردیـدی نیست که این امر، از مهمترین علل اندوه یاران امام است.

۴ - دعوت مردم به سوی حضرت

این امر، جزء واجب ترین عبـادات بـوده و فضـیلت آن همچـون فضـیلت امر به معروف و نهی از منکر بـوده که در واقع برابر با هدایت و ارشاد مردم به راه حق است.

بهترین خلایق، پس از ایشـان، کسـی است که آنـان را دوست بـدارد و مردم را به سوی ایشان، دعوت کنـد. پس وظیفه منتظر است که از این امر غافل نشود، در این صورت پاداش کار او این گونه است که در روایت آمده است. امام صادق علیه السـلام فرمودنـد: «لولاـ مـن یبقی بعـد غیبه قـائمکم علیه السـلام من العلمـاء الـداعین إلیه والـدّالین علیه، والـذّابّین عن دینه بحجـج اللَّه والمنقـدین لضـعفاء عباداللَّه من شـباک إبلیس و مردته و من فخاخ النواصب لما بقی أحـد عن دین اللَّه عزّوجلّ ولکنهم الـذین یمسـکون أزمّه قلوب الضـعفاء الشـیعه، کما یمسک صاحب السَّفینه سُـکّانِها، أولئک هم الأفضلون عنداللَّه عزّوجلّ؛ اگر نبودند کسانی از علماء که پس از غیبت قائم علیه السـلام به او دعوت کننـد و بر او دلالت نماینـد و از دین او با دلایل خداونـد، دفاع کننـد و بنـدگان ضـعیف خدا را، از دام های ابلیس، رها سازند و از شـبکه های ناصبین، خلاص نمایند. اگر اینان نبودند، هیچ کس نمی ماند مگر اینکه از دین خدا، بر می گشت. ولی ایشان هسـتند که زمام دل های شیعیان ضعیف را به دست می گیرند همچنان که ناخدای کشتی، سکّان آن را در دست دارد. آنان برترین کسان نزد خدای عزّو جل اند.(۱)

۱- ۲۰۶. بحارالانوار، ج ۲، ب ۱۸، ص ۶، ح ۱۲، و نیز:مجمع البیان، ج ۲، ص ۱۵، ح ۱۱.

۵ – نکوداشت روزهای منسوب به امام

شیعیان باید در روزهایی مثل اعیاد اسلامی؛ عید فطر، عید قربان، عید غدیر و روز جمعه، شب و روز نیمه شعبان، به طرز ویژه ای به یاد امام باشند و با خواندن زیارت آن امام و قرائت ادعیه فرج، عهد، ندبه و... به تجدید پیمان خود با امام عصرعلیه السلام بپردازند.

دعا برای سلامت و تعجیل در فرج امام عصرعلیه السلام

یکی دیگر از وظایفی که بنابر تصریح حضرت صاحب الامرعلیه السلام بر عهده منتظران و عاشقان آن حضرت، نهاده شده دعا برای تعجیل فرج است. و از آن جایی که دعا، عملی عبادی و نوعی خواستن است، برخاسته از مفهوم واقعی انتظار است به همین دلیل جزء تکالیف منتظران می باشد.

امام عصرعلیه السلام در توقیعی که خطاب به اسحاق بن یعقوب رحمه الله صادر شده می فرمایند: «وَأکثروا الدعاءَ بتعجیل الفرج فإنّ ذلک فرجکم؛ برای تعجیل در فرج بسیار دعا کنید، همانا در آن، گشایش کار شما هست.»(۱)

دعا کردن، شرط رهایی از فتنه های عصر غیبت و اتمام هر گونه ظلم و فساد است، در این باب به حدیثی از امام حسن عسکری علیه السلام اشاره می کنیم که ایشان می فرمایند: «واللّه لَیَغیبنَّ غیبه لاینجوا فیها من التهلکه، إلاّ من یُثَبّته اللّه علی القول بإمامته و وفّقه لدعاء بتعجیل فرجه»؛

۱- ۲۰۷. بحارالانوار، ج ۵۳، باب من توقیعانه، ص ۱۸۸، ح ۱۰، و نیز:مجمع البیان، ج ۲، ص ۵۴۵، ح ۳۴۴، و نیز: علی یزدی حائری، الزام الناصب، ج ۲،پنجم، ص ۴۴۱. – الغیبهطوسی، ص ۲۹۳، ح ۲۴۷. و نیز: علل الشرایع، ج ۲، باب ۴۵، ص ۲۳۹، ح ۴.

«به خدا سوگند، او غیبتی خواهد داشت که در آن، تنها کسانی از هلاکت نجات می یابند که خدا آنها را بر قول به امامتش ثابت قدم داشته و در دعا برای تعجیل فرج موفق نموده است.»(۱)

دعا برای تعجیل در فرج

بر منتظران و پیروان صدّیق امام فرض است که در دعا کردن کوتاهی نکنند، ممکن است برای برخی این سؤال مطرح شود که امام، از مردم بی نیاز و مستغنی است، پس چه نیازی به دعا کردن دارد؟ در پاسخ به این پرسش موارد زیر را می توان برشمرد:

۱ - دعای ما برای آن حضرت، تقدیم هدیه ای از شخص فقیر به رادمردی بزرگوار است که نشانگر نیاز شخص فقیر به بخشش آن کریم بزرگوار است؛ در حقیقت این عمل، شیوه بندگان نسبت به مولا و اربابشان می باشد.

۲ - از آنجایی که وقت ظهور امام زمان علیه السلام از امور بدائیه است - که امکان پس و پیش افتادنش هست - شاید جلو افتادن آن مشروط به جدیّت مؤمنان در دعا برای تعجیل فرج آن حضرت باشد.

۳ - امام علیه السلام نیز در معرض خطرات و غم ها قرار دارد که وسایل دفع آنها، از اهل ایمان ساخته است و از مهم ترین وسایل دفع گرفتاری ها مداومت در دعا کردن و از خدا خواستن است. در روایت آمده است که امام صادق علیه السلام فرموده اند: «إنّ الدعاء یرّد القضاء ینقضه کما ینقض السلك و قد أبرم ابراماً؛ به درستی که دعا، قضاء را

۱- ۲۰۸. بحارالانوار، ج ۵۲، ب ۱۸، ص ۲۴، ح ۱۶.

برمی گرداند و پیچیدگی آن را باز می کند، چنان که رشته نخ اگر چه به سختی تابیده شده باشد از هم باز شود.»(۱)

بنابراین، هرگاه مؤمن احتمال دهد امامش او را از جان خود عزیزتر و گرامی تر می داند به گرفتاری، بیماری و... مبتلا شده، کوشش می کند که به وسیله دعا، آن را از او دور کند، همان طور که با وسایل از او دفاع می کند.

۴ - فرج و ظهور امام، هدف ارزنده ای است که همواره با موانع فراوانی روبروست و بر ما واجب است که در دفع آنها، همّت کنیم و چون این موانع از جانب خود ماست، از طریق دعا کردن، بر طرف نمودن آنها را از خدا می خواهیم.

۵ - بی حدّ و مرز بودن فضل و رحمت الهی از طرفی و نیز ظرفیت پذیرش فیض الهی در وجود امام از طرف دیگر، باعث می شود که هیچ مانعی نباشد تا دعای مؤمنین و لطف و عنایت مخصوص، به حضرت صاحب الزمان علیه السلام برسد؛ زیرا امامان در عین حال که واسطه فیض و هدف آفرینش هستند، از ویژگی های بشری برخوردار بوده و مثل همه مردم برای زندگی ظاهری از عوامل زمین استفاده می کنند.(۲)

بنابراین نتیجه دعا کردن و درود فرستادن، هم به خود درود فرستادگان برگشته و هم به درود فرستاده شدگان می رسد، البته نه به خاطر نیاز آنها، بلکه به خاطر وجود قابلیّت و شایستگی در وجود آنها؛ زیرا فیض کامل خداوندی به آنها ارزانی شده که مستمر بودن این فیوضات از جمله لوازم قدرت همگانی الهی است.

۶ - اگر بین فرمان به دعا برای تعجیل فرج و احادیث مربوط به نهی از تعجیل در ظهور، تناقضی احساس شود، علت آن درک نادرست مفهوم شتابی است که از آن

۱- ۲۰۹. اصول کافی ج ۲، ص ۴۹۶، ح ۱.

۲- ۲۱۰. مکیال المکارم، ص ۳۴۸ - ۳۴۹.

نهی شده است، این شتاب مذموم دو گونه می باشد:

۱ - آن شتابی که باعث ناامیدی از ظهور شود؛ زیرا فرد از روی کم صبری می گوید: اگر ظهور شدنی بود، هم اکنون واقع می شد و در صورت افراط در این کار، منکر صاحب الزمان می شود.

۲ - آن شتابی که با رضا به حکم الهی منافات دارد، و این گونه درخواست شتاب برای ظهور به گونه ای است که اگر ظهور به عقب افتد، فرد به سمت انکار حکمت آفریدگار، کشیده می شود.

بنابراین آنچه از تعجیل در فرج امام فهمیده می شود، عجله ای ممدوح است که شخص در اولین فرصت امکان، تحقق یافتن امری را بخواهد.

شرایط دعا

دعا کردن به منظور امتثال امر امام، شرایطی دارد که از جمله آنها عبارتند از:

۱ - پاکی درون (توبه و رفع موانع استجابت)

وجود مبارک امام زمان علیه السلام نعمت عظمای الهی بر بندگان هستند که به یمن وجود مبارک ایشان و بوسیله محبّت و معرفت حضرتش، فیوضات دنیوی و اخروی، به همه عطا می شود، علاوه بر این اداء شکر، وجود پر برکت ایشان، به عنوان ولی نعمت، بر همگان فرض و لازم است.(۱)

از طرف دیگر، سلب هر نعمتی به خاطر انجام گناهان است که از طریق توبه

۱- ۲۱۱. شیوه های یاری امام زمان علیه السلام ص ۱۸۳.

واقعی، آن نعمت به انسان بر می گردد، در قرآن آمده است:

«إنّ اللّهَ لایُغَیِّرُ ما بِقَوْمٍ حتّی یُغَیِّروا ما بِأنفُسِهم؛ خدا، حال قومی را تغییر نمی دهد، تا آنان حال خود را تغییر دهند.»(۱)

بر این اساس اگر بندگان با استغفار، حال خود را تغییر دهند، عاقبت عمل آنها این است که نعمت عظمای الهی که فرج کلی آل محمّدصلی الله علیه وآله است، به آنها عطا خواهد شد.

بنابراین، توبه و انقلاب درونی و نیز دوری از اعمال ناپسند که عاملی جهت رفع موانع استجابت دعاست، نقشی اساسی در فرج و ظهور امام دارد، این موضوع را از توقیع مبارک حضرت صاحب الامر می فهمیم که حضرتش فرمودند: «وَلَوْ أنَّ أشیاعنا وَفَّقهم اللّه لطاعته علی اجتماع من القلوب فی الوفا، بالعهد علیهم لما تأخّرَ عنهم الیمن بلقائنا ولتعجلت لهم السَّعاده بمشاهدتنا علی حق المعرفه و صدقها منهم بنا فما یحبسنا عنهم إلا ما یتَّصل بنا مما نکرهه ولا نؤثرهُ منهم؛ اگر شیعیان ما - که خدا آنها را در اطاعت خود یاری دهد - به عهد و پیمانی که بر عهده آنهاست [یعنی یاری و موالات ما اهل بیت وفا کنند، به زودی سعادت ملاقات ما با معرفت کامل و راستین روزی آنها خواهد شد و ما را از آنان مستور و پنهان نداشته، جز اعمالی از آنها که نزد ما مکروه است و راضی به آن نیستیم.»(۲)

پس معلوم می شود که سبب اصلی غیبت آن حضرت، بدی اعمال بندگان بوده و ترک توبه و دعا نکردن برای فرج سبب طولانی شدن زمان غیبت و تأخیر در امر

ص:۱۵۶

۱- ۲۱۲. سوره رعد، آیه ۱۱.

۲- ۲۱۳. مجمع البیان، ج ۲، ح ۶۰۲، ح ۳۶۰:بحارالانوار، ج ۵۲،سوم، ب ۳۱، ص ۱۷،ح ۸.

فرج می شود و قوی ترین شاهد در این زمینه کلام حضرت مهدی علیه السلام در توقیع شریفشان است که ذکر شد.

۲ - دعای با جماعت

هرگاه همه بندگان خدا هم عهد شده که به درگاه حضرت احدیّت توبه و تضرّع نموده و تعجیل در فرج آن حضرت را طلب کنند، پس در آن تعجیل خواهد شد و اگر چنین نکنند، در آن تأخیر خواهد گشت؛ زیرا که تعجیل فرج و تأخیر آن جزء امور بدائی(۱) است.

توبه کنندگان از گناه، امیدوار به فضل الهی اند که دعای آنها مقبول و به واسطه آن، زمان فرج یک مرتبه نزدیک شود یا آنکه در زمان طول تأخیر، تخفیف شود به عنوان مثال: اگر در واقع تا صد سال است، پنجاه سال کمتر شود.

پس دعاء عموم مؤمنین، یک وسیله فرج است که به مستجاب شدن دعاهایشان فراهم خواهد شد، شاهدی که در این زمینه از کلام امام معصوم علیه السلام، وجود دارد روایتی است که از زبان امام صادق علیه السلام نقل شده است که حضرتش فرمودند: «هکذا أنتم لو فعلتم لفرَّج اللّٰه عنّا فأمّا إذ لم تکونوا فإنّ الأمرَ یَنتَهی إلی مُنتهاه؛ اگر شماها مانند بنی اسرائیل بر دعا و توبه برای فرج ما اجتماع نکنید، غیبت به طول خواهد انجامید.»(۲)

۳ - سایر موارد

علاوه بر موارد یاد شده، عوامل و شرایط دیگری که برای دعاء نمودن جهت تعجیل در فرج امام، نقش دارند به اختصار عبارتند از: دعای برخاسته از دل نه فقط اکتفا کردن به لفظ، خلوص نیّت، خشوع قلب و...

---

۱ - ۲۱۴. امور بدایی اموری است که امکان پس و پیش افتادن در آن است و دعا، باعث وقوع آن در زمان نزدیک تر می شود.

۲- ۲۱۵. بحارالانوار، ج ۵۲، ب ۲۲، ص ۱۳۱، ح ۳۴.

شرایط تسریع در تأثیر دعای فرج

از جمله شـرایط تکمیل و سرعت در تأثیر دعای فرج و توبه - چه به صورت دسته جمعی واقع شود یا به صورت انفرادی، و چه دعـا و توبه را هر فردی از جـانب خود انجـام دهـد یـا از جانب همه مؤمنین - عمل به واجبات و ترک بعضـی گناهان به خاطر شدّت حرمت آنهاست، علاوه بر توبه، کفّاره هم دارد، مانند افطار روزه ماه مبارک رمضان، یا قتل نفس محترمه.

همچنین، در مورد دو معصـیت بزرگ که یکی واقعه کربلا و دیگری، زندانی شدن حضـرت موسی بن جعفرعلیه السلام است. این امر مصداق دارد، زیرا وقوع این دو مصیبت عظیم، سبب تأخیر فرج اهل بیت علیهم السلام شد.

بر این اسـاس بر مؤمنـان لازم است که علاوه بر توبه، کفّاره هم بدهنـد، یعنی نسـبت به شأن جلیل آن دو امام عالی قـدر، آنچه سزاوار است، انجـام دهنـد که کفّـاره آن، نصـرت و یاری این دو عزیز بزرگوار - در آن جهتی که به مصـیبت آنها مربوط می شود - می باشد.(۱)

بنـابراین انسـان بایـد در مقـام توبه و دعـا برای تعجیـل در فرج و نیز نصـرت آن دو بزرگوار به آنها متوسّل گردد، که توسّل از طریق این سه امر محقق می شود:

اوّل: زیارت قبور منوّرشان چه از نزدیک یا از دور.

دوّم: اقامه عزای آن دو بزرگوار.

سوم: لعن بر قاتلان و دشمنان آن دو بزرگوار و دشمنی کردن با دشمنان امام.

ص:۱۵۸

۱- ۲۱۶. شیوه های یاری قائم آل محمّد، ص ۱۹۰ - ۱۸۹.

کیفیت دعا برای تعجیل فرج

قسمت اول

دعا کردن برای تعجیل فرج می بایست با بینش و کیفیت شایسته ای همراه باشد. برخی از مواردی که چگونگی دعا کردن را به ما آموزش می دهد و از تعالیم اسلامی، بهره مند می کند عبارتند از:

اوّل: اینکه انسان با صراحت این امر را از خدای متعال مسألت نماید حال به هر دعایی که در این مورد باشد اشکالی ندارد. به طور مثال: این گونه دعا کند: «اللهم عجّل فرج مولانا صاحب الزمان»(۱) و یا «عجل اللّٰه تعالی فرجه و ظهوره.»(۲)

همچنین در قسمتی از دعای عهد از خداوند، تعجیل در فرج امام را این گونه طلب می کنیم: «اللهم أرِنيِ الطَّلعه الرشیده والغره الحمیده واکحل ناظری بِنظرَهٍ منّيِ الیه و عجل فرجه و سهل مخرجه؛ خدایا به من آن چهره زیبا و ارجمند و پیشانی درخشان و نورانی را بنما و سرمه وصال دیدارش را به یک نگاه دیده ام بکش و شتاب کن در فرجش و ظهورش را آسان گردان.»(۳)

منتظران امام در فراز دیگری از این دعای پر فیض با عبارتی دیگر این خواسته را از خدا طلب می کند:

«اللهم عجّل لنا ظهوره؛ خدایا تعجیل نما برای ما در ظهورش».(۴)

دعا کردن بر وجه کلی؛ که خدا در فرج آل محمّد علیهم السلام تعجیل فرماید، به خصوص با ضمیمه صلوات به این نحو: «اللهم صل علی محمّد و آل محمّد

ص:۱۵۹

۱- ۲۱۷. بارخدایا فرج مولای ما صاحب الزمان را زودتر برسان.

۲- ۲۱۸. و خدای متعال، که در فرج و ظهور آن حضرت را تعجیل فرما.

۳- ۲۱۹. مهج الدعوات، ص ۴۵۵، و نیز در: بحارالانوار، ج ۸۶، ب ۴۵، ص ۳۸۵، ح ۴۷.

۴- ۲۲۰. مفاتیح الجنان.

و عجل فرجهم.»(۱) فضیلت مخصوصی دارد که علاّمه مجلسی در این زمینه حدیثی را روایت کرده که حضرت صادق علیه السلام فرمودند: «من قال بعد صلاه الفجر و بعد صلاه الظهر: «اللهم صل علی محمّد و آل محمّد و عجل فرجهم، لم یمت حتی یدرک القائم من آل محمّد؛ هر کس پس از نماز صبح و ظهر این صلوات را بخواند. نمیرد تا قائم آل محمّدعلیهم السلام را ملازمت کند.»(۲)

دوّم: اینکه از خدا بخواهد که فرج و گشایش آل محمّدعلیهم السلام را تعجیل فرماید؛ زیرا گشایش آل محمّدعلیهم السلام ظهور فرج اوست.

در واقع، آن کسی که برای تعجیل ظهور امام زمان علیه السلام دعا می کند. مصداق کسی است که به ائمّه علیهم السلام ایمان آورده و منتظر دولت و حکومت آنها می باشد. علاوه بر آن والاترین و برترین مرتبه انتظار این است که انسان، فرج امام عصرعلیه السلام را به خاطر خود ایشان از خداوند طلب می کند و در انتظار رفع گرفتاری از خود امام می باشد. زیرا هیچ کسی را مستضعف تر و مظلوم تر از اهل بیت علیهم السلام و در این زمان، امام مهدی علیه السلام نمی توان یافت.

در واقع می توان گفت: بزرگی هر ظلمی متناسب با میزان حقی که از مظلوم پایمال می شود، سنجیده می شود هر قدر حق بیشتر و بزرگتری از فرد ضایع شود، ظلم بیشتر و بزرگ تر است. پس آنکه در انتظار فرج مستضعفان است باید متوجه باشد که در رأس همه آنها وجود مقدّس امام زمان علیه السلام بوده و اگر فرج ایشان از ناحیه خدا برسد، فرج همه مستضعفان عالم، رسیده است.

۱- ۲۲۱. خدایا بر محمّد در آل محمّد درود بفرست و در فرج ایشان تعجیل بفرما».

۲- ۲۲۲. بحارالانوار، ج ۸۶، ب ۳۹، ص ۷۷، ح ۱۱.

بنابراین منتظر فرج امام عصر با توجه به علاقه و محبّت شدیدی که به حضرتش دارد، پیش از آنکه به فکر فرج خودش و دیگران باشد، فرج مولا-یش را انتظار می کشد و ظهور ایشان را بیش از هر چیز دیگری به خاطر خلاصی خود ایشان از گرفتاری ها و سختی های زمان غیبت طلب می کند، با اینکه می داند، فرج ایشان در حقیقت فرج خود او و همه مؤمنان، بلکه همه انسان های مظلوم و بالاترین فرج همه عالم است.(۱)

در اهمّیت دعا برای تعجیل فرج آل محمّدعلیهم السلام می توان به دعایی اشاره کرد که از وجود مقدّس حضرت مهدی علیه السلام و در تعجیل فرج خودشان نقل شده در این دعا چنین آمده است: «یا نور النّور یا مدبّر الأمور...إجعل لی ولشیعتی من الضیق فرجاً و من الهم مخرجاً و أوسع لنا المنهج و أطلق لنا من عندك ما یُفْرَج وافعل بنا ما انت اهله یا کریم»؛ «ای نور روشنایی و ای تدبیر کننده امور... برای من و شیعیانم گشایشی از تنگناها و راه نجاتی از ناراحتی ها قرار بده و راه پیروزی را برای ما وسیع گردان و از جانب خود آنچه فرج ما را برساند بر ما ارزانی دار و در مورد ما انجام ده آنچه را که خود اهل آن هستی ای کریم».(۲)

تعبیر «ضیق» به معنای «تنگنا» که در این دعا به کار رفته است، به خوبی، حال امام علیه السلام را نشان می دهد، به خصوص که ایشان برای خود و شیعیانش از خداوند، خروج از تنگناها و خلاصی از غم و غصّه ها را خواسته اند و این هم اشاره ای است به این حقیقت که پدر مهربان امّت در گرفتاری ها و رنج های فرزندان خویش، مغموم و گرفتار می شوند.

۱- ۲۲۳. سلوك منتظران، ص ۱۲۴ - ۱۲۵.

۲- ۲۲۴. المصباح، ج ۱، ص ۳۴۹.

سوم: دعا کننده، گشایش امر تمام مؤمنین و اولیاء خدا را بخواهد؛ زیرا گشایش امر امام، فرج اولیای الهی نیز هست.

از آن جـایی که امام سـرور مؤمنین هسـتند، با دعا کردن در حقّ ایشان، نه فقط برای حضـرتش خیرخواهی می کنیم بلکه برای سـایر مؤمنین هم طلب خیر می کنیم؛ زیرا بـا حصول فرج، عـامّه مردم و نیز اولیای الهی از گرفتاری نجات یافته و برای آنها هم گشایش حاصل خواهد گشت.(۱)

در فرازی از زیارت حضـرت صاحب الزمان علیه السلام در روز جمعه، به محضر مبارک ایشان چنین عرض ارادت و سلام می نماییم: «السلام علیک یا نوراللَّه الّذی یهتدی به المهتدون و یُفرّج به عن المؤمنین؛ سلام بر تو ای نور خدا که هدایت می شوند به آن هدایت خواهان و به وسیله او از کار مؤمنان گشایش می شود.»

یا در فرازی دیگر از این حدیث عشق، چنین آمده است:

«وَالفرجُ فیه للمؤمنین علی یَدَیک؛ گشایش در روز جمعه برای مؤمنین بر دو دست تو است.»(۲)

در زیارت (دعای) یاد شده، به طور صـریح، از امر فرج و ظهور امام علیه السـلام به گشایش امر مؤمنین تعبیر شده است، علاوه بر آن منتظران در دعای مشـهور غیبت حضـرت مهـدی علیه السـلام - که به خوانـدن و مـداومت بر آن بسـیار تأکیـد شده - از درگه باری تعالی این چنین طلب گشایش و رفع انـدوه می کنند: «اللهم فَافْرج ذلک عنّا بفتحٍ منک تُعَجِّله و نصرٍ منک تعزُّه و إمام عدلٍ تظهِرُه؛ خدایا پس بگشا از ما این

۱- ۲۲۵. در گلستان دعا با باغبان، ص ۲۹۱.

۲- ۲۲۶. بحارالانوار، ج ۱۰۲، ب ۹، ص ۲۱۵ و نیز: جمال الاسبوع، ص ۳۷.

اندوه را، به گشایشی از طرف خود که زود بفرستی یاوری از خودت که عزّتش دهی و به امام عادلی که آشکارش کنی.»(۱)

طبق این دعا رفع اندوه و حصول گشایش، با ظهور امام مهدی علیه السلام محقق خواهد شد و به تبع آن، رفع گرفتاری از تمام مؤمنین در سایه سار حکومت عدل حضرت صاحب الزمان، خواهد بود. دعای دیگری که به وسیله آن می توان از خداوند این حاجت را مسألت نمود، دعایی است که امام صادق علیه السلام در صبح روز بیست و یکم ماه رمضان پس از ادای فریضه صبح در سجده خواندند، در این دعا آمده است: «أسألك أنْ تُصلّی علی محمّـد و أهل بیته و أن تأذن لِفرجِ مَنْ بفرجهِ فرجُ اولیائک و أصفیائک من خلقک؛ خدایا از تو می خواهم تا بر محمّد و اهل بیت ایشان درود فرستی و اجازه فرمایی برای فرج آنکه فرج همه اولیاء و برگزیدگان تو از آفریدگانت فرج اوست.»(۲)

از این حدیث هم می توان استفاده کرد که فرج همه مؤمنان در طول تاریخ نه فقط عصر غیبت امام زمان، به فرج خود امام که با اذن الهی به ظهور ایشان، انجام می شود محقق می گردد.

چهارم: بر دعای معصومین که برای تعجیل فرج ذکر شده است، آمین بگوید؛ زیرا آمین، یعنی مستجاب کن، به این نحو که از خداوند، تعجیل در استجابت آن دعاها را طلب کند به این معنا که خداوند متعال در ظاهر کردن اثر آن دعاها، تعجیل فرماید و معنای آمین هم، در واقع به همین مضمون است.

در حدیث وارد شده است که «الدّاعی والمؤمن، فی الأجْر شریکان، «آمین

۱- ۲۲۷. مفاتیح الجنان.

۲- ۲۲۸. بحارالانوار، ج ۹۸، ب ۷، ص ۱۵۱.

گوینده با دعا کننده، شریک است.»(۱) و واضح است که شرکت در دعاهای جلیله اولیاء اللّٰه اگر برای کسی میسر شود مشمول «فذلک فضل اللّٰه یؤتیه من یشاء»(۲) خواهد بود.

پنجم: از خدا بخواهد دعای هر کسی که دعای گوی تعجیل فرج است را مستجاب گرداند؛ در اینکه فرد دعا می کند تا خداوند دعای آنهایی را که سعی در دعاگویی آن حضرت و ظهورش می کنند مستجاب کرده و از خدا بخواهد که آنها را یاری فرموده و در این امر موفّق شوند؛ چون یاری اهل صلاح است و یاری و اعانت به حضرت هم خواهد بود و هر عملی از اعمال خوب و حسنات انجام دهند، به این وسیله شریک در عمل آنها و از اهل آن عمل محسوب خواهد شد.(۳)

ششم: درخواست از خدا به منظور آماده شدن مقدّمات ظهور و رفع موانع آن، این نوع درخواست را با عبارات میثاق نامه بسیار زیبا و دلنشین دعای عهد - که منقول از امام صادق علیه السلام است - می توان از حضرت احدّیت، طلب نمود. در فرازی از آن آمده است: «اللهم - عجل فرجه و سهل مخرجه و أوسع منهجه واسلك بی محجته و أنفذ أمره واشدُد أزره و اعمر اللهم به بلادك و أحی به عبادك؛ خدایا در فرجش شتاب کن و ظهورش را آسان گردان و راهش را توسعه ده و مرا به راه او سلوك ده و امر او را نافذ و پشت او را محکم گردان و به وسیله او شهرها را آباد

۱- ۲۲۹. مجمع البیان، ج ۵، ص ۲۴۰، ح ۵۷۷۵. عن علی علیه السلام قال رسول اللّٰه صلی الله علیه وآله: «الداعی والمؤمن، فی الاجر شریکان».

۲- ۲۳۰. سوره مائده، آیه ۵۴: «این فضل خداست آن را به هر که بخواهد می دهد».

۳- ۲۳۱. شیوه های یاری قائم آل محمّد، ص ۸۰.

ساز و بندگانت را به او زنده کن».(۱)

هفتم: دعا برای رفع موانع ظهور: برای درخواست این حاجت از محضر ربوبی می توان با دعای زیبایی که در مفاتیح الجنان با عنوان «دعا برای امام زمان» آمده آن را از خدا طلب نمود. فرازی از آن چنین است: «اللهم اشعَب به الصّدع وارتُق به الفتق و أمت به الجور وأظهر به العدل... وانصُره بالرّعب و...ودمدم من نصب له و دَمِّر من غَشّه واقتُل به جبابره الکفر و عمده و دعائمّه واقصم به رؤس الضّلاله و شارعه البدع و ممیته السّنّه و مقوّیه الباطل وذلل به الجبّارین و أبر به الکافرین؛ خدایا تفرقه و پریشانی را بر طرف ساز و جدایی ها و رخنه ها را به ظهور او التیام بخش و ستم را به او بمیران و عدل را به او آشکار کن... و با رعب و ترس [در دل دشمنانش یاریش فرما... و هر که با او ستیزد به هلاکت رسان و هرکس با او دورنگی نماید نابود کن، و به [دست قدرتمند]او جبّاران کفر پیشه و استوانه ها و سران و پایه های آنها را بکش و سران گمراهی و بدعت گذاران و میراندگان سنت به باطل را در هم شکن و ستمگران جبّار را ذلیل گردان و کافران را برانداز.»(۲)

در این دعا، رفع موانع ظهور از خداوند خواسته شده و در قالب این جملات آن موانعی که با ظهور امام زمان مرتفع می شود، نام برده شده است.

هشتم: دعا برای آمرزش گناهان: برای توضیح این مورد، می توان به دعای پر

۱- ۲۳۲. مهج الدعوات، ص ۴۵۵ و نیز: بحارالانوار، ج ۸۶، ب ۴۵، ص ۳۸۵، ح ۱۷.

۲- ۲۳۳. بحارالانوار، ج ۹۵، ب ۱۱۵، ص ۳۳۱، ح ۴، و نیز مصباح المتهجّد، ص ۲۶۷ و نیز: جمال الاسبوع، ص ۳۰۸.

سوز و گداز ندبه اشاره کرد، منتظر در فرازی از آن از خدا می خواهد: «اللهم وأقم به الحقّ... و ذنوبنا به مغفوره و دُعاءَنا به مستجابا، خدایا به پا دار به وسیله او حق را و... به واسطه او گناهان ما را آمرزیده و دعای ما را مستجاب ساز.»(۱)

نهم: دعا برای رفع عقوبت و اثر ماتأخر گناهان: هرگاه مؤمنی برای تعجیل در فرج امام زمان علیه السلام دعا کند، همین امر سبب می شود، تا بلاـ و عقوبت از اهل زمین دفع شود و شاهد این مطلب احادیث متعددی است که به یک مورد اشاره می شود: امام باقرعلیه السلام می فرمایند: «یاتیَ علی الناس زمانٌ یغیب عنهم إمامهم فیاطوبی للثابتین علی أمرنا فی ذلک الزمان، إنّ أدنی مایکون لهم من الثواب أن ینادیهم الباری، جلّ جلاله، فیقول عبادی و إمائی آمنتم بسِّری و صَدَّقتم بغیبی فأبشروا بحسن الثّواب منّی، فأنتم عبادی و امائی حقّاً، منکم أتقبّل و عنکم أعفُوَ ولکم أغفر و بکم أسقی عبادی الغیث و أدفع عنهم البلاء ولو لاکم لأنزلَت علیهم عذابی؛ زمانی بر مردم خواهد رسید که امام آنها از ایشان، غایب است ای خوشا به حال آنان که بر امر ما پایدار بمانند، در آن زمان کمترین چیزی از ثواب که به آنها رسد، این است که خدای متعال به آنها ندا کند، بندگان من و کنیزان من به سرّ من ایمان آوردید و غیب مرا تصدیق کردید پس بشارت باد شما را به ثواب نیک از من، شما بندگان و کنیزان حقیقی که از شما قبول می کنم و از شما در می گذرم و شما را می آمرزم و شما بندگانم را از باران سیراب می گردانم و بلا را از آنها دفع می نمایم. اگر شما نبودید بلا را بر آنها نازل می کردم».(۲)

ص:۱۶۶

۱- ۲۳۴. اقبال الاعمال، ج ۱، ص ۵۱۰.

۲- ۲۳۵. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۴۵. و نیز: علل الشرایع، ج ۱، ب ۲۲، ص ۶۰۲.

دهم: دعـا برای نـابودی دشـمنان حضـرت: این خواسـته را می توان بـا عبارات زیبای «دعا در زمان غیبت امام زمان» – که طبق سفارش سـیدبن طاووس خواندن این دعا را در عصر غیبت نباید مهمل گذاشت – می توان از خدا طلب نمود. در فرازی از این دعای پر عظمت،

قسمت دوم

چنین آمده است: «اللهم عجّل فرجه و أیده بالنّصـر وانصر ناصریه واخذُل خاذلیه و دمدم علی من نصب له و کذَّب به و أظهر به الحقّ و أمِت بهِ الجَور؛ بـار خـدایا فرجش را زودتر برسـان و به یـاریت او را تأییـد فرمـای و یارانش را یاری ده و مخالفانش را خوار و ذلیل گردان و کسانی که با او به ستیز برخیزند و تکذیبش کنند نابود گردان و حق را به او آشکار کن و جور و ظلم را به دست او نابود ساز.»(۱)

امـام عصـرعلیه السـلام برای تعجیـل فرج خودشـان، در یکی از دعاهـای قنوت نماز خود از دل آتشـین و سوز انتظار خود، این گونه حکـایت کرده و این چنین از خداونـد نـابودی دشـمنان را طلب می کنـد: «اللهم... قُلت: «فلمّا آسـفونا انتقمنا منهم.» و إنَّ الغایه عنـدنا قـد تناهت و إنّا لغضـبک غاضـبون و إنّا علی نصـر الحق متعاصـبون و إلی ورود أمرک مشـتاقون و لأنجاز وَعدک مُرتقبون و لحلول و عیـدک بأعـدائک متوقّعون؛ خـدایا تو فرمودی: پس آن گـاه که ما را أسـفناک ساختنـد، ما از ایشان انتقام گرفتیم.(۲) به راستی که مهلت و فرصت (برای ظالمان و جبّاران) نزد ما به سر آمده و ما برای خشم تو خشمگین هستیم و ما بر یـاری حق هـم عقیـده هسـتیم و بـه صـدور فرمـانت مشـتاقیم و در انتظـار تحقّـق وعـده ات هسـتیم و چشـم بـه راه فرا رسـیدن تهدیدهایت نسبت به دشمنانت هستیم».(۳)

۱- ۲۳۶. غیبت نعمانی، ب ۱۰، ص ۲۴۳، ح ۶، و نیز: تفسیر قمی، ج ۲، ب ۳۳، ص ۱۸، ح ۲۴، و نیز: مهج الدعوات، ص ۳۱۷.

۲- ۲۳۷. سوره زخرف، آیه ۵۵.

۳- ۲۳۸. مهج الدعوات، ص ۶۹.

اینکه حضـرت در دعا عرضه داشـته اند که مهلت ظالمان از نظر ایشان پایان یافته، معنایش این نیست که خدای ناکرده خواسته باشـد در کار خـدا پیش از صـدور فرمان او، شـتاب بورزنـد یا اینکه از قضای الهی در مورد غیبت خویش اعلام عـدم رضایت کنـد، هیـچ مؤمنی چنین اشـتباه بزرگی را مرتکب نمی شود چه رسـد به امـامی که مظهر ایمان کامل و بنـده بی نظیر خـدا می باشد؛ زیرا که ایشان بیشترین و کامل ترین درجه تسلیم و رضا را نسبت به خواست خدا و امر او دارند.(۱)

این جمله حضـرت در حقیقت حـال خود ایشـان و زبـان شـکایت – البتّه همراه با رضایت – از دردهایی است که ایشان در این زمان دارنـد، وقتی به خـدای خویش عرضه می دارنـد که فرصت از نظر ما تمام شده است، می خواهند ناراحتی خود – البتّه به خـاطر خـدا و رضـای او بیان کننـد. در ادامه عرضه داشـته انـد که: خشم ایشان، خشم خـداست و در عین حال، مشـتاقانه منتظر صدور فرمان الهی برای ظهور خود هسـتند؛ زیرا که با ظهور ایشان دشمنان اسلام نابود شده و انتقام الهی از آنان گرفته خواهد شد.

یـازدهم: دعـا برای کوتـاهی دست سـتمگران، در دعـای شـریف نـدبه، از مهـدی منتظرعلیه السـلام به عنـوان ریشه کن کننـده ستمگران نام برده شده است. البته در آن فرازی از دعا که منتظر عاشق و دلسوخته امام به محضـر مولایش استغاثه می کند و او را این چنین خطـاب می کنـد: «أین المنتظرُ لإقـامَهِ الأمـت والعـوج ، أین المرتجی لإزاله الجـور والعـدوان... أین قـاصم شـوکه المعتـدین، أین هادم أبنیه الشـرک والنفاق، أین مبیـدُ أهل الفسوق والطُّغیان، أین حاصِد فروع الغیّ والشـقاق... أین مبید العتاده والمرده، أین مستأصل اهل العناد والتضلیل والإلحاد»؛ «کجاست آن

۱– ۲۳۹. سلوک منتظران، ص ۱۳۹.

منتظر برای راست کردن کجی و نـادرستی؟ کجاست آن جایگـاه امیـد برای برانـداختن سـتم و بیـدادگری؟ کجاست درهم شکننده شوکت متجاوزین و ستمکاران؟ کجاست ویران کننده بنیادهای شرک و نفاق؟ کجاست نابود کننده اهل فسق و گناه و سرکشان و ظالمـان؟ کجاست درو کننـده شاخه های گمراهی و نهال دشـمنی؟ کجاست نابود کننـده سرکشان و متمرّدان؟ کجاست برکننده ریشه اهل عناد و گمراه کنندگان و بی دینان؟»(1)

داعی در این فقره از دعای ندبه علت گریه های خویش را بیان کرده از همان ابتدای کلام با استفاده از کلمه استفهامی «أین... به معنـای کجاست - که در قالب نـدبه می باشـد، مقصود و منظور خود را مطرح کرده و گریه او گریه ای است بر فقـدان این عزیز بزرگوار، علاوه بر آن خشم و نفرت خـود را علیه سـتمگران و غاصـبان و تجاوزگران به حقوق ائمّه بزرگوار نشـان می دهد.

دعا کننده در این فقرات، به دنبال گم شده اصلی خود - که موضوع اصلی دعای ندبه است می باشد، منتظر روزی است که او به امر الهی ظهور نموده و ریشه ستمکاری را بر کَنَد و تعجیل فرج او را از خدا درخواست می کند.

دوازدهم: دعـا برای گسترش عـدالت، دعـا برای تعجیـل فرج امـام عـادل که مصـلح کـل جهـان هستی است و آرزوی عـدالت گستری به دست او در ذهن همه منتظران پرورانـده می شود. در زیـارت حضـرت صـاحب الاـمر از امام مهـدی علیه السـلام به عنوان ظاهر کننده عدل یاد شده و فرج هر چه سریع تر او را از خدا طلب می کنیم:

۱- ۲۴۰. مهج الدعوات، ج ۱، ص ۵۱۱.

«اللهم... وامْلأ به الارضَ عـدلاً وأظهر به دين نبيّك؛ خـدايا پر كن به وسـيله او زمين را از عـدل و آشـكار نما به وسـيله او دين پيغمبرت را».(۱)

«اللهم و أمت به الجور وأظهر به العدل؛ خدايا به وسيله او بيدادگرى را از ميان بردار و عدالت را به او پديدآور».(۲)

«اللهم و... حتّى تُنير بعـدله ظلم و الجور و تطفى نيران الكفر و توضـح به معاقـد الحقّ و مجهول العدل»؛ «خداوندا... و تا اين كه به وسـيله عدلش بيدادگرى را از بين ببرى و آتش كفر را خاموش گردانى و به وسـيله او مشـكلات حق و مجهولات عدالت را روشن ساز».(۳)

سيزدهم: دعا به منظور حصول خوشـى در عصـر ظهور: با فرج و ظهور امام زمان عليه السلام دولت كريمانه آن حضرت بر كل جهـان تسـلط مى يابـد و از اين رو زمينه تمـام خوشـى ها فراهم مى گردد. در دعاى پرفيض افتتاح كه در شب هاى ماه مبارك رمضـان از نفس پـاك روزه داران به محضـر الهى صاعـد مى شود، رغبت و انتظـار براى اين دولت كريمه در جملات اين دعا مطرح شده و اين دولت با ويژگى هاى مخصوص خودش از خداوند طلب مى شود. در فرازى از اين دعا آمده:

«اللهم إنا نرغبُ إليك فى دولهٍ كريمه تُعزُّ بها الإسـلام و أهله و تـذِلّ بهاالنِّفاقَ و أهله و تجعلنا فيها من الدّعاه إلى طاعته والقاده إلى سبيلـك و تَرزُقنـا بهـا كرامه الـدنيا والا۪خره»؛ خـدايا به راستى ما آرزومنـديم به سويت در دولت جوانمردانه، كه گرانمايه گردانى به وسيله آن اسلام و مردم مسلمان را و بدان

۱– ۲۴۱. مصباح المجتهد، ص ۴۰۶.

۲– ۲۴۲. مصباح المجتهد، ص ۴۰۹.

۳– ۲۴۳. مصباح المجتهد، ص ۴۱۰.

نفـاق و اهلش را خـوار گردانی و مـا را در آن از دعـوت کننـدگان به سوی فرمـانبریت و راهـبرانی به سوی دینت قرار دهی و کرامت دنیا و آخرت را بدان روزی ما کن».(۱)

چهاردهم: دعا کننـده از خدا بخواهد، اجر عباداتش را تعجیل در ظهور قرار دهد، به عبارتی دیگر آن کسـی که آرزومند قرار گرفتن در زمره یـاران امـام زمـان علیه السـلام است و در انتظار حکومت صالحانه او به سـر می برد با تمام رفتار و اعمال صالح خود سعی می کند تا مدد رسان مصلح عدالت گستر باشد؛ زیرا با این کار خود، به ظهور هر چه سریع تر امام یاری می رساند.

پانزدهم: توفیق دعا کردن همه برای تعجیل فرج، دعا کننده باید از خداوند مسئلت نماید که به جمیع مؤمنین، توفیق این دعا (و حتی توبه کردن) را مرحمت فرمایـد که از دعا گویی آن حضـرت، غفلت ننماینـد؛ این امر به نوعی یاری و نصـرت امام است. منتظران و عاشـقان امـام، در فرازی از دعای نـدبه از محضـر الهی درخواست خود را این گونه مطرح می کننـد: «اللهم... و أعنّا علی تـأدیه حقوقه إلیه والاجتهـاد فی طـاعته»؛ «خـدایا....یاری کن ما را بر ادا کردن حقوقش به سوی آن و کوشـش در اطاعت کردنش».(۲)

یکی از مصادیق اطاعت کردن امام، امتثال و فرمانبری از ایشان در جهت کثرت دعا برای تعجیل فرجشان می باشـد. یعنی عمل کردن به فرمایش امام که فرموده اند: «واکثروا الدعاءَ بتعجیل الفرج، برای تعجیل در فرج بسیار دعا کنید».(۳)

از آن جایی که دعاهای مستجاب، دعای مؤمن در حقّ برادران ایمانی است که در غیاب آنها برای آنان دعا نماید پس این دعا در حق آنها، حتماً مستجاب است، به

۱- ۲۴۴. مصباح المجتهد، ص ۵۸۱.

۲- ۲۴۵. تفسیر قمی، ص ۸۹۰.

۳- ۲۴۶. کمال الدین، ص ۴۸۵.

دلیل آنکه مؤمن دعا کننده، زبانش را به منزله زبان سایر مؤمنان قرار می دهد که در حق آنها از گناه پاک است.

پس هر مؤمنی که توفیق دعا نمودن همگان برای تعجیل فرج را از خدا بخواهد، علاوه بر اینکه دعای او مستجاب است، خود را در زمره یاران و منتظران واقعی حضرت مهدی علیه السلام قرار داده است.

شانزدهم: دعا برای پیروزی دین حق، دعا کردن به این منظور، در بسیاری از دعاها با الفاظ و عبارات تقریباً مشابهی آمده است که از آن جمله، دعای افتتاح است: «اللهم أظهر به دینک و سنّه نبیّک حتی لایستخفی بشی ءٍ من الحقّ مخافه احد من الخلق؛ خدایا آشکار کن به وسیله او دینت را و آیین و روش پیامبرت را تا اینکه پوشیده نماند چیزی از حق از ترس یکی از آفریدگانت.»(۱)

دیگر آنکه در صلوات بر ولی امر منتظَر این گونه آمده است: «اللهم وانْصُرهُ وانتصر به لدینک وانصر به أولیائک و اولیائه و شیعته وانصارهُ؛ خدایا او را یاری کن و به وسیله او دینت را یاری نما و به وسیله او دوستانت و دوستان او را و شیعیان و یاورانش را یاری کن.»(۲)

هفدهم: دعا به منظور انتقام گرفتن خدا از دشمنان و ظالمان آل محمّدعلیهم السلام یکی از اهداف و غرض های اشتیاق به فرج حضرت و انتظار ظهور، علاوه بر ظهور دین مبین الهی و غلبه آن بر همه ادیان، ظهور امر اولیاء معصومین علیهم السلام و خذلان جمیع دشمنان و انتقام از ظالمین آنها می باشد.

در دعای مشهور زمان غیبت امام زمان آمده است: «اللهم إنا نسئلک أن تأذن

۱- ۲۴۷. تفسیر قمی، ص ۲۹۵.

۲- ۲۴۸. همان، ص ۹۲۸.

لولیک فی اظهار عـدلک فی عبادک و قتل أعدائک فی بلادک....وارْمهم یا ربّ بحجرک الدامغ واضـربهم بسـیفک القاطع و بأسک الـذی لاتردّه عن القوم المجرمین؛ خـدایا از تو می خواهیم که اجازه دهی به ولیّت برای آشـکار کردن عـدالت در میان بندگانت و کشـتن دشـمنانت در شهرهای خودت و سنگ بارانشان کن به سنگ کوبنده ات و بزن آنها را با شمشیر برّانت و با کیفر و انتقام سختت که آن را از مردم بدکار، بازشان نگردانی». (۱)

هجـدهم: درخواست از خـدا که درود و رحمت ویژه خودش را بر آن حضـرت بفرسـتد که با آن فرج آسان و زودتر شود. در دعای ندبه علاوه بر درود فرسـتادن به آن حضرت از خداوند ظهورش و اقامه حق را می طلبیم: اللهم... وصلّ علیه صلوه لاغایهَ لعـددها و لانهایه لمـددها ولانفاد لأمـدها، خـدایا درود فرست بر او درودی که شـماره اش بی حـد و مـدّتش بی نهایت و تمام نشدنی باشد».

«اللهم و أقم به الحق و أدحض به الباطل، خدایا به وسیله آن حضرت حق را به پا دار و باطل را به او نابود گردان.» (۲)

نوزدهم: دعـا برای تعجیـل در رفع محنت از چهره امـام و دوری همّ و غم از قلب آن حضـرت علیه السـلام: «أنت یا ربّ الّـذی تکشف الضُـرّ و تجیبُ المضـطرّ إذا دعـاک و تنجی من الکرب العظیم، فـاکشف الضّـرّ عن ولیّک؛ تو ای پروردگار من، کسـی هسـتی که مصـیبت و بـد حـالی را رفع می کنی و انسـان به اضـطرار رسـیده را آن گـاه که تو را بخوانـد اجـابت می کنی و از گرفتاری و اندوه رهایی می بخشی پس ناراحتی و پریشان حالی را از ولی خودت رفع کن». (۳)

۱- ۲۴۹. تفسیر قمی، ص ۹۷۹.

۲- ۲۵۰. تفسیر قمی، ص ۸۹۰.

۳- ۲۵۱. تفسیر قمی، ص ۹۸۰.

«ضّر» در زبـان عربی به مصـیبت و بـد حـالی بـدنی و روحی اطلاـق شـده و هر گونه زیـان و خسـارت روحی و پریشان حالی مصـداق آن است. در این دعا از خـدا می خواهیم که این «سوء حالی» را از امام زمان دور گردانـد و ایشان را با اذن ظهورشان خوشحال فرماید.

این آموزه ای است که اهل معرفت را به بالاترین سـطح انتظار فرج امامشان می رساند، در واقع کسـی که امامش را از خودش بیشتر دوست دارد، پیش از آنکه انتظار رفع گرفتاری های خود را داشته باشـد، چشم انتظار فرج ایشان است و در گرفتاری ها از اینکه امامش ناراحت می شود رنج می برد.

بر همین اساس، دوسـتدار واقعی امام زمان علیه السلام در گرفتاری های شخصی اش بیشتر به خاطر مولایش ناراحت می شود. تا برای خودش. برای او تحمل رنج امام در گرفتاری های شیعیان، از رنجی که خودش در گرفتاری هایش می برد، سخت تر و سنگین تر است پس در همه مصـیبت هـا چه آنکه مربوط به خودش است و چه آنکه به سـایر مؤمنـان و حـتی سـایر مخلوقـات مربوط می شود، بیش از هر چیز، غم و غصّه هـای امام زمانش او را غمگین و ناراحت می کنـد و از همین جهت، انتظار فرج و گشـایش امـامش از انتظـار فرج دیگران، برایش مهم تر است و همّ و غم خود را مصـروف به این مطلب می گردانـد، البته فرج ایشـان فرج همه عالمیـان است امّـا نیّت انتظـار فرجش بالاـترین و خـالص ترین نیتهـاست. از این رو، دعـا گوی امـام بوده و از محضر الهی، تعجیل فرج را درخواست می کند.

بیستم: دعا برای خونخواهی امام حسین علیه السلام با تعجیل در فرج، در روز عاشورا که روز خروج حضرت صاحب الامرعلیه السلام برای جهاد و قتل دشمنان به ویژه برای

خونخواهی حضرت اباعبداللّٰه علیه السلام و همه مظلومان کربلاست و این دعای مخصوص با فضیلت، بسیار وارد شده که در آن روز خوانده شود که جملات زیادی از فقرات شریفه آن مشتمل است بر دعا و طلب فرج اهل بیت اطهارعلیهم السلام و طلب هلاک و خذلان دشمنانشان بر آن وجهی که در وقت ظهور قائمشان، وعده داده شده، بلکه همه آن دعای شریف مبتنی بر همین مطلب است.

پس لازم است که شیعیان در آن روز، کمال اهتمام را در حال جزع و حزن و ندبه در مصیبت حضرت اباعبداللّٰه علیه السلام داشته و فرج اهل بیت اطهارعلیهم السلام را با ظهور حضرت قائم علیه السلام طلب نمایند، از طریق به این دعا یا ادعیه دیگری که برای فرج وارد شده یا به مضمون آنها، که به زبان خود دعا کننده، جاری شود که این دعای شریف به خصوص در چنین روزی، علاوه بر فضایل فراوان، نصرت و یاری نسبت به امام حسین علیه السلام خواهد بود. در فرازی از دعای مذکور، چنین آمده است: «اللهم فَرّج عن اهل محمّدصلی الله علیه وآله أجمعین وَاستنقذهم من أیدی المنافقین و الکُفّار.»: خدایا در اهل بیت محمّد فرج حاصل نما و همه آل او را از دست منافقان و کافران نجات بده...»

در فرازی دیگر آمده: «اللهم...اهدنا لایمان و عجل فرجنا بالقائم.»

خدایا ما را به سوی ایمان هدایت کن و فرج ما را با تعجیل در ظهور قائم برسان.»(۱)

علاوه بر این دعا، زیارت عاشورا به عنوان پر فضیلت ترین اقسام دعا است به وسیله آن به حضرت حسین بن علی علیه السلام می توان متوسل شد و با یادآوری احوال مظلومی حضرتش در حال تضرع از خدا، خواسته ای که مرتبط با ظهور حضرت

۱- ۲۵۲. مهج الدعوات، ص ۴۳ - ۴۴.

مهـدی علیه السـلام است می توان از محضـر ربوبی طلب کرد؛ زیرا که از این طریق (ظهور امـام زمـان) انتقام سالار شـهیدان و شهدای کربلا گرفته می شود.

«أسـل اللّٰه أن یرزقنی طلب ثـاری کم مع امـام هـدیً ظـاهرٍ نـاطقٍ بـالحقِّ منکم؛ از خـدا می خواهم که خونخواهی شـما بـا امام مهدی، رهبر و راهنمای ظاهر و گویای به حق که از خاندان شماست، روزی ام کند».(۱)

پس از بیـان تمـام این موارد و ادعیه گنجانـده شـده در آنها می توان با تلاوت سایر دعاهای مربوط به امام زمان در زمره یاران حضـرت محسوب شـده و به فیض کامـل نصـرت و یـاری ایشان فائز شویم. بر همه منتظران لازم است در طول شـبانه روز و در اوقات نماز و زمان های سـفارش شـده، دعا برای تعجیل فرج را فراموش نکرده حتی آن را مقدم بر حوایج و دعاهای شخصـی خود بدانند.

نتایج دعا برای تعجیل فرج

دعـا کردن برای تعجیـل در فرج امـام زمان علیه السـلام دارای فوایـد و نتایجی است که ابتـدا به اختصار به چنـدین مورد اشاره کرده سپس به شـرح چند مورد خاص می پردازیم. این نتایج عبارتند از: اطاعت از فرمایش حضـرت ولی عصـر، اظهار محبّت قلبی، نشانه انتظار، اداء اجر رسالت زودتر واقع شدن امر فرج، رفع عقوبت از اهل زمین، برخورداری از ثواب احسان به حضرت صاحب الزمان، ثواب شهید شدن در زیر پرچم حضرت مهدی علیه السلام، دفع بلاء، دعای حضرت مهدی در حق دعا

۱- ۲۵۳. تفسیر قمی، ص ۷۵۲.

کننده، برتری دعای هنگام غیبت بر دعای هنگام ظهور، رستگاری به شفاعت حضرت زهراعلیها السلام و نیز سایر موارد که نویسنده کتاب مکیال المکارم آن موارد را تا نود مورد نام برده است.(۱)

۱ - اطاعت از فرمایش حضرت ولی عصرعلیه السلام.

در توقیع شریفی که از آن حضرت روایت شده چنین آمده است: «واکثر والدعاء بتعجیل الفرج فإنَّ ذلک فرجکم؛ و بسیار دعا کنید برای تعجیل فرج که همان فرج شما است.»(۲)

با دقت در این فرمایش، تردیدی نمی ماند که منظور از فرج، فرج آن حضرت است این که فرج خود مردم در جمله همان فرج است. یکی از چند احتمال، مد نظر می باشد.

احتمال اوّل: اینکه منظور؛ فرج خود حضرت می باشد و علّت امر به دعا کردن برای فرج این است، حضرت تأکید می کنند فرج شماها بستگی به ظهور من دارد.

نزدیک بودن اسم اشاره (ذلک = همان) به کلمه فرج مؤیّد این احتمال است، دیگر اینکه روایاتی داریم که بیانگر این نکته است که فرج آن حضرت برای اولیاء خدا، با فرج حاصل می گردد.

احتمال دوّم: علت اینکه منظور از فرج آن حضرت است اینکه فرمودند: بسیار دعا کنید.

احتمال سوم: اینکه کلمه همان «یعنی آن دعا، فرج شما است؛ یعنی با دعا کردن برای تعجیل فرج و ظهور من، فرج شما حاصل می شود.(۳)

۱- ۲۵۴. مکیال المکارم، ص ۳۸۴ - ۳۵۱.
۲- ۲۵۵. بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۸۱، ح ۱۰.
۳- ۲۵۶. مکیال المکارم، ص ۳۵۶.

احتمال چهارم: اینکه منظور، بیان اثر بسیار دعا کردن است، یعنی با بسیار دعا کردن برای تعجیل فرج و ظهور من فرج شما حاصل می گردد.

آنچه تاکنون مطرح شد احتمالاتی است که از این حدیث فهمیده می شود، سایر حقایق و واقعیت های این امر که به نحوی با این حدیث مرتبط است، نیز وجود دارد که از گنجایش بحث ما خارج است.

معنای حاصل شدن فرج برای دعا کننده

حاصل شدن فرج برای دعا کننده، به یکی از این چند جهت است.

۱ - اینکه به آرزوهای دنیایی و خواسته های مختلفی که در راه آنها تلاش می کند، به برکت این دعا خواهد رسید، زیرا این دعا، وسیله هر گونه خیر و صلاح است.

۲ - دیگر اینکه خدا به برکت این دعا به جای امیدی که دارد، از او همّ و غم را دور می سازد و حاجتش را بر می آورد؛ زیرا کمک به مظلوم سبب یاری خدا به کمک کننده است. در واقع، خداوند متعال، صبر و استقامت در سختی ها و محنت ها را به او عنایت فرموده و در نرسیدن به مقصد شکیبایی را به او عطا کرده و دشواری ها را برای او آسان می گرداند. همان طوری که آهن را برای داوود نرم کرد.(۱)

تمام این حرف ها بر فرض آن است که حکمت الهی بر آن نباشد که فرج کلی واقع شود و حضرت صاحب الامر ظهور کند، که اگر آن فرج واقع شود، مقصود نهایی و منظور اصلی تحقق یافته است.

۱- ۲۵۷. همان، ص ۳۵۶.

تعجیل در امر فرج صاحب الزمان علیه السلام

مداومت در دعا برای تعجیل فرج حضرت ولی عصرعلیه السلام با شرایط آن، به قدر امکان، سبب می شود که این امر زودتر واقع شود و ظهور زودتر تحقق یابد. حدیثی که به این موضوع اشاره می کند، فرمایش امام صادق علیه السلام است که فرموده اند: «قال ابی عبداللَّه: فلمّا طال علی بنی اسرائیل العذاب ضجّوا و بکوا إلی اللَّه أربعین صباحاً فأوحی اللَّه إلی موسی و هارون یُخلِّصهُم من فرعون. فحطَّ عنهم سبعینَ و مائه سنه. فقال: ابوعبداللَّه: هکذا أنتم لوْ فعلتم لفرَّج اللَّه عنّا فأمّا إذ لم تکونوا فإنَّ الأمر ینتهی إلی منتهاه.»

«هنگامی که فشارها و شکنجه ها بر بنی اسرائیل طول کشید چهل صبح به درگاه خدا، ضجّه و گریه کردند، خدا به موسی و هارون وحی فرمود که آنها را از فرعون خلاص نمایند، پس صد و هفتاد سال را از آنها برداشت.

هم چنین شما اگر انجام دهید هر آینه، خدا بر ما فرج خواهد داد، ولی اگر چنین نباشید، البته این امر تا آخرین مرحله را طی خواهد کرد.»(۱)

ظهور، قابل تقدیم و تأخیر است

ظهور حضرت مهدی علیه السلام از اموری می باشد که قابل تقدیم و تأخیر است یعنی به سبب بعضی از اسباب، پیش یا پس می شود. یکی از این اسباب که زمینه جلو افتادنش را فراهم می سازد، اهتمام مؤمنین در دعا برای تعجیل ظهور و فرج است.

۱- ۲۵۸. بحارالانوار، ج ۵۲، ب ۲۲، ص ۱۳۱، ح ۳۴.

چه بسا، کسی که علم کافی نسبت به این موضوع ندارد، این امر را قبول نکند و از اینکه به سبب اهتمام در دعا، ظهور و فرج حاصل می شود، تعجب کند و این طور به نظرش رسد که اگر چنین بود، می بایست تاکنون فرج واقع می شد، چون اهل ایمان در هر زمان و مکان برای این امر بسیار دعا کرده و می کند.

نظر یاد شده قابل قبول نبوده و هیچ بعید نیست که برای ظهور آن حضرت در علم خداوند، دو وقت باشد که یکی نزدیک تر از دیگری است و ظهور آن حضرت در وقت نزدیکتر به اهتمام مؤمنین در امر دعا بستگی دارد. در واقع معنای بدائیه بودن امر ظهور، همین است که قابلیّت جلو و عقب شدن را دارد. و آن وقت نزدیک تر تاکنون نرسیده پس انکار تأثیر دعا، خیلی مردود است که هم قرآن به طور صریح بر آن دلالت دارد و هم در احادیث اهل بیت علیهم السلام به این موضوع اشاره شده است.

ثواب شهادت در رکاب رسول خدا و یا زیر پرچم حضرت قائم علیه السلام

دلیل این دو مکرمت یاد شده دو روایتی است که از امام جعفر صادق علیه السلام منقول است ایشان می فرمایند:

۱ - «مَن ماتَ منکم و هُوَ منتظر لهذا الأمر کَمَنْ هُو مع القائم فی فُسطاطه: ثمَّ مکَثَ هُنیئه ثمَّ قال: لابَل کَمَن قارع مَعَه بسیفه ثمَّ قال: لا واللّه الاّ کمن استشهد مع رسول اللّه، آنکه از شما بمیرد و او منتظر امر فرج باشد، مانند کسی است

ص:۱۸۰

که با حضرت قائم علیه السلام در خیمه اش باشد، سپس لحظه ای مکث کردند و فرمودند: نه بلکه همچون کسی است که در رکاب او با شمشیرش بجنگد. سپس فرمودند: نه به خدا قسم مثل کسی است که در رکاب رسول خدا شهید شده باشد.»(۱)

حدیث یاد شده حکایت از مقام منتظر و رسیدن به مراتب والا دارد که یکی از آن این است که منتظر حقیقی آن قدر ارج و قرب نزد ولی عصرعلیه السلام پیدا می کند که جایگاهش در خیمه اختصاصی امام خواهد بود. و همان طور که از این روایت بر می آید، حتی مثل شهید در رکاب رسول خداست. در حدیث دیگری از امام صادق علیه السلام علوّ مرتبت منتظر واقعی چنین مطرح شده است.

«مَنْ آمَنَ بنا و صدَّقَ حَدیثنا وانتظرنا کان کَمَنَ قُتِلَ تحتَ رایهِ القائم بل واللّه تحت رایهِ رسول اللّه؛ هر که به ما ایمان آورد و حدیث ما را تصدیق کرد و به انتظار دوران ما نشست، مانند کسی است که زیر پرچم قائم علیه السلام کشته شود، بلکه به خدا سوگند، زیر پرچم رسول اللّه.»(۲)

براین اساس اگر فردی با نیّت پاک برای تعجیل در ظهور مولا حضرت ولی عصرعلیه السلام دعا کند و نصرت حضرتش را بر دشمنان خواستار باشد و نیز علاوه بر آن از اقدامات لازم در این زمینه غافل نشود، مصداق عناوین یاد شده است؛ به این معنا که او در حال آماده باش کامل است تا دستور فرمانده صادر شده را اطاعت کند و خود را از فیض شهادت در رکاب رسول خدا و یا زیر پرچم رسول اللّه و یا پرچم حضرت قائم علیه السلام محروم نکند.

۱- ۲۵۹. بحارالانوار، ج ۵۲، ب ۲۲، ص ۱۲۶، ح ۱۸۱.

۲- ۲۶۰. همان، ج ۲۷، ب ۳، ص ۱۳۸،ح ۱۴۱.

حسن ختام

همه مواردی که بـا عنوان تکـالیف منتظران بر سـطور این کتاب نقش بست، تنها شـمّه ای از وظیفه ما در قبال آن منتظَر موعود است به عبـارتی دیگر کسـی که دلبـاخته آن وجـود نـازنین است در پی اداء حقـوق محضـر عزیز و بزرگـوارش می باشـد و با رعـایت کردن تمـام تکـالیف، ثبـات قـدم خود را در راه و آیین امام و مقتـدایش ثابت کرده تا در نهایت در زمره شـهیدان در رکاب امام قرار گیرد.

سرانجام انتظار

یوسف گم گشته باز آید به کنعان غم مخور

کلبه احزان شود روزی گلستان، غم مخور(۱)

سرانجام، دوران انتظار و نهان بودن آخرین منجی، به سـر می رسد و به زودی سپیدی صـبح بر سیاهی شب چیره خواهد گشت و آن زمـان دور نیست. این انسـان است که بـا انتخاب خود و فراهم آوردن زمینه ظهور با تلاش مسـتمر و رفتارهای شایسـته ی خود، می تواند بر پا مانده و خود را با این حرکت منظم هستی هماهنگ کرده و در فرجام نیک آفرینش سهیم باشد.

پیروزی حتمی سپیدی بر سیاهی

این درس قرآن است که «اگر حق آمد، باطل نابود شدنی است.»(۲) در واقع، باطل

ص:۱۸۲

۱- ۲۶۱. حافظ.

۲- ۲۶۲. سوره اسراء، آیه ۸۱.

زمینه های فساد و نابودی را در نهان خود دارد. به این دلیل که اگر کسی خلاف قوانین و سنت های حاکم بر هستی پیش برود، ناچار در معرض زوال است.

«جمله زیر» جای تأمل و تدبّر فراوان دارد:

«چه قدر امروز به سپیده فردا نزدیک است.»(۱)

این جمله امیدبخش، از زبان مهربانی در تاریخ ثبت شده که رنج نسل ها را از گذشته های دور دیده، برای آن برنامه ریزی کرده، و در نگاه و عمل، همه آنها را منظور داشته است، آن نگاه مهربان علی علیه السلام است که چنین زیبا، پایان تاریخ را به تصویر می کشد. سر چشمه عشق علی علیه السلام محبت خالق هستی است.

بنابراین، تسلّط نهایی با حاکمیت حقّ و عدالت است زیرا که فطرت آدمی بر اساس حقّ پرستی سرشته شده و از طریق ظلم ستیزی، دولت پایدار امام مهدی علیه السلام در عالم فراگیر شده و در نهایت سپیدی بر سیاهی پیروز می گردد. به امید آن روز.

۱- ۲۶۳. نهج البلاغه، پیشین، خ ۱۵۰، ص ۲۷۴: «ما أقربَ الیومَ مِنْ تباشر غدٍ»

نتیجه

راهکارها و پیشنهادها

پس از مباحث انتظار و مفهوم راستین آن، در این مبحث لازم است به منظور ترویج فرهنگ مهدویّت، به ارائه راهکارهایی که برخاسته از بررسی فرصت ها و تهدیدهای موجود جامعه و جهان و نیز اتّخاذ راهبردهای مناسب در این زمینه است بپردازیم:

۱ – ایجاد مرکزی آموزشی، پژوهشی و تبلیغی با مدیریتی واحد و شورایی متشکّل از نماینده مقام معظم رهبری، نخبگان و فرهیختگان، برخی از مدیران نظام که به گونه ای با این موضوع مرتبط اند (وزارت ارشاد، حوزه عملیه، سازمان تبلیغات، صدا و سیما، نهاد مقام معظم رهبری در دانشگاهها، امور مساجد، عقیدتی سپاه و ارتش و ...)؛ که همه این مؤسسات می توانند با مرکزیّت واحد و همکاری همدیگر در جهت گسترش و تعمیق فرهنگ مهدویت در داخل و خارج کشور، تلاش کنند. علاوه بر آن بهتر است این موارد در رأس اقدامات دستگاه های زیربط قرار گیرد:

الف – بسیج افراد و نهادهای جامعه و استفاده از تمامی ظرفیتها، امکانات، ابزارهای موجود (سخنرانی، مداحی، کتب، مطبوعات، ادبیات، هنر و مسابقه و پروژه های تحقیقاتی جهت تبیین فرهنگ مهدویّت و انتظار راستین).

ص:۱۸۵

ب – پاسخ به نیازهای فکری و اعتقادی گروه های مختلف جامعه به ویژه نسل جوان و دانشگاهیان.

ج – پاسخگویی به شبهات و مقابله با افکار و تبلیغات انحرافی و خرافی درباره مهدویت و انتظار.

د – تربیت متخصصان و مبلّغان ورزیده به منظور تصحیح و تقویت پایه های فکری و عقیدتی جامعه.

ه– شناسایی، سازماندهی و اطلاع رسانی نهادها و افرادی که در مقوله مهدویّت، تلاش می کنند.

۲ – ایجاد دانشکده های مستقل با گرایش های تخصصی مباحث مهدویت در برخی از رشته های مناسب دانشگاهی و تأسیس مراکز آموزشی تخصصی در حوزه های خواهران و برادران.

۳ – جذب و تربیت مربیان مهدویّت از میان طلّاب، دانشجویان و معلمان در دوره های آموزشی ویژه یا بلند مدّت جهت اداره جلسات محلی و سخنرانی در سطح دبیرستانها، مساجد و مهدیه های مراکز مورد نیاز.

۴ – فعّال کردن صدا و سیما در رابطه با فرهنگ مهدویّت و تهیّه برنامه های آموزشی علمی (به صورت مستمر با استفاده از اساتید با نحوه بیان عالی، گیرا و جذّاب) و در سطح هنری (فیلم، نمایش نامه) جهت پخش در سطح داخل و خارج.

۵ – اولویّت بخشیدن به کارهای فرهنگی ویژه حضرت در تمامی مراکز و نهادهای فرهنگی و اماکنی که متعلّق به آن حضرت است.

۶ – تشویق و حمایت از کارهای ادبی و هنری ویژه حضرت (داستان، شعر، فیلم داستانی و مستند، نمایش نامه، طراحی، نقاشی و سرود).

ص:۱۸۶

۷ – راه اندازی شبکه های اینترنتی فعّال و فراوان و مرتبط با مؤسّسات علمی پژوهشی ویژه حضرت در داخل و خارج.

۸ – بر پایی همایش ها و نشست های علمی در سطح داخلی و خارجی.

۹ – حمایت از تشکّل های مردمی که در جهت گسترش فرهنگ مهدویّت تلاش می کنند.

۱۰ – ترویج و احیای هر چه بیشتر دعای ندبه، در مساجد و مهدیه ها به شکل مناسب.

۱۱ – بررسی کارشناسانه کتب درسی، حوزوی، دانشگاهی و اصلاح آنها در زمینه فرهنگ مهدویّت و عصر انتظار.

۱۲ – برقراری جلسات هفتگی یا ماهیانه در سطح شهرها و محلّه ها به وسیله مربّیان و مبلغان ویژه آن حضرت.

۱۳ – تهیّه مجلّات و کتب ویژه حضرت برای سطوح مختلف به خصوص نسل جوان.

۱۴ – ترجمه کتب و مقالات مناسب در فرهنگ مهدویّت از فارسی به عربی.

۱۵ – برگزاری همایش های برترین های مهدویّت (کتاب، مجلّه، مقاله، فیلم، نمایش نامه، طراحی، نقاشی، خطاطی، سرود و....).

۱۶ – ایجاد کتابخانه های مستقل فرهنگ مهدویّت یا اختصاص بخشی از کتابخانه ها به کتاب های ویژه آن حضرت.

۱۷ – ایجاد مرکزی جهت پاسخگویی به سؤالات و شبهات مهدویّت و انتظار (مکتوب و شفاهی).

۱۸ – غنی سازی و جهت دهی به اشعار و مداحی در مورد آن حضرت.

۱۹ - به اقتراح گذاشتن برخی مباحث مهم و اساسی در مقوله مهدویّت در سطح خارجی و داخلی و اعطای جوایز ویژه.

۲۰ - برگزاری مسابقات کتابخوانی در سطوح مختلف جامعه.

۲۱ - ایجاد کانون هایی با نام پیشنهادی «انتظار» در حوزه ها، دانشگاهها، مدارس، مساجد و مراکز عقیدتی. علاوه بر تمام این راهکارهای مطرح شده، در عرصه های دیگری هم می توان عمل کرد:

عرصه های پژوهش

الف) کلامی - اعتقادی

۱ - ولایت (مفهوم، مبنا و اقسام و...) و امامت (اهمیت، دلایل عقلی و نقلی، مبانی، ویژگیها، شئون راه انتخاب، شبهات و...) به عنوان یکی از مهم ترین مبانی اعتقادی در مقوله مهدویّت.

۲ - اصالت مهدویّت و انتظار. (ادیان و مهدویّت).

۳ - مهدویّت از نگاه آیات و روایات.

۴ - بررسی تفاوت دیدگاه اهل تشیّع و تسنّن در مقوله مهدویّت (مهدی نوعی یا شخصی و اثبات دیدگاه تشیّع).

۵ - ویژگی ها و امتیازات امام مهدی علیه السلام نسبت به سایر معصومین علیهم السلام.

۶ - علّت و حکمت غیبت امام مهدی و فلسفه وجود دوران انتظار.

۷ - آثار و فواید وجودی حکومت در عصر غیبت (بررسی دیدگاه های فلسفی، عرفانی و روایی و فعالیّت ها و نوع رابطه و برکات و عنایات حضرت.

ص:۱۸۸

۸ – امکان رؤیت حضرت (آیا بر درخواست رؤیت حضرت مستندی هست).

۹ – وظایف و مسئولیت های شیعیان منتظر در عصر انتظار یا دوران غیبت.

۱۰ – انتظار (مفهوم، ریشه ها، آثار، آداب).

۱۱ – زمینه ها، علایم و شرایط حضور.

۱۲ – آینده جهان و فرجام انسان.

۱۳ – آداب توسّل، زیارت و ارتباط معنوی با حضرت.

۱۴ – مهدویّت و مسائل کلامی نوظهور (قرائت های مختلف از دین، سکولاریسم، پلورالیسم، انتظار از دین، مدرنیته).

ب) تاریخی (تحلیلی، نقلی)

۱ – شخصیت حضرت (ولایت، امامت، غیبت صغری، غیبت کبری .

۲ – بررسی اقدام منتظر (قبل و بعد از ظهور منتظَر از منظر تاریخ و قرآن به همراه درس ها و عبرتها: (یهود در انتظار موسی و پیامبر اسلام).

۳ – بررسی مقوله انتظار و مهدویّت از نگاه فلسفه تاریخ.

۴ – بررسی اماکن و مقام های زیارتی منتسب به مهدی منتظَر در ایران و سایر جاهای دیگر.

۵ – کرامات حضرت مهدی علیه السلام در عصر انتظار و یا در دوران گذشته.

ج) روان شناختی، تربیتی و اخلاقی اعتقاد به مهدی علیه السلام

۱ – بررسی آثار روان شناختی، تربیتی و اخلاقی اعتقاد به امام زنده (با آن اوصاف و شئون مخصوص) که بر رفتار انسان ها و جوامع نظارت دارد و نجوا و ارتباط قلبی، توسّل، استغاثه و معاشقه به آن حضرت در همه جا ممکن است.

ص:۱۸۹

۲ – مبانی تربیتی و اخلاقی در حکومت حضرت مهدی علیه السلام.

۳ – نقش انتظار در روان، تربیت و انسان منتظِر.

۴ – بررسی نقش و وظایف نهادهای تربیتی (خانواده، مدرسه، دانشگاه) درباره حضرت و انتظار ایشان.

۵ – سیمای منتظران و ترسیم الگوی انسان منتظر.

۶ – ویژگی ها و صفات یاران امام مهدی علیه السلام و راه رسیدن به آنها.

۷ – آسیب شناسی روان شناختی، تربیتی و اخلاقی مهدویّت و نیز انتظار مهدی موعود بر اساس دیدگاه های نادرست.

۸ – آسیب شناسی تربیت دینی در عصر غیبت.

۹ – بررسی روش های مناسب جهت ایجاد انس و علاقه در کودکان، نوجوانان و جوانان نسبت به ساحت مقدس حضرت.

۱۰ – تبیین معنا و مفهوم درست و صحیح از انتظار (مبنی بر امید، تلاش، اهل عمل بودن و...)

د) سیاسی، اجتماعی

الف) طرح مباحثی در مورد غیبت همچون سیره حضرت در عصر غیبت:

۱ – مسئولیت های امام، شیعیان و مسئولین جهان در تحقق حکومت عدل جهانی امام مهدی علیه السلام.

۲ – نقش حضرت در حراست از شیعیان (نامه به شیخ مفید، شیعیان بحرین، حمایت از انقلاب اسلامی ایران).

۳ – حکومت حضرت، احتیاج به چه زمینه ها و یاران و تشکیلات و مراحلی دارد

ص:۱۹۰

که بایـد در عصـر انتظار و یا به عبارتی دیگر در دوران غیبت فراهم شود؟ این نیازها چگونه و به وسـیله چه کسانی بایـد فراهم شود؟

۴ – وضعیت شیعه در عصر انتظار.

۵ – ولایت فقیه، زمینه ساز حکومت جهانی مهدی.

۶ – بررسی نقش و وظایف نهادهای اجتماعی و حکومتی پیرامون مقوله انتظار و مهدویت.

۷ – نقش انتظار در اندیشه سیاسی شیعه پس از غیبت و به حرکت وا داشتن و رهایی ملت مسلمان از یوغ ستمگران.

۸ – ابعاد و شیوه های مبارزاتی دشمنان در رابطه با مقوله مهدویت و انتظار ایشان در عصر معاصر.

۹ – حکم قیام و انقلاب پیش از ظهور.

۱۰ – روش های مبارزاتی شیعیان در جوامع.

۱۱ – رسالت انقلاب اسلامی ایران در فراهم ساختن زمینه های ظهور.

۱۲ – نقش ایرانیان، مصری ها، لبنانی ها و عراقی ها در ظهور حضرت (از منظر روایات).

۱۳ – ترسیم حقیقت جامعه منتظر و مؤلّفه های آن و تبیین شرایط رشد و گسترش آن.

۱۴ – نقش جوانان و بانوان در ظهور حضرت از منظر روایات.

۱۵ – نوع رابطه تشکیلاتی در عصر غیبت.

۱۶ – موانع قیام حضرت در عصر غیبت.

۱۷ – شناسایی زمینه های ظهور حضرت در جهان معاصر.

ص:۱۹۱

۱۸ - بررسی ویژگی های حکومت مهدوی و صفات کارگزاران او جهت الگو دهی به کارگزاران حکومت های دینی در عصر غیبت.

۱۹ - حکومت حضرت، الگوی حکومت های دینی در عصر غیبت.

۲۰ - ارتباط عاشورا و انتظار امام حسین و امام مهدی علیهما السلام.

۲۱ - دشواری های حفظ دین از منظر روایات و آسیب شناسی آن در عصر غیبت.

۲۲ - روش های تبلیغ فرهنگ مهدویّت و انتظار در جامعه و جهان معاصر.

۲۳ - معرفی، نقد و بررسی عملکرد گروه ها و اشخاص فعال در رابطه با حضرت مهدی علیه السلام (انجمن حجّتیه و...).

ب) عصر ظهور:

مباحثی مربوط به دوران ظهور حضرت است که طرح آنها به عنوان راهکار، پیشنهاد می شود:

۱ - حکومت جهانی حضرت (ضرورت، امکان، شکل، ساختار، مبانی، ویژگی ها و...).

۲ - ترسیمی روشن از حکومت جهانی حضرت.

۳ - نقش دین و قوانین الهی در حکومت جهانی مهدوی.

۴ - علل و عوامل پیروزی حضرت و فروپاشی قدرت های استکباری در هنگام قیام امام مهدی علیه السلام.

۵ - جایگاه حکومت حضرت در دهکده جهانی، نظام نوین، و دنیای ارتباطات.

۶ - توسعه و مشارکت سیاسی، تمرکز قوّا، قدرت، جامعه مدنی، خشونت و مدارا و... در نظام سیاسی مهدوی.

ص:۱۹۲

۷ – شاخصه ها و صفات مدیران و کارگزاران در حکومت حضرت.

۸ – تفاوت مدینه فاضله اسلامی با دیگر مدینه های فاضله.

۹ – نوع رابطه تشکیلاتی و ولایی عصر ظهور.

۱۰ – مسیح و مهدی علیهما السلام.

۱۱ – مهدی علیه السلام و یهود.

۱۲ – بررسی علل و عوامل مخالفت و روی گردانی برخی از کسانی که خود را منتظر حضرت مهدی علیه السلام معرفی می نمودند در هنگام ظهور.

۱۳ – سیره حضرت در عصر ظهور (تربیتی، فکری، اخلاقی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، مدیریتی، حقوقی، قضایی و جزایی).

ه) اقتصادی

۱ – مؤلفه های اقتصادی در عصر ظهور.

۲ – نظام اقتصادی حکومت امام زمان علیه السلام الگوی حکومت دینی در عصر انتظار.

۳ – توزیع ثروت و فقر زدایی در عصر ظهور: الگوی حکومت دینی در عصر غیبت و دوران انتظار حضرت.

۴ – رشد تکنولوژی، صنعت و فن آوری در عصر ظهور.

۵ – الگوی مصرف در عصر ظهور.

۶ – توسعه اقتصادی در عصر ظهور.

۷ – منابع مالی حکومت مهدوی.

ر) ادبی – هنری

۱ – تعریف، نقش، جایگاه و ویژگی های رسالت هنر و هنرمند در عصر انتظار و ظهور.

۲ - تدوین زندگی نامه منتظران واقعی و حکایات انتظار و تشرّفات حقیقی در عصر غیبت.

۳ - تدوین فیلم نامه ها و نمایشنامه ها در مقوله مهدویّت (حقیقت و آثار انتظار، زندگی برخی تشرّفات حقیقی.

۴ - سرودن اشعاری حکمت آمیز درباره حضرت و نیز انتظار راستین ایشان.

۵ - نقاشی و طراحی در مقوله مهدویّت (انتظار و قیام و انقلاب اسلامی ایران زمینه ساز انقلاب جهانی حضرت، پیوند بعثت، غدیر و کربلا با انتظار و....).

۶ - بررسی عناصر داستانی با محوریّت انتظار، نقد و بررسی داستانهایی که درباره آن حضرت نوشته شده است.

۷ - تهیه داستان ها و اشعار مناسب (بر اساس معیارهای داستان نویسی، روان شناختی و تربیتی در مقوله مهدویت و انتظار موعود برای گروه های سنی کودک، نوجوان وجوان.

۸ - روش های گسترش و تبلیغ و تبیین فرهنگ مهدویت و انتظار با بهره گیری از ادبیات و هنر.

۹ - انتظار منجی موعود در ادبیات و هنر جهانی.

۱۰ - امام مهدی و انتظار حضرت در آثار شاعران و ادیبان شیعی وسنّی.

ز) سؤالات و شبهات

ریشه یابی، طبقه بندی و پاسخ گویی به سؤالات و شبهات قدیم و جدید در مقوله مهدویّت و انتظار؛ (آیات و روایات تولّد امام زمان، ظهور ایشان، وجود عصر غیبت، امتحان شدن مردم در دوران انتظار، مشکل بودن دینداری در عصر انتظار آیا دوران غیبت حضرت مهدی علیه السلام سند دارد؟ آیا مهدی منتظر نوعی است یا شخصی؟ نقش امام غایب در عصر

ص:۱۹۴

انتظار چیست و اساساً آیا وجود امام غایب در عصر غیبت به مردم فایده ای می رساند؟

ح) فرقه های انحرافی

معرفی، نقد و بررسی نظر آنها در مورد مهدی منتظَر و عصر غیبت.

ط) احادیث، ادعیه، زیارات

۱ - بررسی احادیث مهدویّت.

۲ - بررسی شرح و تفسیر دعاها و زیارات ائمّه علیهم السلام در مورد آن حضرت و انتظار ایشان.

۳ - گردآوری، شرح و تفسیر آثار امام مهدی از یاران، ادعیه، توقیعات و سخنان.

ی) منابع

۱ - تصحیح و گردآوری مناسب منابع روایی.

۲ - باب بندی و تدوین جدیدی از روایات مربوط به انتظار مهدویت براساس یک سیر منطقی با نیازهای روز.

۳ - تدوین و تحلیل موضوعی روایات.

ک) کتاب شناسی

۱ - فهرست نویسی کتب مهدویّت و انتظار (همه کتاب ها به همه زبان ها).

۲ - کتاب شناسی تفصیلی مهدویّت.

۳ - کتاب شناسی موضوعی مهدویّت.

ص:۱۹۵

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانه ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹